



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مہر کی

کلمہ فقیرانہ

کلمات قصار امام زمان

محمد تقی اعظمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلمات قصار امام زمان (علیه السلام)

نویسنده:

محمد تقی اکبر نژاد

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	کلمات قصار امام زمان علیه السلام
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۹	مقدمه ناشر
۳۰	مقدمه مؤلف
۳۰	اشاره
۳۱	نکته اول: روش آدرس دهی در کتاب حاضر
۳۱	نکته دوم
۳۳	کلمات قصار
۳۳	دعا برای در امان ماندن از فتنه ها
۳۳	امام و غم شیعیان
۳۳	امام و بی نیازی از دیگران
۳۳	امام و نترسیدن از تنهایی
۳۳	امام و تربیت بندگان
۳۴	امام و انتقاد از شیعیان
۳۴	امام و راز امامت
۳۴	امام و استمرار امامت
۳۴	امامت و باطل شدن دین
۳۵	امام و توصیف پدر
۳۵	امام و انتقال علوم
۳۵	امام و عظمت امامت
۳۵	وظایف شیعیان
۳۵	امام و وظایف امامت

۳۶	وظایف شیعیان و کنجکاوی بی مورد
۳۶	وظایف شیعیان و راست و چپ
۳۶	وظایف شیعیان و راه نزدیک شدن به امام
۳۶	امام و دلسوزی نسبت به شیعیان
۳۶	حضرت زهراعلیها السلام الگوی امام
۳۷	نتیجه حماقت و جهالت
۳۷	دعا برای عافیت از آفت ها
۳۷	بدترین زمان ها
۳۷	امام و توصیف خدا
۳۷	امام و مبارزه با غلو
۳۸	شیعه موذی
۳۹	امام و شهادت به عقاید حقه
۳۹	امام و بیزاری از غالیان
۴۰	امام و پناه بردن به خدا از گمراهی
۴۰	انتقاد از شیعیان و بی توجهی به روایات
۴۱	امام و ضرورت امامت
۴۱	امام و توصیف پدر
۴۱	امام و توصیف امام
۴۲	امام و عظمت امامت
۴۲	اراده خدا
۴۳	وظایف شیعیان در بازگشت به امام
۴۳	وظایف شیعیان و تجسس ممنوع
۴۵	امامت و معدن حقیقت
۴۵	وظایف شیعیان و ممنوعیت تجسس
۴۵	امام و دفاع از حقوق شخصی
۴۶	دقت امام در مطالعه نامه ها

- اراده خدا درباره حق و باطل ۴۶
- راز بعثت و امامت در اراده الهی ۴۷
- امام و بیان سیر نبوت ۴۸
- امام و بیان سیر امامت ۴۹
- حکمت نصب امامان معصوم علیهم السلام ۴۹
- چرا خداوند ائمه را با استعدادهای فوق العاده بیشتری آفرید؟ ۴۹
- امام و جعفر کذاب ۵۰
- اراه خدا در حفظ حق ۵۲
- امام شدن دو برادر! ۵۲
- عظمت امام ۵۲
- امام و توکل بر خدا ۵۳
- هدیه ای که امام رد کرد! ۵۳
- امام و تفسیر اُم المؤمنین بودن زنان پیامبر و حق طلاق برای حضرت امیرعلیه السلام ۵۳
- اگر خدا دلیل کند! ۵۴
- امام و معنای فاخلع نعلیک ۵۴
- نام حسین و اشک روان بر گونه های زکریا! ۵۵
- امام و تفسیر که یعیص ۵۶
- حضرت یحیی علیه السلام تجسمی از امام حسین علیه السلام ۵۶
- یکی از شباهت های امام حسین و حضرت یحیی ۵۷
- انتخاب امام؛ مردم یا خدا؟ ۵۸
- اشتباه موسی علیه السلام در انتخاب صالحان اُمّت ۵۸
- حق اختیار با کیست؟ ۵۹
- چرا مهاجرین و انصار حق انتخاب نداشتند؟ ۵۹
- دلیل مسلمان شدن ابوبکر و عثمان ۵۹
- طراحی توطئه قتل پیامبر! ۶۰
- دلیل بیعت طلحه و زبیر ۶۰

- ۶۱ امام و سفرای او
- ۶۱ امام و خبر مرگ عثمان بن سعید عمری رحمه الله اولین سفیر امام علیه السلام
- ۶۱ امام و ستایش عثمان بن سعید عمری
- ۶۲ تعزیت امام عصر به محمد بن عثمان رحمه الله در ماتم پدرش
- ۶۲ امام و ستایش محمّد بن عثمان رحمه الله به عنوان دومین سفیر
- ۶۳ تقدیر از محمد بن عثمان رحمه الله در نامه ای به محمّد بن ابراهیم بن مهزیار رحمه الله
- ۶۳ امام علیه السلام و لزوم تبعیت از منصوبین ایشان
- ۶۴ تقدیر امام عصر علیه السلام از حسین بن روح نوبختی سومین سفیر
- ۶۵ امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمّد سمّری رحمه الله
- ۶۵ خبر مرگ
- ۶۵ دستورات نهایی
- ۶۵ خبر از وقوع غیبت کبری
- ۶۵ زمان ظهور
- ۶۶ مدعیان نیابت
- ۶۷ امام و مدعیان دروغین نیابت
- ۶۷ امام و لعن احمد بن هلال کرخی
- ۶۷ جواز عمل به روایاتی که مدعیان دروغین قبل از انحراف نقل کرده اند
- ۶۸ امام و لعن شلمغانی
- ۶۸ امام و بیزاری از شلمغانی و پیروان او
- ۶۹ امام و ترس از مدعیان دروغین
- ۶۹ امام و مقام تسلیم
- ۷۰ ادعای شلمغانی و لعن امام
- ۷۰ امام و علمای اسلام
- ۷۰ حمایت امام از محمد بن جعفر
- ۷۱ امام علیه السلام برای حسن بن قاسم بن علاء دعا می کند!
- ۷۱ نصب حسن بن قاسم بن علاء به جای پدرش!

- ۷۱ امام و اظهار عشق و شغف به...
- ۷۳ وصیت پدرم این بود...
- ۷۳ من منتظرم!
- ۷۳ انتقال علم امامت
- ۷۴ وصیت های پدرم
- ۷۵ اصحاب امام زمان علیه السلام در دوره غیبت از زبان امام حسن عسکری
- ۷۵ مؤمنان مانند پرنده به دنبال لانه می گردند
- ۷۵ ذلت را تحمل می کنند
- ۷۵ اهل قناعتند
- ۷۵ دین شناسند
- ۷۶ سنگ زیرین آسیاب
- ۷۶ بسیار صبورند
- ۷۶ توصیه های پدر
- ۷۶ حکمت صبر
- ۷۶ عزت در لابلای حوادث
- ۷۷ ظهورت نزدیک است!
- ۷۷ پرچم هایت را می بینم
- ۷۷ شیعیان دورت حلقه زده اند
- ۷۷ عنایت خدا به یاران تو
- ۷۹ خدا به به واسطه تو ...
- ۷۹ کودکان و شوق دیدار
- ۸۰ حیوانات وحشی در جستجوی راه
- ۸۰ به نامحرمان نگو!
- ۸۰ وظایف شیعیان در هنگام ظهور
- ۸۱ امام به فکر همه چیز است!
- ۸۱ امام و دعای ابراهیم بن مهزیار

- ۸۲ امام و قناعت پیشگی
- ۸۲ محبت و نصیحت خالصانه
- ۸۳ فرمایشات امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله
- ۸۳ اشاره
- ۸۴ نامه امام به برادرش!
- ۸۴ خدا اجازه داد تا نامه بنویسم
- ۸۵ نامه را به دیگران هم بده
- ۸۵ محل زندگی امام زمان علیه السلام
- ۸۵ امام و آگاهی از حوادث
- ۸۶ امام و لغزش امت
- ۸۶ گلایه از پیمان شکنی شیعیان
- ۸۶ امام همیشه بیدار
- ۸۶ وظایف شیعیان در کمک به خودشان
- ۸۷ نشانه قیام
- ۸۸ وظایف شیعیان و تقیه
- ۸۹ من ضامن نجات عاقل ها هستم!
- ۸۹ وظایف شیعیان و دستورالعمل امام علیه السلام
- ۹۰ دعای برادر
- ۹۰ نامه امام به برادر
- ۹۰ کسی که مایه مباهات امام است!
- ۹۱ حفظ اسرار از نامحرمان
- ۹۱ امام خانه به دوش
- ۹۱ امام و خیر دادن از آینده
- ۹۲ نشانه های قیام
- ۹۲ وظایف شیعیان و سرنوشت آن ها
- ۹۳ وظایف شیعیان و ضمانت امام

- وظایف شیعیان و دلیل تأخیر ظهور ۹۳
- امام و نامه به برادر ۹۴
- امام زمان علیه السلام در رتای شیخ مفید رحمه الله ۹۴
- دستور امام زمان علیه السلام به مرجع تقلید حضرت آیت الله اصفهانی ۹۵
- توقیعات فقهی ۹۶
- امام و انکار نسبت فامیلی با خدا ۹۶
- امام و مَثَلِ جعفر ۹۶
- حکم آبجو ۹۶
- شرایط وجوهات مورد قبول امام ۹۶
- زمان ظهور ۹۷
- تحریف عاشورا ۹۷
- جانشینان امام زمان در دوره غیبت ۹۷
- شرط پذیرش وجوهات شرعی ۹۸
- درآمد ترانه خوانی ۹۸
- امام و لعن ابوالخطاب عالی ۹۸
- دست بردن در مال امام ۹۹
- کسانی که از پرداخت وجوهاتشان پشیمانند! ۹۹
- دلیل غیبت امام ۹۹
- کیفیت بهرمندی از امام غایب ۱۰۰
- فواید وجود امام ۱۰۰
- وظایف شیعیان و سؤالات ممنوع ۱۰۱
- وظایف شیعیان و دعای تعجیل فرج ۱۰۱
- فضیلت دعای بعد از نمازهای واجب ۱۰۱
- فضیلت سوره های توحید و قدر در نماز ۱۰۱
- امام و دعا برای شیعیان ۱۰۲
- زایمان در بهشت ۱۰۲

- ۱۰۳ تسبیحی از جنس تربت حسینی
- ۱۰۳ کیفیت نماز خواندن در حرم های مطهر
- ۱۰۴ امام و لعن دست اندازی کنندگان در اموال ایشان
- ۱۰۵ خاک مالی بینی شیطان
- ۱۰۵ شکایت زمین
- ۱۰۵ تأخیر نماز صبح و عشاء
- ۱۰۵ سرزنش صمیمانه
- ۱۰۶ توجه کامل به مشکلات شیعیان
- ۱۰۷ دستور العمل امام زمان برای کسانی که خود را
- ۱۰۸ امام و ستایش دوستان واقعی
- ۱۰۹ غم امام در مصایب شیعیان
- ۱۰۹ گفتن نام امام زمان
- ۱۱۳ تعیین زمان ظهور
- ۱۱۳ دعاهای امام زمان علیه السلام
- ۱۱۳ دعا برای ظهور فرج
- ۱۱۴ امام زمان و گلایه از شیعیان
- ۱۱۵ دعای مختصر و کامل
- ۱۱۶ دعای فرج
- ۱۱۷ سلام به امام زمان علیه السلام
- ۱۱۸ امام و اختیارات
- ۱۱۹ راز آفرینش
- ۱۱۹ تولی و تبری
- ۱۱۹ معامله با خدا
- ۱۲۰ مصونیت از شر دشمنان
- ۱۲۲ دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان
- ۱۲۲ حرز امام زمان علیه السلام

- ۱۲۳ دعای در زمان غیبت
- ۱۲۴ دعای فرج
- ۱۲۵ دعا برای مصونیت از شر آخرالزمان
- ۱۲۶ شکایت از یتیمی
- ۱۲۶ پیروزی در دنیا و آخرت
- ۱۲۷ دعای فرج
- ۱۲۷ در خواست انتقام
- ۱۲۷ دعای فرج
- ۱۲۸ امام زمان روضه خوانی می کند
- ۱۲۸ ارادت امام زمان علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام
- ۱۲۸ آرزوهای امام زمان علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام
- ۱۲۹ حسرت امام زمان علیه السلام درباره شهدای کربلاء
- ۱۳۰ سیمای امام حسین علیه السلام در کلام امام زمان علیه السلام
- ۱۳۳ روضه روز عاشورا
- ۱۳۶ حسین تجسم اسلام
- ۱۳۷ عزای کل هستی برای امام حسین علیه السلام
- ۱۳۸ توسل به خاک کربلاء
- ۱۳۹ توسل به معصومین علیهم السلام
- ۱۴۰ توسل به پیامبر و قبر امام حسین علیه السلام
- ۱۴۱ خواسته های روز عاشورا
- ۱۴۳ توسل به امام حسین علیه السلام
- ۱۴۴ رابطه با دنیا و آخرت
- ۱۴۵ فقیر و غنی
- ۱۴۵ بیچاره و بدبخت واقعی
- ۱۴۵ بدترین بنده و بهترین خدا
- ۱۴۶ بی حیایی!

- ۱۴۶ توسل به امام حسین علیه السلام
- ۱۴۷ دعای عمومی
- ۱۴۷ دعای امام برای شیعیان
- ۱۴۷ دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه مبارک رمضان
- ۱۴۹ اقرار به گناهان
- ۱۵۰ معصیت و انواع آن
- ۱۵۰ امام زمان علیه السلام و سلام بر حضرت امیر علیه السلام
- ۱۵۱ عظمت امام
- ۱۵۲ معجزات امام زمان علیه السلام
- ۱۵۲ وظایف شیعیان و کسب حلال
- ۱۵۲ امام و یاری یاران
- ۱۵۲ دیدار با امام زمان علیه السلام
- ۱۵۲ منم مهدی
- ۱۵۳ مدت واقعی غیبت
- ۱۵۳ غضب زمین مسجد جمکران
- ۱۵۳ جمکران، مکانی جدا شده و استثنایی
- ۱۵۴ امام و تشویق به عبادت در مسجد جمکران
- ۱۵۴ روش خواندن نماز تحیت مسجد
- ۱۵۴ روش خواندن نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران
- ۱۵۵ ملحقات: امام زمان علیه السلام در روزهای اول ظهور
- ۱۵۵ امام زمان علیه السلام و یاری خواستن از مردم
- ۱۵۵ من عصاره تمام پیامبرانم
- ۱۵۶ نزدیک ترین به قرآن
- ۱۵۶ نزدیک ترین به سنت
- ۱۵۶ به حرمت خدا و رسول او و خودم
- ۱۵۷ من محمّد و علیم!

۱۵۷	من حسن و حسینم!
۱۵۷	من ائمه بعد از حسینم!
۱۵۸	ما وعده قرآن هستیم -
۱۵۸	دستور العمل کلی
۱۵۹	دلیل غیبت
۱۶۰	فهرست منابع و مأخذ
۱۶۲	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

عنوان و نام پدیدآور : کلمات قصار امام زمان علیه السلام / مولف محمد تقی اکبرنژاد.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۸۹-۹

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۴۲] - ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- کلمات قصار

شناسه افزوده : اکبرنژاد ، محمدتقی

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۵۱/۲ / الف ۷ ک ۱۳۸۷ ۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۸۶۶۰۰

ص: ۱

اشاره

مقدمه ناشر

استقبال مردم به خصوص جوانان متدین و غیور کشور اسلامی ایران از معارف اهل بیت علیهم السلام به ویژه معارف مهدوی علیه السلام ما را بر آن داشت که اثر پیش روی شما عزیزان، را که برگرفته از کلام حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام است و با تلاش و تحقیق برادر ارجمند حجت الاسلام و المسلمین اکبرنژاد جمع آوری شده به زیور طبع آراسته گردد.

امید است مورد تأیید حضرت حقّ و عنایت حضرت صاحب الزمان حجت بن الحسن عسکری علیهما السلام قرار گیرد. ان شاء الله.

مدیر مسؤول انتشارات

مسجد مقدّس جمکران

حسین احمدی

سلام بر مهدی یگانه منجی عالم بشریت

بعد از اتمام کتاب موسوعه توقیعات الامام المهدی، بلافاصله درخواست ترجمه آن برای استفاده هموطنان فارسی زبان داده شد. با اشتیاق از این درخواست استقبال کردم و با تمام توان شروع به ترجمه کتاب نامبرده نمودم. تا شاید بتوانم خدمتی به عرصه فرهنگی و مذهبی جامعه اسلامی کرده باشم.

همزمان با شروع ترجمه کتاب موسوعه توقیعات الامام المهدی تصمیم گرفتم که گلچینی کامل از سخنان قصار و ماندگار آن امام همام را خدمت دوستان عرضه کنم. از آنجا که کلمات قصار امام زمان علیه السلام جمع آوری نشده بود و تنها به بیان چهل حدیث از بیانات ایشان اکتفا شده بود، مصمم شدم تا این کار را به صورت جامع به انجام برسانم. از این رو همزمان با ترجمه موسوعه که کامل ترین مجموعه سخنان امام زمان علیه السلام است، اقدام به انتخاب و گزینش فرمایشات گهربار ایشان کردم. به همین دلیل نیز آن را براساس موضوع بندی و فهرست موسوعه توقیعات منظم کردم. در آغاز آدرس های روایات را به جهت اتکاء به منابع موسوعه نیاورده بودم. دوستان گرانقدرم در انتشارات مسجد مقدس جمکران توصیه کردند تا

آدرس ها و منابع کلمات قصار را بدان بیفزایم. از این پیشنهاد استقبال کرده و منابع را بدان افزودم.

مجموعه ای که پیش رویتان قرار دارد. بی شک کامل ترین مجموعه از کلمات قصار آن حضرت است. در این مجموعه بیشتر به مسائل عمومی و غیر تخصصی پرداخته شده است. به عنوان مثال از نقل مسائل فقهی اختلافی به شدت پرهیز شده است. زیرا این مسائل باید توسط اهل فن آن مورد بررسی های فقهی قرار گیرند.

نکته اول: روش آدرس دهی در کتاب حاضر

اکثریت قاطع منابع و مأخذ روایات مجموعه حاضر، از کتاب شریف بحارالانوار علامه مجلسی رحمه الله نقل شده است. و به همین مقدار بسنده نشده و علاوه بر این دو از منابع دیگری نیز آدرس داده شده است. از آنجا که کتاب های مختلف معمولاً با قدری اختلاف روایات را نقل کرده اند. به همین جهت معیار در نقل ما، تنها کتاب بحارالانوار می باشد.

نکته دوم

با توجه به این که برخی از نامه ها و فرمایشات امام زمان علیه السلام طولانی و حاوی کلمات قصار متعددی می باشند از این رو گاه چندین جمله از یکی از نامه های آن حضرت استفاده شده است.

به همین جهت نیاز به آدرس جدیدی نداشتند. لذا در اولین جمله، آدرس

به طور کامل ذکر شده و در سایر جملاتی که از آن نامه استفاده شده است، آدرس نیامده است. بنابراین مادامی که آدرس جدیدی ذکر نشده باشد، بدان معناست که از همان مأخذ قبلی می باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی

محمد تقی اکبرنژاد

۱۸/۶/۸۵ مصادف با نیمه شعبان

کلمات قصار

دعا برای در امان ماندن از فتنه ها

دعا برای در امان ماندن از فتنه ها (۱)

عَافَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَوَهَبَ لَنَا وَلَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَأَجَارَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَقَلَّبِ؛

خداوند ما و شما را از فتنه ها مصون دارد. به ما و شما روح یقین عنایت کند و همه ما را از بد عاقبتی، در پناه خود حفظ کند.

امام و غم شیعیان

غَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَأَنَّا وَسَاوْنَا فِيكُمْ لَأَفِينَا؛

این مسئله ما را ناراحت و آزرده کرد؛ البته نه به خاطر خودم بلکه به خاطر خود شما.

امام و بی نیازی از دیگران

أَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ؛

خدا با ما است، به همین خاطر ما نیازی به غیر او نداریم.

امام و نرسیدن از تنهایی

الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا؛

حق با ماست، از این رو از روگردانی دیگران هراسی نداریم.

امام و تربیت بندگان

نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا؛

ما تربیت یافتگان خداییم و بقیه مخلوقات، تربیت یافتگان ما هستند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته»؛ الاحتجاج، ص ۴۶۶ ج ۲؛ احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي.

امام و انتقاد از شیعیان

يَا هَؤُلَاءِ مَا لَكُمْ فِي الرَّيْبِ تَتَرَدَّدُونَ وَفِي الْحَيْرِه تَنْعَكِسُونَ؟

آقایان! چه شده است که در تردید به سر می برید و در حیرت خود سرگردانید! (از شما بعید است).

امام و راز امامت

أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

آیا توجه نکردید که خداوند از زمان آدم تاکنون مراکزی را قرار داد تا آن ها را قصد کنید و نشانه هایی را برایتان نصب کرد تا به واسطه آن ها هدایت شوید؟

امام و استمرار امامت

كُلَّمَا غَابَ عِلْمٌ بَدَأَ عِلْمٌ؛

هرگاه نشانه ای گم شد، نشانه ای دیگر جایگزین آن می شود.

إِذَا أَفَلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ؛

هرگاه ستاره ای افول می کرد، ستاره ای دیگر طلوع می کند.

امامت و باطل شدن دین

فَلَمَّا قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ أَبْطَلَ دِينَهُ وَقَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ؛

متأسفانه زمانی که پدرم فوت کرد، گمان کردید که خداوند متعال دینش را باطل کرد و واسطه میان خود و خلقش را از میان برداشت!

امام و توصیف پدر

إِنَّ الْمَاضِيَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى سَعِيداً فَقِيداً عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ؛

پدرم با سعادت کامل درگذشت. او روش و سیره پدرانش را قدم به قدم پیروی کرد.

امام و انتقال علوم

فِينَا وَصِيَّتُهُ وَعِلْمُهُ وَمَنْ هُوَ خَلْفُهُ وَمَنْ يَسُدُّ مَسَدَهُ؛

اکنون نیز وصیت و علم او نزد من است. من جانشین و جایگزین او هستم.

امام و عظمت امامت

لَوْلَا أَنْ أَمَرَ اللَّهُ لَا يُغْلَبُ وَسِرَّهُ لَا يُظْهَرُ وَلَا يُغْلَنُ لَظَهَرَ لَكُمْ مِنْ حَقِّنَا مَا تَبَهَّرَ مِنْهُ عُقُولُكُمْ وَيُرِيْلُ شُكُوكَكُمْ؛

اگر چنین نبود که اراده خدا بر پوشیده ماندن فضایل ما مغلوب نمی شود و اسرارش فاش نمی گردد، عظمت ما آشکار می شد و عقل های شما را مبهوت خود می کرد و شک و تردیدهایتان را از بین می برد.

وظایف شیعیان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا؛

پس از خدا بترسید و تسلیم اوامر ما شده و مسائل را به ما واگذارید.

امام و وظایف امامت

فَعَلَيْنَا الْأَضْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْأَيْرَادُ؛

صدور و یا عدم صدور امر از وظیفه ماست.

وظایف شیعیان و کنجکاو بی مورد

لَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ؛

در صدد کشف اموری که از شما پوشیده شده است، نباشید.

وظایف شیعیان و راست و چپ

لَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى الْيَسَارِ؛

از صراط مستقیم به راست و چپ منحرف نشوید.

وظایف شیعیان و راه نزدیک شدن به امام

اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛

توجه تان را نسبت به ما براساس محبت و سنت های روشن شرعی قرار دهید.

امام و دلسوزی نسبت به شیعیان

لَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَرَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مُحَاطَتِكُمْ فِي شُغْلٍ مِمَّا قَدْ إِمْتَحَنَّا؛

آری اگر محبت و علاقه و دلسوزی ما نسبت به شما نبود، از ارتباط و گفت و گوی با شما به امتحانات الهی مشغول می شدیم.

حضرت زهرا علیها السلام الگوی امام

فِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛

دختر رسول خداصلی الله علیه و آله برای من الگوی مناسبی است. (۱)

۱- زیرا ایشان در حد توان تلاش کردند تا با غاصبان خلافت مبارزه کنند و زمانی که از آن مأیوس شدند، صبر و شکیبایی پیش ساختند. مقصود امام آن است که من نیز مانند مادرم چنین خواهم کرد.

نتیجه حماقت و جهالت

سَيُرَدِّي الْجَاهِلُ رِدَاءَ عَمَلِهِ؛

به زودی جاهل گمراه، لباس عملش را به تن خواهد کرد.

دعا برای عافیت از آفت ها

عَصَمْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْمَهَالِكِ وَالْأَسْوَاءِ وَالْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ كُلِّهَا بِرَحْمَتِهِ؛

خداوند همه ما و شما را به واسطه رحمتش از مهلکه ها، بدی ها و آفت ها دور کند.

بدترین زمان ها

بدترین زمان ها (۱)

فَإِنَّ الزَّمَانَ أَضْعَبُ مَا كَانَ؛

زمان ما سخت ترین زمان ها است.

امام و توصیف خدا

امام و توصیف خدا (۲)

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ تَعَالَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَمَّا يَصْنُفُونَ سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ؛

ای محمد بن علی خداوند عزوجل فراتر از آن چیزی است که او را می ستایند. او را منزّه دانسته و ستایش می کنم.

امام و مبارزه با غلو

لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءُ فِي عِلْمِهِ وَلَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ غَيْرُهُ؛

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۶، باب ۴۵ «ذکر التوقیعات الواردة»؛ بحار الأنوار ج ۵۳، ص ۱۸۵ باب ۳۱ «ماخرج من توقیعاته»؛

منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۲۵، الفصل التاسع فی ذکر توقیعاته.

۲- الاحتجاج ص ۴۷۳ ج ۲ احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدي بحار الأنوار ص ۲۶۶ ج ۲۵ باب ۱۰- نفی الغلو فی النبی و

الأئمه.

ما شرکای او در علم و قدرتش نیستیم. بلکه کسی غیر از او از علم غیب خبر ندارد. (۱)

أَنَا وَجَمِيعُ آبَائِي مِنَ الْأَوَّلِينَ آدَمَ وَنُوحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَغَيْرُهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَمِنَ الْأَخْرِيِّينَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ وَعَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَغَيْرُهُمْ مِمَّنْ مَضَى مِنَ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى مَبْلَغِ أَيَّامِي وَمُنْتَهَى عَضْرِي عِبِيدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

و من و تمام پدرانم از اولین که عبارتند از آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیر ایشان از پیامبران و از آخرین که محمد فرستاده خدا و علی بن ابی طالب و حسن و حسین و غیر ایشان از انبیا گذشته صلوات الله عليهم اجمعین تا روزگار من و پایان دوره من، همه و همه بندگان خداوند عزوجل می باشیم.

شیعه مودی

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ (۲) قَدْ آذَانَا جُهَلَاءَ الشَّيْعَةِ وَحَمَقَاؤُهُمْ وَمَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبُعُوضِ أَرْجَحُ مِنْهُ؛

ای محمد بن علی! جاهلان و بی خردان از شیعیان، ما را اذیت می کنند

۱- علم غیب به معنای علم مطلق الهی قطعاً جزو مختصات الهی است و احدی سعه وجودی تحمل آن را ندارد. اما به معنای نازل تر آن، با اراده و اذن خداوند متعال قابل درک برای اولیای الهی می باشد.

۲- محمد بن علی بن هلال کرخی، او غیر از احمد بن هلال کرخی است که یکی از مدعیان دروغین نیابت بوده است.

و همین طور کسانی که بال مگس بر دین آنان رجحان دارد. (۱)

امام و شهادت به عقاید حقه

أَشْهَدُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَكَفَى بِهِ شَهِيداً وَمُحَمَّدًا رَسُولَهُ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ؛

شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست و برای شهادت بر اعمال کافی است. شهادت می دهم بر محمد که فرستاده اوست و ملائکه و انبیاء و اولیایش.

امام و بیزاری از غالیان

أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ كُلَّ مَنْ سَمِعَ كِتَابِي هَذَا أَنِّي بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ يَقُولُ إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ أَوْ نُشَارِكُ اللَّهَ فِي مُلْكِهِ أَوْ يُحِلُّنَا مَحَلًّا سِوَى الْمَحَلِّ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ لَنَا وَخَلَقْنَا لَهُ؛

تو را و همه آن ها که از نوشته من باخبر خواهند شد، شاهد می گیرم که من بیزارم از تمام کسانی که مدعی اند ما علم غیب می دانیم (۲) یا در ملک خدا با او شریک هستیم و یا برای ما جایگاهی غیر از شأنی که خداوند برایمان عنایت کرده است و ما را برای آن خلق نموده، در نظر بگیرد.

فَكُلُّ مَنْ فَهِمَ كِتَابِي وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَى مَا قَدْ أَمَرْتَهُ وَنَهَيْتَهُ فَلَقَدْ حَلَّتْ عَلَيْهِ

-
- ۱- مثال که امام زده اند. یا از این جهت است که استحکام بال های مگس از استحکام اعتقادات برخی از شیعیان بیشتر است. یا از این جهت است که سنگینی بال های مگس از دین داری برخی از شیعیان بیشتر است.
 - ۲- مقصود از نفی علم غیب یا از جهت علم مطلق الهی بودن است. یا از جهت استقلال است؛ یعنی ایشان اگر از غیب هم باخبر بوده اند، به اذن خدا بوده است.

اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَمِمَّنْ ذَكَرْتُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ؛

بنابراین هر کسی که از نوشته من باخبر شود و به آنچه که امر کردم و از آنچه که نهی نمودم، باز نگردد، پس لعنت خدا و بندگان صالحی که از آن ها نام بردم (۱) بر او حلال خواهد شد.

امام و پناه بردن به خدا از گمراهی

امام و پناه بردن به خدا از گمراهی (۲)

أَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعُمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَمِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى وَمِنَ مُوبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَمُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ؛

من از کوری بعد از بینایی و گمراهی بعد از هدایت و از اعمال و فتنه های هلاک کننده به خدا پناه می برم.

انتقاد از شیعیان و بی توجهی به روایات

كَيْفَ يَتَسَاقَطُونَ فِي الْفِتْنَةِ وَيَتَرَدَّدُونَ فِي الْحَيْرَةِ وَيَأْخُذُونَ يَمِينًا وَشِمَالًا فَارْقُوا دِينَهُمْ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ عَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَالْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَسَّوْا؛

بنگر که چگونه در فتنه ها سقوط می کنند و در تحیر و سرگردانی می گردند. به راست و چپ می روند و از دینشان فاصله می گیرند. آیا آن ها در مورد حق دچار تردید شده اند؟ یا عناد می ورزند؟ یا این که از روایات راست و خبرهای صحیحی که به آن ها رسیده است، بی خبرند؟ یا این که آن ها را می دانند اما از یاد برده اند؟

۱- مقصود ملائکه، انبیاء و اولیا می باشد که در جای جای نامه از آن ها نام بردند.

۲- کمال الدین ج ۲ ص ۵۱۰ توفیق من صاحب الزمان علیه السلام کان خرج بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۹۰ باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته عليه السلام»

امام و ضرورت امامت

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا وَإِمَامًا مَعْمُورًا؛

آیا نمی دانند که خدا زمین را خالی از حجت نمی کند؛ حجتی که یا ظاهر است یا پنهان و در پرده.

امام و توصیف پدر

أَفْضَى الْأَمْرِ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَى الْمَاضِي يَعْني الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَامَ مَقَامَ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
وَالِي طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ؛

تا این که دوره امام قبلی یعنی حسن بن علی علیه السلام تمام شد، او جای پدرش نشست و به راه حق و راست هدایت کرد.

كَانَ نُورًا سَاطِعًا وَقَمَرًا زَهْرًا؛

نور درخشان و ماه تابانی بود.

اخْتَارَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مَا عِنْدَهُ؛

خداوند او را برای علم خودش انتخاب کرده بود.

فَمَضَى عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذُّو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ عَلَى عَهْدِ عَهْدِهِ وَوَصِيَّهِ أَوْصَى بِهَا إِلَى وَصِيِّ؛

او با روش پدرانش زندگی کرد؛ قدم به قدم بر عهد و پیمان و وصیتی که هر وصی بعد از خودش کرد، عمل نمود.

امام و توصیف امام

وَصِيٌّ سَتَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايِهِ وَأَخْفَى مَكَانَهُ بِمَشِيئَتِهِ لِلْفَضَاءِ السَّابِقِ وَالْقَدْرِ النَّافِدِ وَفِينَا مَوْضِعُهُ وَلَنَا فَضْلُهُ؛

جانشینی که خدا او را تا مدتی پنهان کرده بود و مکانش را مخفی داشته است. البته همه این ها با قضای حتمی قبلی او و قدر جاری او صورت گرفت. (۱) محل استقرار جانشینی و فضایل آن در ما است.

امام و عظمت امامت

لَوْ قَدْ أذِنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيمَا قَدْ مَنَعَهُ وَأَزَالَ عَنْهُ مَا قَدْ جَرَى بِهِ مِنْ حُكْمِهِ لَأَرَاهُمْ الْحَقَّ ظَاهِرًا بِأَحْسَنِ حَلِيهِ وَأَبْيَنِ دَلَالِهِ وَأَوْضَحِ عِلْمِهِ وَلَأَبَانَ عَنْ نَفْسِهِ وَقَامَ بِحُجَّتِهِ؛

اگر خداوند به چیزی که از آن منع کرده است (۲) اجازه می داد و آنچه را که از حکم حکیمانه اش جاری کرده است، برمی داشت، حق را آشکارا و با آراستگی تمام و ادله روشن و نشانه های واضح ظاهر می کردم. آن وقت آن حجت پنهان از خودش پرده برمی داشت و ادله خود را بیان می کرد.

اراده خدا

لَكِنَّ أَقْدَارَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَإِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَتَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ؛

لکن آنچه که قدرت خدا است مغلوب نمی شود و اراده او بر نمی گردد و کسی نمی تواند از توفیقش سبقت بگیرد.

۱- مقصود آن است که سنت خدا از گذشته بر آن بوده است که انسان ها خود سرنوشت خود را رقم بزنند و از آنجا که انسان ها انتخاب های بدی انجام دادند. از نعمت امام محروم گردیدند. والا اگر انسان فاقد اختیار بود یا خدا می خواست خلاف مسیر ساخته شده به دست انسان عملی انجام دهد، غیبت پیش نمی آمد.

۲- خداوند اراده کرده است که انسان در عالم حجاب و با وجود محدودهای آن به عالم غیب که شامل ایمان به خدا، ملائکه و انبیاء و ائمه است، ایمان بیاورند. الذین یؤمنون بالغیب و اجازه نداده است که ایشان با اسباب غیر طبیعی پرده ها را بردارند و زمینه امتحان را از ایشان سلب کنند. امام علیه السلام می فرماید: اگر خداوند چنین اراده ای نداشت، حقیقت امامت را به آن ها نشان می دادم. در آن صورت احدی در حقانیت من شک نمی کرد. مویذ این مطلب توقیعات دیگری است که در آن ها به این مطلب اشاره شده است.

وظایف شیعیان در بازگشت به امام

فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ وَلْيُقِيمُوا عَلَىٰ أَصْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ؛

آن ها باید از هوس های نفس خود تبعیت نکنند و به اصل خودشان که بر آن بوده اند باز گردند. (۱)

وظایف شیعیان و تجسس ممنوع

لَا يَبْحَثُوا عَمَّا سَتَرَ عَنْهُمْ فَيَأْتُوا؛

آنچه را که خداوند پوشانیده است، جست و جو نکنند؛ زیرا در این صورت به معصیت می افتند.

لَا يَكْشِفُوا سِتْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَنْدُمُوا؛

ستر خدا را بر ندارند؛ زیرا پشیمان می شوند. (۲)

۱- اعتقاد به امام.

۲- در روایات فراوانی داریم که خداوند متعال آنچه را که لازم می دیده است، بیان کرده است. اگر با مسئله ای مواجه شدید که خداوند درباره آن به طور خاص حکمی نداده بود، شما نیز آن را مسکوت عنه بگذارید و درباره آن بحث و بررسی نکنید. زیرا اگر دانستن آن به صلاح شما بود، خداوند متعال آن را بیان می کرد. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيِّ الْمَوْسَوِيُّ فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَحَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَنَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَسَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَلَمْ يَدْعَهَا نِسْيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا (و سائل الشيعة ج ۱۵، ص ۲۶۰، باب ۲۴ «وجوب أداء الفرائض»). بی شک خداوند واجباتی را بر شما واجب کرده است و حدودی را تعیین کرده است؛ پس از آن ها نگذرید و شما را از اموری نهی کرده است که آن ها را نشکنید. در این میان از بیان برخی چیزها سکوت کرده است و نگفتن آن ها به خاطر جهل و فراموشی نبوده است، بلکه مصلحت نبوده است. بنابراین خودتان را درباره آن ها به زحمت نیندازید. شاید بهترین نمونه و مثال برای به تکلف انداختن ماجرای گاو بنی اسرائیل باشد. زیرا زمانی که یکی از آن ها دیگری را کشت و قتل رخ داده می رفت تا به یک معضل اجتماعی و اختلافات قومی شود. خداوند از حضرت موسی علیه السلام خواست تا از مردم بخواهد که گاوی را بکشند و استخوان آن را به مُرده بزنند تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. خداوند در این دستور گاو خاصی را تعیین نکرده بود. از این رو آن ها به راحتی می توانستند هر گاوی را که خواستند قربانی کنند. اما مردم از رنگ و سن و سال و انواع آن سؤالات فراوانی کردند. خداوند نیز برای این که آن ها را تنبیه کند. مدام بر شرایط گاو اضافه کرد. گاوی که رنگش طلایی باشد، نه مسن باشد و نه بیچه، گاو شخم زن نباشد و ... شرایط به اندازه ای سخت شد که در کل بنی اسرائیل تنها یک گاو واجد همه این شرایط بود و آن ها مجبور شدند برای خرید آن هزینه هنگفتی پرداخت کنند. بنابراین اگر آن ها طبق امر اولیه امام علیه السلام اقدام به قربانی گاو می زدند. این همه مکافات و زحمت برای خودشان

درست نمی شد.

امامت و معدن حقیقت

لِيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُّفْتَرٍ وَلَا يَدْعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ؛

شیعیان باید بدانند که حق با ما و در میان ماست. کسی غیر از ما آن را بیان نمی کند، مگر دروغگوی افترا زننده (۱) و کسی غیر از ما مدعی آن نمی شود مگر گمراه سرگردان.

وظایف شیعیان و ممنوعیت تجسی

فَلْيَقْتَصِرُوا مِنَّا عَلَى هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ التَّفْسِيرِ وَيَقْنَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالتَّعْرِضِ دُونَ التَّصْرِيحِ؛

بنابراین بیش از آنچه را که در باب امامت گفتیم، نخواهید. و به اشاره کردن من قناعت کنید. و انتظار تصریح و توضیح نداشته باشید.

امام و دفاع از حقوق شخصی

امام و دفاع از حقوق شخصی (۲)

يَا جَعْفَرُ مَا لَكَ تَعَرَّضُ فِي حُقُوقِي

۱- یعنی هیچ کس از آن خبر ندارد و اگر بخواهد آن را بگوید. دروغ خواهد گفت.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲، باب ۴۳ «ذکر من شاهد القائم علیه السلام وآه»؛ بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۴۲ باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله عليه».

فَتَحَيَّرَ جَعْفَرًا؛

ای جعفر آیا به ارثیه (۱) من دست دراز می کنی؟

جعفر از این حرف متحیر و مبهوت شد.

يَا جَعْفَرُ دَارُكَ هِيَ ثُمَّ غَابَ؛

زمانی که جده امام زمان و همسر (۲) امام علی النقی علیه السلام وصیت کرد که او را در خانه خودش دفن کنند، جعفر اجازه دفن نمی داد و می گفت که خانه به من رسیده است و اجازه دفن کسی را نمی دهم. امام علیه السلام دوباره از نقطه نامعلومی پیدا شد و فرمود: «جعفر اینجا خانه توست؟» و ناپدید شد.

دقت امام در مطالعه نامه ها

دقت امام در مطالعه نامه ها (۳)

أَحَاطَتْ مَعْرِفَتِي بِجَمِيعِ مَا تَضَمَّنَتْهُ عَلَى اخْتِلَافِ أَلْفَاظِهِ وَتَكَرُّرِ الْخَطَاءِ فِيهِ؛

متوجه تمام مطالب آن و تناقض گویی هایی که در نامه جعفر بود و خطاهای تکراری آن، شدم.

اراده خدا درباره حق و باطل

أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا وَلِلْبَاطِلِ إِلَّا زُهُوقًا؛

خداوند اراده کرده است که حق را تمام کند و باطل را از بین ببرد.

إِنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ لِصَاحِبِ الْكِتَابِ عَلَى الْمَكْتُوبِ إِلَيْهِ وَلَا عَلَيْكَ وَلَا عَلَيَّ أَحَدٍ

۱- زیرا امام زمان و مادر بزرگوارشان تنها وارثان امام حسن عسکری علیه السلام بودند.

۲- طبعاً ایشان مادر جعفر نیز خواهند بود.

۳- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸ «احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي»؛ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۹۳؛ الغيبة للطوسی ص ۲۸۷.

مِنَ الْخَلْقِ إِمَامَهُ مُفْتَرَضَةً وَلَا طَاعَةَ وَلَا ذِمَّةً؛

بی شک خداوند امامت و اطاعت نویسنده نامه (۱) را نه بر مخاطب آن و نه بر تو و نه بر احدی از مخلوقاتش واجب نساخته است.

راز بعثت و امامت در اراده الهی

يَا هَذَا يَرْحَمُكَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدًى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا
وَأَلْبَابًا ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَيُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهَلُوهُ مِنْ أَمْرِ
خَالِقِهِمْ وَدِينِهِمْ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِينَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَنْ بَعَثَهُمْ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ الَّذِي جَعَلَهُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ وَمَا
آتَاهُمْ مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَالْبُرَاهِينِ الْبَاهِرَةِ وَالْآيَاتِ الْغَالِبَةِ؛

ای احمد - که خدا تو را مورد رحمت خویش قرار دهد - بی تردید خداوند متعال مخلوقش را بی دلیل نیافریده است و آن ها را سر خود رها نکرده است. بلکه آن ها را با قدرت خویش آفریده و آن ها را مجهز به اسبابی چون گوش و چشم و روح (۲) و عقل کرده است. بعد از آن، پیامبرانی را جهت بشارت دادن و ترساندن ایشان برانگیخت تا آن ها را به اطاعت او امر کرده و از معصیتش نهی کنند. آن دسته از اوامر الهی و دینی را که با عقل هایشان درک نمی کردند، به ایشان بیاموزند. کتاب هایی را بر ایشان

۱- جعفر کذاب.

۲- در اغلب آیات و روایات قلب به معنای روح به کار می رود، روحی که در بردارنده تمام استعدادهای انسانی است، روحی که منشاء فطرت خاص انسانی است.

نازل کرد و ملائکه ای را میان خود و ایشان مأمور ساخت. زیرا ایشان را بر دیگران فضیلت داده بود و آن ها را به دلیل های روشن و نشانه های غالب مجهز کرده بود.

امام و بیان سیر نبوت

مِنْهُمْ مَنْ جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَأَتَّخَذَهُ خَلِيلًا؛

یکی از آن ها کسی بود که آتش را برای او خنک و دلنشین ساخت و او را به دوستی خود انتخاب نمود.

مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَجَعَلَ عَصَاهُ تُعْبَانًا مُبِينًا؛

دیگری نیز کسی بود که به وفور با او سخن گفت و عصایش را اژدهای آشکاری قرار داد.

مِنْهُمْ مَنْ أَحْيَا الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَاللَّابِرْصَ بِإِذْنِ اللَّهِ؛

برخی نیز با اذن و اجازه خدا مردگان را زنده می کرد و کور مادرزاد و افراد مبتلا به پستی را شفا می داد.

مِنْهُمْ مَنْ عَلَّمَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛

به برخی نیز سخن گفتن با پرندگان را آموخت و از تمام امور او را بهرمنند ساخت. (۱)

بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَتَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ وَخَتَمَ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ وَأَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً؛

در نهایت نیز محمدصلی الله علیه وآله را برای مورد رحمت قرار دادن عالمیان

۱- مقصود حضرت سلیمان علیه السلام است.

برانگیخت. نعمتش را با بعثت او تمام کرد و نبوتش را با او خاتمه داد و او را به سوی تمامی انسان ها فرستاد.

قَبْضَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَمِيداً فَقِيداً سَعِيداً؛

بعد از انجام رسالت از دار دنیا رفت. در حالی که ستوده و سعادتمند بود.

امام و بیان سیر امامت

جَعَلَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ إِلَىٰ أَحِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِلَىٰ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِداً وَاحِداً؛

بعد از خودش، امر خلافت را به برادر(۱) و پسر عمویش و وصی و وارثش علی بن ابی طالب علیه السلام و اگذار کرد. بعد از او نیز به فرزنداناش، یکی بعد از دیگری منتقل ساخت.

حکمت نصب امامان معصوم علیهم السلام

أَحْيَا بِهِمْ دِينَهُ وَأَتَمَّ بِهِمْ نُورَهُ؛

دینش را با وجود آن ها زنده نگه داشت و نور هدایتش را با آن ها به اتمام رساند.

چرا خداوند ائمه را با استعدادهای فوق العاده بیشتری آفرید؟

جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِهِمْ وَبَيْنَ عَمِّهِمْ وَالْمَأْدُونِينَ فَالْمَأْدُونِينَ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فُرْقَاناً بَيْناً يُعْرَفُ بِهِ الْحُجَّةُ مِنَ الْمَحْجُوجِ وَالْإِمَامُ مِنَ الْمَيَامُومِ بِأَنَّ عَصِيَّةَ مَهُمْ مِنَ الدُّنُوبِ وَبَرَّاهِمُ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَنَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ وَجَعَلَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ وَمَوْضِعَ سِرِّهِ وَأَيْدَهُمْ

۱- پیامبر و حضرت امیرعلیهما السلام صیغه اخوت خوانده و برادر صیغه ای همدیگر بودند.

بِالدَّلَائِلِ وَلَوْ لَا ذَلِكْ لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ وَلَمَّا دَعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كُلُّ أَحَدٍ وَلَمَّا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَمَّا الْعَالَمُ مِنَ الْجَاهِلِ؛

میان آن ها و برادران و پسر عموهایشان و تمام نزدیکانشان تفاوت فاحشی قرار داد تا حجت الهی از غیر حجت و امام از مأموم شناخته شود و مشتبه نشود. به این صورت که آن ها را از گناهان مصونیت بخشید و از عیب ها پیراسته ساخت و از پلیدی ها دور کرد و از اشتباهات پاک نمود و آن ها را گنجینه علم و امانت دار حکمت و محل استقرار سرش قرار داد و آن ها را با ادله مختلف یاری کرد. و اگر این تفاوت ها نبود، همه مردم یکسان می شدند و هر کسی مدعی وصیت الهی می شد و حق از باطل و عالم از جاهل شناخته نمی شد.

امام و جعفر کذاب

قَدْ ادَّعَى هَذَا الْمُبْطِلُ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ بِمَا ادَّعَاهُ فَلَا أُدْرِي بِأَيِّهِ حَالَهُ هِيَ لَهُ رَجَاءٌ أَنْ يُتِمَّ دَعْوَاهُ؛

این مرد فاسد که به خداوند افتراهای دروغین می بندد، مدعی امامت شده است و من نمی دانم که به خاطر کدامین فضیلت امید به چنین مقامی دوخته است!؟

أَبْفَقِهِ فِي دِينِ اللَّهِ فَوَاللَّهِ مَا يَعْرِفُ حَلَالًا مِنْ حَرَامٍ وَلَا يَفْرُقُ بَيْنَ خَطَاءٍ وَصَوَابٍ؛

آیا فقیه دین شناس است؟ به خدا قسم که او حلال را از حرام تشخیص نمی دهد و خطا را از درست جدا نمی کند.

أَمْ يَعْلَمُ فَمَا يَعْلَمُ حَقًّا مِنْ بَاطِلٍ وَلَا مُحْكَمًا مِنْ مُتَشَابِهٍ وَلَا يَعْرِفُ حَدَّ الصَّلَاةِ وَوَقْتَهَا؛

آیا به علم خود امیدوار شده است؟ در حالی که حق را از باطل تشخیص نمی دهد و محکم را از متشابه نمی شناسد؛ حتی او احکام نماز و اوقات آن را نمی داند!

أَمْ بَوَّرَعَ فَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى تَرْكِهِ الصَّلَاةِ الْفَرَضِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَزْعُمُ ذَلِكَ لِطَلَبِ الشُّعُودَةِ وَلَعَلَّ خَبْرَهُ قَدْ تَأَدَّى إِلَيْكُمْ وَهَاتِيكَ ظُرُوفُ مُشْكِرِهِ مَنْصُوبَةٌ وَأَثَارُ عَضْيَانِهِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَشْهُورَةٌ قَائِمَةٌ؛

آیا زهد و ورعش امید امامت را در دل او کاشته است؟ خدا شاهد است که او چهل روز نماز را ترک کرد تا شعبده بازی را یاد بگیرد. شاید به این زودی ها خبر آن به شما نیز برسد. (۱) ظرف های شرابش در کنار هم چیده شده اند و آثار معصیت پروردگارش شناخته شده و برپاست.

أَمْ بِآيَةٍ فَلَيَأْتِ بِهَا أَمْ بِحُجَّةٍ فَلَيَقِمَنَّهَا أَمْ بِدَلَالَةٍ فَلَيَذْكُرْهَا؛

آیا نشانه ای بر امامتش دارد؟ پس بیاورد! آیا دلیل بر امامتش دارد؟ پس، اقامه کند! آیا آیه و روایتی بر امامت او دلالت می کند؟ اگر چنین است، آن را ذکر کند.

فَالْتَمِسْ تَوَلَّى اللَّهُ تَوْفِيقَكَ مِنْ هَذَا الظَّالِمِ مَا ذَكَرْتُ لَكَ وَأَمْتِحْنَهُ وَسَيَلُهُ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يُفَسِّرُهَا أَوْ صِيْلَاهِ فَرِيضَةٍ يُبَيِّنُ حُدُودَهَا وَمَا يَجِبُ فِيهَا

۱- معلوم می شود که امام علیه السلام قبل از دیگران و به واسطه علم الهی از این مسئله باخبر شده است.

لَتَعْلَمَ حَالَهُ وَمِقْدَارَهُ وَيُظْهِرَ لَكَ عَوَارِئَهُ وَنُقْصَانَهُ؛

خداوند توفیقت دهد! از این ظالم درخواست کن و او را امتحان کن و از او درباره آیه ای سؤال کن تا آن را برای تو تفسیر کند. یا از نماز پیرس تا احکام و واجبات آن را برایت توضیح دهد. تا از حال و روز او و شأن و منزلتش برایت روشن شود و ایرادات و نواقصش برایت آشکار گردد.

اراه خدا در حفظ حق

حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَأَقْرَبَهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ؛

خداوند حق را برای اهلس حفظ خواهد کرد و آن را در محل خودش استقرار خواهد داد.

امام شدن دو برادر!

قَدْ أَبِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَكُونَ الْإِمَامَهُ فِي أَخَوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

خداوند نمی خواهد که امامت بعد از حسن و حسین در دو برادر جمع شود. (۱)

عظمت امام

وَإِذَا أَدِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَاضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَانْحَسَرَ عَنْكُمْ؛

زمانی که خدا به ما اجازه سخن گفتن دهد، حق آشکار می شود و باطل از بین می رود و از تسلط بر شما فرو می ماند. (۲)

- ۱- جعفر کذاب عموی امام زمان و برادر امام حسن عسکری علیه السلام بود. از آنجا که او ادعا می کرد که امامت بعد از ایشان به برادرش منتقل شده است امام زمان علیه السلام در اینجا به این مسأله اشاره می کند.
- ۲- مقصود زمان ظهور ایشان است.

امام و توکل بر خدا

إِلَى اللَّهِ أَرْعَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَجَمِيلِ الصُّنْعِ وَالْوَلَايَةِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛

کفایت و رفتار نیکو و ولایت را از خدا می‌خواهم و او ما را کفایت می‌کند و چه وکیل خوبی است!

هدیه ای که امام رد کرد!

هدیه ای که امام رد کرد! (۱)

أَيُّجُوزُ أَنْ أُمَّدَّ يَدًا طَاهِرَةً إِلَى هَدَايَا نَجْسِهِ وَأَمْوَالٍ رَجِسِهِ قَدْ شِيبَ أَحْلَاهَا بِأَحْرَمِهَا؛

آیا جایز است که دستان پاکم را به سوی هدایای نجس و آلوده دراز کنم؟! هدایایی که حلال و حرام آن با هم مخلوط شده اند.

امام و تفسیر امّ المؤمنین بودن زنان پیامبر و حق طلاق برای حضرت امیر علیه السلام

امام و تفسیر امّ المؤمنین بودن زنان پیامبر و حق طلاق برای حضرت امیر علیه السلام (۲)

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَظَّمَ شَأْنَ نِسَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَصَّهِنَّ بِشَرَفِ الْأُمَّهَاتِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ هَذَا الشَّرْفَ بَاقٍ لَهُنَّ مَا دُمْنَ لِلَّهِ عَلَى الطَّاعَةِ فَأَيُّتُهُنَّ عَصَتْ اللَّهَ بَعْدِي بِالْخُرُوجِ عَلَيْكَ فَأَطْلِقِ لَهَا فِي الْأَزْوَاجِ وَأَشِدِّ قِطْعَهَا مِنْ شَرَفِ أُمَمِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۴۳ ۴۵۴، باب ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه بحار الأنوار ص ۷۸ ج ۵۲ باب ۱۹ «خبر سعد بن عبد الله و رؤيته».

۲- در روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام آمده است که بعد از مرگ من، هر کدام از زنانم را که خواستی طلاق بده. سعد بن عبدالله از امام علیه السلام سؤال کرد، مرگ نوعی طلاق است که زن و مرد را از همدیگر جدا می‌کند، به همین جهت نیز زن بعد از مرگ شوهر می‌تواند ازدواج کند. بنابراین طلاق بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله چه معنایی خواهد داشت؟ امام در این جملات سرّ مسأله را بیان می‌کنند.

خداوند متعال به زنان پیامبر شرافت داد و آن‌ها را به مادر مؤمنین بودن مخصوص کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به حضرت امیر فرمودند: ای علی! شرافت ام المؤمنین بودن مادامی است که این‌ها معصیت خدا را نکنند. هر کدام از آن‌ها که عصیان کرد و بر تو شورید، او را طلاق بده و او را از شرافت ام المؤمنین بودن ساقط کن.

اگر خدا ذلیل کند...

مَنْ أَخْزَاهُ فَقَدْ أَبْعَدَهُ وَمَنْ أَبْعَدَهُ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقْرَبَهُ؛

اگر خداوند قصد خوار کردن کسی را داشته باشد، او را از رحمت خود دور می‌کند. و هر که خدا او را دور کرد کسی حق ندارد به او نزدیک شود.

امام و معنای فاخلع نعلیک

إِنَّ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَىٰ رَبَّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ أَخْلَصْتُ لَكَ الْمَحَبَّةَ مِنِّي وَعَسَيْتُ قَلْبِي عَمَّنْ سِوَاكَ وَكَانَ شَدِيدَ الْحُبِّ لِأَهْلِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ أَيِ انزِعْ حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ قَلْبِكَ إِنْ كَانَتْ مَحَبَّتُكَ لِي خَالِصَةً وَقَلْبُكَ مِنَ الْمَيْلِ إِلَىٰ مَنْ سِوَايَ مَعْسُولًا؛

زمانی که موسی علیه السلام با خدا در وادی مقدس مناجات می‌کرد. عرض کرد: خدایا بی تردید من تمام محبتم را برای تو خالص کردم و دلم را از محبت غیر تو شستم. این در حالی بود که او علاقه شدیدی به همسر و فرزندان داشت. از این رو خدا فرمود: کفش هایت را در بیاور؛ یعنی اگر محبتت را برای من خالص کرده‌ای و دلت را از غیر من شسته‌ای در این صورت

محبت خانواده ات را به کلی از دلت خارج کن. (۱)

نام حسین و اشک روان بر گونه های زکریا!

أَنَّ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَشْيَاءَ الْخَمْسَةِ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا فَكَانَ زَكَرِيَّا إِذَا ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ سُرى عَنْهُ هَمُّهُ وَأَنْجَلَى كَرْبُهُ وَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ الْحُسَيْنِ حَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ وَوَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبُهِرَةُ

۱- از جمله محکمت دین اسلام که جای هیچ شک و تردیدی در آن نیست، محبت به همسر و فرزند است. شاید کمتر چیزی در اسلام به اندازه مدارا با خانواده و محبت به آن ها و خصوصاً همسر، مورد تأکید قرار گرفته است که برخی از این موارد را می آوریم: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِيَالُ الرَّجُلِ أَسْرَاؤُهُ وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَحْسَنُهُمْ صُنْعًا إِلَى أُسْرَائِهِ (من لايحضره الفقيه ج ۳، ص ۵۵۵ باب النوادر) خانواده مرد در مانند اسیران او هستند، محبوب ترین مخلوقات بندگان نزد خدا کسی است که به آن ها بهتر رسیدگی کند. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ (الكافي، ج ۵، ص ۳۲۰ «كِتَابُ النِّكَاحِ بَابُ حُبِّ النِّسَاءِ»). دوست داشتن همسر از جمله اخلاق تمام انبیا است. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزْدَادُ فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أزدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ؛ هر کس که ایمان واقعیش افزایش یابد، به همان اندازه به همسرش علاقمندتر می شود. بنابراین علاقه به همسر و فرزند با محبت به خدا قابل جمع است. به شرطی که برای امتثال امر خدا بوده باشد. اما آنچه در روایت مذکور گذشت، از دو حالت خارج نیست: حسنات الابرار، سیئات المقربین؛ یعنی آنچه که مایه قرب برای خوبان است، برای مقربین معصیت حساب می شود. به عبارتی اگرچه محبت خانواده از عبادات خوبان است، اما اگر ولو اندکی آن ها را از یاد خدا غافل کند، جزو گناهان مقربین خواهد بود. شاید آن حضرت نتوانسته بودند هماهنگی کاملی که شایسته مقام پیامبران اولی العزم است، را ایجاد کنند. یعنی محبت ایشان نسبت به همسر و فرزندان ایشان را اگرچه به اندازه بسیار کمی از یاد خدا غافل می کرد. از این رو خداوند متعال از ایشان می خواهد تا این حالت را نیز از بین ببرد. مؤید این مطلب آن است که پیامبران همه نسبت به خانوادشان دلسوز بودند و آن ها را بسیار دوست داشتند.

فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَهِي مَا بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَإِذَا ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ تَدَمَّعَ عَيْنِي وَتَوَرُّ زَفْرَتِي
فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ؛

زکریا علیه السلام از خدا خواست تا اسماء خمسہ را به او بیاموزد. جبرئیل علیه السلام نازل شد و آن ها را به او آموخت. زکریا هر گاه که نام های محمد، علی، فاطمه و حسن را می برد، تمام غم و اندوهش از بین می رفت و گرفتاری اش برطرف می شد، امّا هر گاه که نام حسین را می آورد، بی اختیار اشک می ریخت و غم و اندوه دلش را فرا می گرفت. روزی به خدا عرض کرد: الهی چرا هر گاه نام چهار تن اول را می برم، دلم آرام می شود، اما هر گاه نام حسین را بر زبان جاری می کنم اشکم جاری می شود و طوفانی از غم و اندوه مرا فرا می گیرد؟ پس خدا نیز او را از داستان حسین علیه السلام باخبر ساخت.

امام و تفسیر کهعیص

کهعیص فَالْكَافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَالْهَاءُ هَلَاكُ الْعِزَّةِ وَالْيَاءُ يَزِيدُ وَهُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ وَالْعَيْنُ عَطَشُهُ وَالصَّادُ صَبْرُهُ؛

کهعیص: «کا» کربلاء، «ها» کشته شدن، عترت پیامبر، «یا» یزید است که به حسین ظلم کرد. «عین» عطش و «صاد» صبر حسین است.

حضرت یحیی علیه السلام تجسمی از امام حسین علیه السلام

فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِمَكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَمَنَعَ فِيهَا النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَأَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ
وَكَانَتْ نُدْبَتُهُ إِلَهِي أَتَفَجِّعُ خَيْرٍ

خَلَقَكَ بَوْلِدِهِ أَتَنْزِلُ بَلْوَى هَذِهِ الرَّزِيَّةِ بِفَنَائِهِ إِلَهِي أَتَلْبَسُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ نِيَابَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ إِلَهِي أَتَحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْفَجِيعَةِ بِسَاحَتِهِمَا
 ثُمَّ كَانَ يَقُولُ إِلَهِي ارْزُقْنِي وَلَدًا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي عَلَى الْكِبَرِ وَاجْعَلْهُ وَارِثًا وَصِيًّا وَاجْعَلْ مَحَلَّهُ مَحَلَّ الْحُسَيْنِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ فَأَفْتِنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ
 أَفْجِعْنِي بِهِ كَمَا تُفْجِعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بَوْلِدِهِ فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَجَّعَهُ بِهِ؛

زمانی که زکریا علیه السلام از سرّ مسئله باخبر شد، سه روز پی در پی از محل نمازش جدا نشد و اجازه نداد کسی نزد او بیاید. مدام گریه می کرد و فریاد می کشید و می گفت: الهی آیا بهترین بندگان را به مصیبت فرزندش گرفتار خواهی کرد؟! آیا چنین بلایی را بر او نازل خواهی کرد؟! الهی آیا لباس این مصیبت را به تن علی و فاطمه خواهی کرد؟! الهی آیا آن ها را گرفتار این فاجعه خواهی نمود؟! سپس پیوسته عرض می کرد: خدایا در این سنّ پیری فرزندی به من عطا کن و او را وارث و وصی من قرار بده و او را مانند حسین کن. زمانی که او را به من عنایت کردی، محبت او را در دل و جان من بینداز و آن گاه مرا به مصیبت او گرفتار کن، همان طور که محمد را که دوست دوست به مصیبت فرزندش مبتلا خواهی ساخت. خداوند نیز دعایش را مستجاب کرد و یحیی را به او عنایت کرد و آن گاه پدرش را به مصیبت او گرفتار کرد.

یکی از شباهت های امام حسین و حضرت یحیی

كَانَ حَمْلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَحَمْلُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

همان طور که یحیی شش ماه زاده شد، حسین نیز شش ماهه زاده شد. (۱)

انتخاب امام؛ مردم یا خدا؟

هَلْ يَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خَيْرُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ بِمَا يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَلَاحٍ أَوْ فَسَادٍ

قُلْتُ: بَلَى

قَالَ: فَهِيَ الْعِلَّةُ؛

آیا ممکن است که انتخاب مردم اشتباه از آب دربیاید و شخص فاسدی را انتخاب کنند؟ زیرا آن ها از اعماق دل همدیگر خبر ندارند.

عرض کردم: بله ممکن است.

فرمود: علت همان است.

اشتباه موسی علیه السلام در انتخاب صالحان امت

مُوسَىٰ كَلِمًا لِّلَّهِ مَعَ وَفُورٍ عَقْلِهِ وَكَمَالِ عِلْمِهِ وَنُزُولِ الْوَحْيِ عَلَيْهِ اخْتِيَارَ مِنْ أَعْيَانِ قَوْمِهِ وَوُجُوهِ عَسَاكِرِهِ لِمِيقَاتِ رَبِّهِ سَابِعِينَ رَجُلًا مِمَّنْ لَا يَشْكُ فِي إِيمَانِهِمْ وَإِخْلَاصِهِمْ فَوَقَعَتْ خَيْرَتُهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ؛

حضرت موسی که با خدا سخن می گفت، با آن همه عقل و علم و نزول

۱- البته میان آن دو بزرگوار شباهت های دیگری نیز وجود دارد؛ مانند این که سر هر دو توسط سلاطین زمان خودشان بریده شد. خون حضرت یحیی جوشید و انتقام قاتلان را گرفت و بعد از این که بخت النصر آن زن بدکاره ای را که باعث قتل ایشان شده بود، کشت، خون ایشان آرام گرفت. خون امام حسین علیه السلام اگر چه به صورت ظاهری نجوشید. اما جوشش عجیبی در دل ها ایجاد کرد و منتهی به قیام های مختلفی شد و حکومت اموی را سرنگون ساخت. از جمله منجر به قیام مختار گردید و تمام قاتلان ایشان مانند حرمله و شمر و امثال ایشان، به بدترین شکل ممکن به قتل رسیدند.

وحی بر او، بهترین های قومش را که هفتاد تن بودند، برای میقات پروردگارش انتخاب کرد. آن ها کسانی بودند که موسی علیه السلام در ایمانشان و اخلاصشان شک نداشت. اما تمام آن ها منافق از آب در آمدند.

حق اختیار با کیست؟

أَنْ لَا اخْتِيَارَ إِلَّا لِمَنْ يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتُكِنُّ الصَّمَائِرُ وَيَتَصَرَّفُ عَلَيْهِ السَّرَائِرُ؛

حق انتخاب تنها برای کسی است که از زوایای مخفی قلب ها آگاه باشد و سراپرده پنهان افراد برای او آشکار باشد.

چرا مهاجرین و انصار حق انتخاب نداشتند؟

أَنْ لَا خَطَرَ لِاخْتِيَارِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ بَعْدَ وَقُوعِ خَيْرِهِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى ذَوِي الْفَسَادِ لَمَّا أَرَادُوا أَهْلَ الصَّلَاحِ؛

انتخاب مهاجرین و انصار ارزش نخواهد داشت؛ زیرا ما دیدیم که انبیاء زمانی که قصد انتخاب مصلحین را دارند، مفسدین را انتخاب می کنند!

دلیل مسلمان شدن ابوبکر و عثمان

أَسْلَمَا طَمَعًا لِأَنَّهَمَا كَانَا يُجَالِسَانِ الْيَهُودَ وَيَسْتَتَخِرَانِهِمْ عَمَّا كَانُوا يَجِدُونَ فِي التَّوْرَةِ وَسَائِرِ الْكُتُبِ الْمُتَقَدِّمَةِ النَّاطِقَةَ بِالْمَلَا حِمِّ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ مِنْ قِصَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِنْ عَوَاقِبِ أَمْرِهِ فَكَانَتِ الْيَهُودُ تَذْكُرُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُسَلِّطُ عَلَى الْعَرَبِ كَمَا كَانَ بَخْتُ نَصْرٍ سُلِّطَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الظَّفَرِ بِالْعَرَبِ كَمَا ظَفَرَ بَخْتُ نَصْرٍ بَيْنِي إِسْرَائِيلَ غَيْرَ أَنَّهُ كَاذِبٌ فِي دَعْوَاهُ فَأَتَيْتَا مُحَمَّدًا فَسَاعَدَاهُ عَلَى [قَوْلِ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبَايَعَاهُ طَمَعًا فِي أَنْ

يَنَالُ كُلُّ مَنَّهُمَا مِنْ جِهَتِهِ وَلاِيَةِ بَلَدٍ إِذَا اسْتَقَامَتْ أُمُورُهُ وَاسْتَسَبَّتْ أحوَالُهُ؛

آن‌ها از روی طمع ایمان آورده بودند؛ زیرا آنان با یهودیان نشست و برخاست داشتند. تا آن‌ها از تورات و سایر کتب گذشتگان درباره سرنوشت قیام محمدصلی الله علیه وآله خبر دهند. یهودیان به آن‌ها گفته بودند که محمدصلی الله علیه وآله قطعاً بر تمام عرب مسلط می‌شود همان‌طور که بخت النصر(۱) بر تمام بنی اسرائیل مسلط شده بود. تنها تفاوتشان در آن است که بخت النصر در ادعای خود دروغگو بود، اما محمدصلی الله علیه وآله صادق خواهد بود.

به همین جهت آن دو نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آمدند و او را با شهادت بر یگانگی خدا یاری کردند و به خاطر طمع در این که بعد از پیروزی بر عرب آن‌ها را بر شهر و دیاری حکمفرما خواهد کرد، با او بیعت کردند.

طراحی توطئه قتل پیامبر!

فَلَمَّا أَيَسَا مِنْ ذَلِكَ تَلَّثَمَا وَصَعِدَا الْعُقْبَةَ مَعَ أُمَّتَيْهِمَا مِنَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى أَنْ يَقْتُلُوهُ فَدَفَعَ اللَّهُ كَيْدَهُمْ وَرَدَّهُمْ بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا؛

زمانی که دیدند پیامبر آن‌ها را فرمانروا نکرد، صورت خود را با چند نفر دیگر پوشانیدند و از گردنه بالا رفتند تا او را به قتل برسانند. اما خداوند حيله آن‌ها را برهم زد و آن‌ها را با عصبانیت تمام برگرداند.

دلیل بیعت طلحه و زبیر

أَتَى طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرُ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَايَعَاهُ وَطَمَعُ كُلُّ وَاحِدٍ مَنَّهُمَا أَنْ يَنَالَ مِنْ

۱- یکی از سلاطین خونخوار بنی اسرائیل است که بر آن‌ها مسلط شد و به شدت به سرکوبشان پرداخت.

جَهْتَهُ وَلَايَةَ بَلَدٍ فَلَمَّا أَيَسَا نَكَّنَّا بَيْعَتَهُ وَخَرَجَا عَلَيْهِ؛

طلحه و زبیر با علی علیه السلام بیعت کردند؛ زیرا امیدوار بودند که هر کدام به فرمانروایی شهر و دیاری برسند. به همین خاطر زمانی که مایوس شدند، بیعتش را شکستند و بر علیه او شوریدند.

امام و سفرای او

امام و خبر مرگ عثمان بن سعید عمری رحمه الله اولین سفیر امام علیه السلام

کلمه ترجیع (۱)

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضَىٰ بِقَضَائِهِ؛

ما از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت؛ زیرا تسلیم امر او هستیم و راضی به قضای او می باشیم.

امام و ستایش عثمان بن سعید عمری

عَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَمَاتَ حَمِيدًا فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّ بِأَوْلِيَائِهِ وَمَوَالِيهِ؛

پدرت عثمان با سعادت زیست و با ستودگی درگذشت. خداوند او را رحمت کند و او را با اولیایش ائمه معصومین علیهم السلام ملحق کند.

لَمْ يَزَلْ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يُقْرَبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْهِمْ نَصَرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَقَالَهُ عَثْرَتَهُ؛

۱- الخرائج والجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۲؛ الغيبة للطوسی ص ۳۶۱، «ذکر ابی جعفر محمد بن عثمان بن سعید»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۳۴۸، باب ۱۶ «أحوال السفراء...»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰ باب ۴۵ «باب ذکر التوقعات الواردة».

او پیوسته در اطاعت اوامرشان می کوشید و در تقرب به خدا و ایشان شتاب می کرد. خداوند او را گشاده رو کند و گرفتاری هایش را برطرف سازد.

تعزیت امام عصر به محمد بن عثمان رحمه الله در ماتم پدرش

أَجْزَلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابَ وَأَحْسَنَ لَكَ الْعَزَاءَ؛

خداوند در این مصیبت به تو پاداش نیکو دهد و صبر تو را بیشتر کند.

رُزِئْتَ وَرُزِينَا وَأَوْحَشَكَ فِرَاقُهُ وَأَوْحَشَنَا؛

مصیبت او تو و ما را داغدار کرد. دوری او تو و ما را گرفتار تنهایی ساخت.

امام و ستایش محمد بن عثمان رحمه الله به عنوان دومین سفیر

أَنَّ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا مِثْلَكَ يَخْلُفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَيُقِيمُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَيَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ؛

از جمله سعادت های او آن بود که خداوند فرزندی مانند تو را به او عنایت کرد تا راه او را ادامه دهد و جانشین او گردد و بر او رحمت فرستد!

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيكَ وَعِنْدَكَ؛

خدا را ستایش می کنم که ما را به سبب تو و آنچه که در وجود تو و نزد تو قرار داده است، آرامش بخشید.

أَعَانَكَ اللَّهُ وَقَوَّأَكَ وَعَضَّدَكَ وَوَفَّقَكَ وَكَانَ لَكَ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَرَاعِيًّا؛

خداوند تو را یاری کند و موفق گرداند و سرپرست و محافظ و نگهبان تو باشد. (۱)

۱- فقرات این نامه بیانگر عظمت شأن و جلالت فرزند عثمان بن سعید است؛ زیرا کمتر مشاهده شده است که امام علیه السلام درباره شخصی چنین سخن براند و او را تا این اندازه بستاید.

تقدیر از محمد بن عثمان رحمه الله در نامه ای به محمد بن ابراهیم بن مهزیار رحمه الله

تقدیر از محمد بن عثمان رحمه الله در نامه ای به محمد بن ابراهیم بن مهزیار رحمه الله (۱)

الْإِبْنُ وَقَاهُ اللَّهُ لَمْ يَزَلْ ثِقَّتَنَا فِي حَيَاةِ الْأَبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ وَنَصَّرَ وَجْهَهُ؛

خداوند پسر عثمان را حفظ کند. او حتی در زمان پدرش مورد اطمینان کامل ما بود. خداوند از او راضی باشد... و چهره اش را خوش رو کند.

يَجْرِي عِنْدَنَا مَجْرَاهُ وَيَسُدُّ مَسَدَهُ؛

محمد در نزد من مانند پدرش است و جانشین او می باشد.

امام علیه السلام و لزوم تبعیت از منصوبین ایشان

عَنْ أَمْرِنَا يَا أُمَّرُ الْإِبْنِ وَبِهِ يَعْمَلُ تَوَلَّاهُ اللَّهُ؛

فرزند او از طرف ما امر و نهی می کند و به او امر ما عمل می کند؛ زیرا خدا او را دوست دارد.

فَأَنْتَ إِلَيَّ قَوْلُهُ؛

بنابراین سخن او را با جان و دل بپذیر.

عَرَّفَ مُعَامَلَتَنَا ذَلِكَ؛

متوجه جایگاه او در نزد ما باش!

مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعُمَرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ فَإِنَّهُ ثِقَّتِي وَكِتَابُهُ كِتَابِي (۲)

۱- الغیبه للطوسی ۳۶۲ ذکر ابی جعفر محمد بن عثمان بن سعید بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۳۴۹ باب ۱۶- أحوال السفراء

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷ ص ۱۴۰ باب ۱۱ «باب وجوب الرجوع...»؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹ «احتجاج الحجج القائم المنتظر المهدي»؛ إعلام الوری، ص ۴۵۲ «الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات».

در مورد محمد بن عثمان و پدرش سؤال کرده بودی، او مورد اطمینان من است و نامه هایی که او به شما می دهد، از سوی من است.

تقدیر امام عصر علیه السلام از حسین بن روح نوبختی سومین سفیر

تقدیر امام عصر علیه السلام از حسین بن روح نوبختی سومین سفیر (۱)

نَعْرِفُهُ عَرَفَهُ اللَّهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَرِضْوَانَهُ وَأَسْعَدَهُ بِالتَّوْفِيقِ؛

حسین بن روح برای ما شناخته شده است. خداوند همه خیرات و بهشت را به او نصیب کند و بر توفیقاتش بیفزاید.

هُوَ ثِقَّتُنَا بِمَا هُوَ عَلَيْهِ؛

او در نیابت مورد اعتماد من است.

أَنَّهُ عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَةِ وَالْمَحَلِّ اللَّذَيْنِ يَسْرَانِهِ؛

او در نزد من به منزله دو نایب قبلی است.

زَادَ اللَّهُ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ؛

خداوند عنایاتش را نسبت به او بیشتر کند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۶ «ذكر إقامة أبي جعفر محمّد بن عثمان...»؛ الغيبة للطوسي، ص ۳۷۲ «ذكر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان...».

امام و آخرین نامه به همراه دستورات نهایی ایشان به علی بن محمد سمري رحمه الله

خبر مرگ

خبر مرگ (۱)

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتِّهِ أَيَّامٌ؛

ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر و پاداش برادرانت را که در مرگ تو سوگوار می شوند، زیاد کند. زیرا تو تا شش روز دیگر خواهی مرد.

دستورات نهایی

فَأَجْمِعْ أَمْرَكَ؛

پس تمام حساب و کتاب هایت را جمع و جور کن.

لَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ؛

برای نیابت بعد از خودت به کسی وصیت نکن.

خبر از وقوع غیبت کبری

فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى؛

غیبت کبری واقع شد و ظهور من تا زمانی که خدا اجازه دهد، به تأخیر افتاد.

زمان ظهور

ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا؛

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰ ذکر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان ... الاحتجاج ج ۲ ص ۴۷۸ احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي؛ الغيبة للطوسي، ص ۳۹۵ «ذكر أمر أبي الحسن علي بن محمد...».

اجازه خدا زمانی صادر می شود که زمانی طولانی بگذرد و قلب ها سنگی و سخت شوند و زمین پر از ظلم و ستم گردد.

مدعیان نیابت

سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمَشَاهِدَةَ؛

به زودی برخی ادعای دیدار من را خواهند کرد.

أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ الشُّفِيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ؛

آگاه باشید که اگر کسی قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار با من را داشته باشد، دروغگویی افترا زننده است. (۱)

۱- یکی از سؤالات جدی که در اینجا مطرح می شود، آن است که اگر مدعیان دیدار امام علیه السلام دروغگو هستند و امام علیه السلام خودشان را به کسی نشان نخواهند داد، در این صورت دیدارهای بسیاری که از علما و عرفا نقل شده است، چه تکلیفی خواهند داشت؟ آیا آن ها همه دروغگو بوده اند؟! یا این که مقصود امام علیه السلام چیز دیگری است؟ در پاسخ از این سؤال باید اضافه کنیم که اصل تحقق دیدار با امام زمان علیه السلام امری کاملاً مسلم است و به تواتر ثابت شده است. کسانی ادعای دیدار داشته اند که احدی در وثاقت و راستگویی آن ها کوچک ترین تردیدی ندارد، اشخاصی مانند سید بن طاووس، علامه حلّی و هزاران عارف والا مقام که کسی در صدق گفتار ایشان کوچک ترین تردیدی به خود راه نمی دهد. اساساً دیدار امام زمان علیه السلام با این بزرگان جزو امدادهای غیبی الهی به سایرین است؛ زیرا اگر این دیدارها نبود، ایشان به کلی از یادها می رفتند و اعتقاد به مهدویت از هم می گسست. از این رو امام علیه السلام با ملاقات این اشخاص اعتقادات ایشان را تقویت می کنند. بنابراین اصل دیدار قطعی است. از سوی دیگر توقیع صادره نیز به اندازه ای شهرت دارد که کسی در آن تردید نکرده است. زمانی که هر دو مطلب را در کنار هم قرار دهیم و اندکی در محتوای نامه دقت به خرج دهیم، مقصود واقعی امام روشن خواهد شد؛ زیرا همان طور که امام علیه السلام پیش بینی کرده بودند، بعد از سمی عده ای از شیعیان مدعی باییت شدند و افراد زیادی را به ضلالت و گمراهی کشاندند. مقصود امام علیه السلام مشاهده خالی نیست. بلکه مشاهده همراه با ادعای باییت و نیابت است. چنین شخصی دروغگو است. زیرا امام کسی را بعد از سمی به نیابت انتخاب نکردند. این مطلب زمانی روشن تر خواهد شد که ما فضای حاکم در شرایط زمانی نامه را در نظر بگیریم؛ زیرا مردم پیوسته پی گیر آن بودند که آیا سمی جانشینی برای خود تعیین خواهد کرد؟ او کیست؟ در این فضا بحث فقط مشاهده تنها نبوده، بلکه همه سؤال ها و ذهن ها متوجه نیابت است. از این رو مقصود امام علیه السلام نیز کسانی است که مدعی نیابت باشند. دیگر مؤید این مسأله آن است. که هیچ یکی از افراد عامی و عالم کسی را که واجد شرایط دیدار با حضرت باشد، و ادعای دیدار داشته باشد، تکذیب نکرده اند. در حالی که همه از مضمون نامه خبر داشته اند.

امام و مدعیان دروغین نیابت

امام و لعن احمد بن هلال کرخی

امام و لعن احمد بن هلال کرخی (۱)

قَدْ كَانَتْ أَشْيَاءُ خَرَجَتْ إِلَيْكُمْ عَلَى يَدَيِ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ وَغَيْرِهِ مِنْ نُظَرَائِهِ وَكَانَ مِنْ أَرْتَدَادِهِمْ عَنِ الْإِسْلَامِ مِثْلُ مَا كَانَ مِنْ هَذَا عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ؛

قبل از این نیز، نامه هایی به شما ارسال شده است که از سوی احمد بن هلال و غیر او از افرادی که مانند شلمغانی مرتد شده اند و مورد لعن و غضب خدا بوده اند، می باشد.

جواز عمل به روایاتی که مدعیان دروغین قبل از انحراف نقل کرده اند

أَلَا مَنْ اسْتَبْتَّ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ فِي خُرُوجِ مَا خَرَجَ عَلَى أَيْدِيهِمْ وَإِنَّ ذَلِكَ صَحِيحٌ؛

بدانید که ضرری در نامه هایی که از آن ها به دستتان رسیده است، وجود ندارد؛ زیرا آن ها صحیح هستند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ باب ۳۱ «ما خرج من توقعاته...»؛ الغيبة للطوسی، ص ۳۷۳ «ذكر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان».

امام و لعن شلمغانی

امام و لعن شلمغانی (۱)

اعْرِفْ أَطَالَ اللَّهُ بِقِوَامِكَ وَعَرَفَكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَحَتَمَ بِهِ عَمَلَكَ مَنْ تَثِقُ بِجِدِينِهِ وَتَسِيكُنُ إِلَى نَيْتِهِ مِنْ إِخْوَانِنَا أَدَامَ اللَّهُ سَيِّدَاتَهُمْ بِأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفَ بِالشَّلْمَغَانِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ لَهُ النَّقْمَةَ وَلَا أَمَهْلَهُ قَدِ ارْتَدَّ عَنِ الْإِسْلَامِ وَفَارَقَهُ وَالْحَدَّ فِي دِينِ اللَّهِ وَادَّعَى مَا كَفَرَ مَعَهُ بِالْخَالِقِ جَلَّ وَتَعَالَى وَافْتَرَى كَذِبًا وَزُورًا وَقَالَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا عَظِيمًا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا؛

خدا تو (۲) را حفظ کند و به انجام همه خیرات موفق کرده و عاقبت کارت را به خیرات ختم کند.

به تمام کسانی که اطمینان داری بگو که محمد بن علی معروف به شلمغانی - خداوند به او مهلت ندهد و سریعاً او را عذاب نماید - از اسلام برگشته و جدا شده است. او مدعی اموری شده است که با اعتقاد به آن ها کافر می شود. او سخنان باطل و دروغ های بسیاری گفته و به گناه بزرگی آلوده شده است. کسانی که از خدا رویگردان شده اند، دروغ گفته و به گمراهی شدیدی مبتلا شده اند. آن ها زیانکاران واقعی هستند.

امام و بیزاری از شلمغانی و پیروان او

إِنَّا بَرَّئْنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ وَرَحْمَتُهُ

۱- الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۷۴؛ «احتجاج الحجة القائم المنتظر المهدي»؛ الغيبة للطوسی، ص ۳۹۷ «ذكر المذمومين الذين ادعوا الباطية»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۸۰، باب ۱۷ «ذكر المذمومين الذين ادعوا الباطية».

۲- مخاطب امام علیه السلام سومین سفیر ایشان؛ یعنی حسین بن روح نوبختی رحمه الله می باشد.

وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ مِنْهُ وَلَعْنَاهُ عَلَيْهِ لَعَائِنُ اللَّهِ تَتْرَى فِي الظَّاهِرِ مِنَّا وَالْبَاطِنِ فِي السَّرِّ وَالْجَهْرِ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَعَلَى مَنْ شَآئِعُهُ وَتَابِعُهُ وَبَلَّغَهُ هَذَا الْقَوْلُ مِنَّا فَأَقَامَ عَلَى تَوَلِّيهِ بَعْدَهُ؛

من از او به خدا و رسول خدا و خاندانش بیزاری می جویم و لعنت همیشگی خدا را برای او طلب می کنم. چه آن گاه که در معرض ما است و چه آن گاه که از ما پنهان است. در هر زمانی و در هر حالی که بوده باشد. نه تنها خودش را که همه آنان که از او تبعیت کرده و یاری نمودند و بعد از رسیدن نامه من در دوستی خود ثابت قدم ماندند مورد لعن و نفرین من هستند.

امام و ترس از مدعیان دروغین

أَعْلَمُهُمْ تَوَلَّاكُمْ اللَّهُ أَنْبَا فِي التَّوَقُّي وَالْمَحَاذِرِ مِنْهُ عَلَى مِثْلِ مَا كُنَّا عَلَيْهِ مِمَّنْ تَقَدَّمَ مِنْ نُظْرَائِهِ مِنَ الشَّرِيعِيِّ وَالنُّمَيْرِيِّ وَالْهَلَالِيِّ وَ الْبِلَالِيِّ وَغَيْرِهِمْ؛

به آن ها بگو که من در هراس از او به سر می برم، همان طور که از مدعیان قبل از او در هراس بودم. افرادی مانند شریعی، نمیری، هلالی، بلالی و غیر آن ها.

امام و مقام تسلیم

عَادَهُ اللَّهُ جَلَّ شَأُوهُ مَعَ ذَلِكَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ عِنْدَنَا جَمِيلَهُ وَبِهِ نَتَّقُ وَإِيَّاهُ نَسْتَعِينُ؛

سنت خدای بزرگ در این موارد نزد ما زیبا و پذیرفته شده است. (۱) ما نیز به او اعتماد می‌کنیم و از او کمک می‌گیریم.

ادعای شلمغانی و لعن امام

ادعای شلمغانی و لعن امام (۲)

قَدْ وَقَفْنَا عَلَى هَيْدِهِ الرُّقْعَةِ وَمَا تَضَمَّتْهُ فَجَمِيعُهُ جَوَابُنَا وَلَا مَدْخَلَ لِلْمَخْذُولِ الضَّالِّ الْمُضِلِّ الْمَعْرُوفِ بِالْعَزَاقِرِيِّ لَعْنَةُ اللَّهِ فِي حَرْفٍ مِنْهُ؛

نامه و تمام مطالب آن را مطالعه کردم. همه آن‌ها جواب‌های من است و عزاقری ملعون که گمراه و گمراه‌کننده است، حتی در یک حرف از آن‌ها سهمی ندارد.

امام و علمای اسلام

حمایت امام از محمد بن جعفر

حمایت امام از محمد بن جعفر (۳)

بِالرَّيِّ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْعَرَبِيِّ فَلْيُدْفَعْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ مِنْ ثِقَاتِنَا؛

محمد بن جعفر عربی در ری است. می‌توانید وجوهاتتان را به او پرداخت کنید. او از افراد مورد اعتماد ماست.

۱- یعنی ما تسلیم قضا و قدر الهی هستیم. اگر سنت خدا بر آن است که انسان‌ها با اختیارات خود چنین مصیبت‌هایی را به بار آورند و وسیله امتحان برای خودشان و دیگران باشند، ما نیز می‌پذیریم و به فرمان او عمل می‌کنیم.

۲- بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۰ باب ۳۱- ما خرج من توقعاته عليه السلام..... الغيبة للطوسی ص ۳۷۳ ذکر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان

۳- بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۳۶۲ «ذکر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان»؛ الغيبة للطوسی، ص ۴۱۳ ذکر المذمومين الذين ادعوا البايه».

امام علیه السلام برای حسن بن قاسم بن علاء دعا می کند!

امام علیه السلام برای حسن بن قاسم بن علاء دعا می کند! (۱)

أَلْهَمَكَ اللَّهُ طَاعَتَهُ وَجَنَّبَ مَعْصِيَتَهُ (۲)

خدا تو را به طاعت خودش هدایت کند و از معصیتش دور گرداند.

نصب حسن بن قاسم بن علاء به جای پدرش!

قَدْ جَعَلْنَا أَبَاكَ إِمَامًا لَكَ وَفَعَالَهَ لَكَ مِثْلًا (۳)

من پدرت را امام تو و اعمالش را الگوی تو قرار دادم. (۴)

امام و اظهار عشق و شغف به...

امام و اظهار عشق و شغف به... (۵)

يَا أَبَا إِسْحَاقَ لَقَدْ كَانَتْ الْأَيَّامُ تَعْدُنِي وَشُكَّ لِفَائِكَ وَالْمُعَاتِبُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَلَى تَشَاخُطِ الدَّارِ وَتَرَاحِي الْمَزَارِ تَتَخَيَّلُ لِي صُورَتَكَ حَتَّى كَأَنَّ لَمْ نَحُلْ طَرَفَهُ عَيْنٍ مِنْ طَيْبِ الْمُحَادَثَةِ وَخَيَالِ الْمُشَاهِدَةِ وَأَنَا أَحْمَدُ اللَّهُ رَبِّي وَلِيَّ الْحَمْدِ عَلَى مَا قَيَّضَ مِنَ التَّلَاقِي وَرَفَّهُ مِنْ كُرْبِهِ التَّنَازُعِ وَالِاسْتِشْرَافِ؛

خوش آمدی ابا اسحاق!

روزها که می گذشتند، و مژده نزدیک شدن دیدار تو را به من می دادند.

۱- الخرائج والجرائح، ج ۱ ص ۴۶۶ «الباب الثالث عشر في معجزات الإمام؛ بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۳۱۳ باب ۱۵ «ما ظهر من معجزاته»؛ الغيبة للطوسي ص ۳۰۸.

۲- خطاب به حسن فرزند قاسم بن علاء وکیل امام علیه السلام در آذربایجان.

۳- حسن جوانی شرابخوار بود که قبل از وفات پدرش موفق به توبه شد و امام زمان علیه السلام در نامه ای که برای تسلیت پدرش فرستاده بود، برای او دعا کرد و او را به جای پدرش نصب کرد.

۴- ظاهر این سخن و فرستادن نامه به حسن آن است که امام او را به جای پدرش نصب کرده بود. به همین خاطر می فرماید که پدرت را الگوی عملی تو قرار دادم، تو هم باید مانند او عمل کنی.

۵- الخرائج والجرائح، ج ۳ ص ۱۱۱۲؛ الغيبة للطوسي، ص ۶۱ «ذكر أبي جعفر محمد بن عثمان بن سعيد»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱ ص ۳۴۸ باب ۱۶ «أحوال السفراء»؛ الاحتجاج ج ۲ ص ۴۸۱ «ذكر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان؛ كمال الدين ج ۲ ص

اگرچه ما از هم دور بودیم. اما چهره تو همیشه در ذهن من حاضر بود. آروزی دیدار و ملاقات با شما حتی به اندازه چشم برهم زدنی از من دور نمی شد. به همین جهت خدا را ستایش می کنم که زمینه دیدار ما را فراهم کرد و رنج دوری را به آسایش وصل، خاتمه داد.

وصیت پدرم این بود...

إِنَّ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُوطِنَ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَخْفَاهَا وَأَقْصَاهَا إِشْرَاراً لِأَمْرِي وَتَخَصَّ بِنَا لِمَحَلِّي مِنْ مَكَائِدِ أَهْلِ الضَّلَالِ وَالْمَرَدَةِ مِنْ أَحْدَاثِ الْأُمَّمِ الضَّوَالِّ فَتَبَدَّنِي إِلَى عَالِيهِ الرَّمَالِ وَجُبْتُ صَرَائِمَ الْأَرْضِ؛

پدرم صلوات الله علیه با من عهد کرد که در مخفی ترین و دورترین مناطق ساکن شوم. تا در محل زندگی ام از شر حيله های دشمنان و گمراهان در امان بمانم. به این دلیل خدا محل زندگی ام را در بلندای تپه های رملی قرار داد و مرا ساکن ریگزارهای زمین کرد.

من منتظرم!

تُنْتَظِرُنِي الْعَايَةُ الَّتِي عِنْدَهَا يَجِلُّ الْأَمْرُ وَيَنْجَلِي الْهَلْعُ؛

منتظر زمان ظهور باشم. تا فرج فرا برسد و وحشت حکمفرما گردد.

انتقال علم امامت

كَانَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ أَنْبَطَ لِي مِنْ خَزَائِنِ الْحِكْمِ وَكَوَامِنِ الْعُلُومِ مَا إِنَّ أَشْعْتَ إِلَيْكَ مِنْهُ جُزْءاً أَغْنَاكَ عَنِ الْجُمْلَةِ؛

پدرم صلوات الله علیه گنجینه هایی از علم را برایم جوشانید که اگر تنها پرده از روی برخی از آن ها بردارم، از تمام علوم بی نیاز خواهی شد.

وصیت های پدرم

إِعْلَمْ يَا أَبَا إِسْحَاقَ! أَنَّهُ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْلِى أَطْبَاقَ أَرْضِهِ وَأَهْلَ الْجِدِّ فِي طَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ بِإِلَّا حُجَّهِ يُسَيِّتَعْلَى بِهَا وَإِمَامٍ يُؤْتَمُّ بِهِ وَيُقْتَدَى بِسُبُلِ سُنَّتِهِ وَمِنْهَا جَاقُضِدِهِ؛

ای ابا اسحاق! پدرم صلوات الله علیه فرمود:

پسرم! هیچ گاه خداوند متعال زمین و بندگان صالحش را از حجتی که با آن کمال یابند و امامی که به او اقتدا کنند و روش او را الگوی خود قرار دهند و به نور وجودش هدایت شوند، خالی نخواهد گذاشت.

أَرْجُو يَا بَنِيَّ! أَنْ تَكُونَ أَحَدَ مَنْ أَعَدَّهُ اللَّهُ لِنَشْرِ الْحَقِّ وَطَيِّ الْبَاطِلِ وَإِعْلَاءِ الدِّينِ وَإِطْفَاءِ الضَّلَالِ؛

پسرم! امیدوارم که تو یکی از آن هایی باشی که خداوند آن ها را برای انتشار حق و برچیدن باطل و راست کردن قامت دین و خاموش کردن شعله های گمراهی ذخیره کرده است.

فَعَلَيْكَ يَا بَنِيَّ! بَلُزُومِ خَوَافِي الْمَارُضِ وَتَتَّبِعِ أَقَاصِيهَا فَإِنَّ لِكُلِّ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عُمْدَةً مُقَارِعًا وَضِدًّا مُنَازِعًا افْتِرَاضًا لِمُجَاهِدِهِ أَهْلَ نِفَاقِهِ وَخِلَافِهِ أَوْلِيَ الْإِلْحَادِ وَالْعِنَادِ؛

پسرم! نقاط مخفی و دور از دسترس زمین را برای زندگی انتخاب کن؛ زیرا برای هر یک از اولیای خدا دشمنی قدرتمند و ضدی جنگ طلب وجود دارد. تا امام با آن ها که اهل نفاق و الحاد و دشمنی هستند مبارزه و جهاد کند.

اصحاب امام زمان علیه السلام در دوره غیبت از زبان امام حسن عسکری

مؤمنان مانند پرنده به دنبال لانه می گردند

فَلَا يُوحِشَنَّكَ ذَلِكَ وَاعْلَمْ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ نُرْعُحُ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِذَا أَمَّتْ أَوْ كَارَهَا وَهُمْ مَعْشَرٌ؛

اگرچه این دشمنان هستند، از آن ها نترس؛ زیرا تو تنها نیستی. بدان که دل های بندگان خالص خدا شیفته به دنبال توست، همان طور که پرندگان مهاجر با شور و شوق و دسته جمعی به سوی لانه های خود حرکت می کنند.

ذلت را تحمل می کنند

يَطْلَعُونَ بِمَخَائِلِ الذَّلَّةِ وَالِاسْتِكَانَةِ وَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ بِرَرَةٌ أَعْرَاءٌ؛

آنان ذلت و خواری را احساس می کنند، اما در نزد خدا عزیز و بزرگوارند.

اهل قناعتند

يَبْتَزُونَ بِأَنْفُسٍ مُخْتَلَةٍ مُحْتَاجِهِ وَهُمْ أَهْلُ الْقَنَاعَةِ وَالِاعْتِصَامِ؛

افراد محتاجی به نظر می رسند، در حالی که آن ها اهل قناعت و بزرگواری هستند.

دین شناسند

اسْتَبَطُوا الدِّينَ فَوَازَرُوهُ عَلَى مُجَاهَدَةِ الْأَضْدَادِ؛

دین را به خوبی آموخته اند و در جهاد بر علیه دشمنان از آن کمک می گیرند.

سنگ زیرین آسیاب

حَصَّهُمُ اللَّهُ بِاِحْتِمَالِ الضَّيْمِ لِيَشْمَلَهُمْ بِاتِّسَاعِ الْعِزِّ فِي دَارِ الْقَرَارِ؛

خدا آن‌ها را مبتلا به ظلم کرده است تا در روز رستاخیز به عزت کامل برسند.

بسیار صبورند

جَبَلَهُمْ عَلَى خَلَائِقِ الصَّبْرِ لَتَكُونَ لَهُمُ الْعَاقِبَةُ الْحُسْنَى وَكَرَامَةُ حُسْنِ الْعُقْبَى؛

آن‌ها را صبور آفریده است تا حیات نیکو و بزرگواری آخرت را نصیبشان نماید.

توصیه های پدر

حکمت صبر

اُقْتَبِسْ يَا بَنِي! نُورَ الصَّبْرِ عَلَى مَوَارِدِ أُمُورِكَ تَفُزْ بِدَرْكِ الصُّنْعِ فِي مَصَادِرِهَا؛

پسرم! از نور صبر در انجام کارها کمک بگیر تا هر کاری را در محل و زمان مناسب آن انجام دهی.

عزت در لابلای حوادث

اسْتَشْعِرِ الْعِزَّ فِيمَا يُنُوبُكَ تُحْظَ بِمَا تُحَمِّدُ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

عزت را در اتفاقاتی که برایت می افتد، جستجو کن تا ستوده شوی. ان شاء الله.

ظهورت نزدیک است!

كَأَنَّكَ يَا بُنَيَّ! بِتَأْيِيدِ نَصْرِ اللَّهِ قَدْ آنَ وَتَيْسِيرِ الْفَلَحِ وَعُلُوِّ الْكُعْبِ قَدْ حَانَ؛

پسرم! تو به نصرت الهی نزدیک شده ای و روزگار رستگاری و بلند مرتبگی نزدیک شده ای.

پرچم هایت را می بینم

كَأَنَّكَ بِالرَّايَاتِ الصُّفْرِ وَالْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ عَلَيَّ أَثْنَاءَ أُعْطَافِكَ مَا بَيْنَ الْحَطِيمِ وَرَزْمٍ؛

گویا می بینم که پرچم های زرد در اطراف تو و در میان حطیم و زمزم نصب شده است.

شیعیان دورت حلقه زده اند

كَأَنَّكَ بِتَرَادُفِ الْبَيْعَةِ وَتَصَيِّفِ الْوَلَاءِ يَتَنَاظَمُ عَلَيْكَ تَنَاظُمُ الدُّرِّ فِي مِثَانِي الْعُقُودِ وَتَصَافِقِ الْأَكْفِ عَلَى جَبَاتِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ تُلُوذُ
بِفِنَائِكَ مِنْ مَلَأٍ؛

گویا می بینم که یارانت به سبب بیعت های محکم و صفای ولایت و دوستی به صورت منظم مانند دانه های تسبیح، در کنار تو چیده شده اند. آن ها در کنار حجرالاسود از سر شوق به تو هجوم می آوردند. به گونه ای که از شدت ازدحام دست هایشان به هم می خورد.

عنایت خدا به یاران تو

بَرَأَهُمُ اللَّهُ مِنْ طَهَارَةِ الْوَلَاءِ وَنَفَاسِهِ التُّرْبَةِ مُقَدَّسَهُ؛

خداوند آن ها را به واسطه طهارت ولایت و طینت نفیس، پاک گردانیده است.

قُلُوبُهُمْ مِنْ دَنَسِ النَّفَاقِ مَهْدَبُهُ؛

دل هایشان از آلودگی دورویی خالی است.

أَفَنَدْتُهُمْ مِنْ رِجْسِ الشَّقَاقِ لَيْتَهُ؛

ارواحشان از پلیدی مخالفت، پاک و نرم است.

عَزَائِكُهُمْ لِلدِّينِ خَشِنَةٌ؛

خلقتشان در عمل به دین، خشن و استوار است.

ضَرَّائِهِمْ عَنِ الْعُدْوَانِ وَاضِحَةٌ بِالْقَبُولِ؛

خلق و خویشان از دشمنی کردن با حسن قبول پاک شده است.

أَوْجُهُهُمْ نَضْرَةٌ بِالْفَضْلِ؛

سیمایشان از فضل خدا، گشاده است.

عِيدَانُهُمْ يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ؛

متدین به دین حق می باشند.

فَإِذَا اشْتَدَّتْ أَرْكَانُهُمْ وَتَقَوَّمَتْ أَعْمَادُهُمْ قُدَّتْ بِمَكَائِفَتِهِمْ طَبَقَاتُ الْأُمَمِ؛

زمانی که قوای آن ها محکم و استوار شود، دشمنان اسلام متفرق خواهند شد.

إِذْ تَبَعْتِكَ فِي ظِلَالِ شَجَرِهِ دَوْحِهِ بَسَقَتْ أَفْنَانُ غُصُونِهَا عَلَى حَافَاتِ بُحَيْرِهِ الطَّبْرِيِّ فَعِنْدَهَا يَتَأَلَّأُ صُبْحُ الْحَقِّ وَيَنْجَلِي ظَلَامُ الْبَاطِلِ؛

زمانی که آن ها در سایه درختی که شاخه های آن تا اطراف بحیره طبریه را گرفته است، دور تو را بگیرند، صبح حق طلوع می کند و ظلمت جای خود را به روشنایی می دهد.

خدا به به واسطه تو ...

يَقْصِمُ اللَّهُ بِكَ الطُّغْيَانَ وَيُعِيدُ مَعَالِمَ الْإِيمَانِ وَيُظْهِرُ بِكَ أَسْقَامَ الْأَفَاقِ وَسَلَامَ الرَّفَاقِ؛

خداوند به واسطه تو سرکشی را کم می کند و نشانه های ایمان را باز می گرداند و بیماری دشمنان و سلامتی دوستان بر همگان روشن می شود.

تَهْتَرُ بِكَ أَطْرَافُ الدُّنْيَا بِهَجْهٍ وَتَهْتَرُ بِكَ أَعْصَانُ الْعِزِّ نَضْرَةً وَتَسْتَقِرُّ بَوَانِي الْعِزِّ فِي قَرَارِهَا؛

تمام دنیا را شادی و سرور فرا می گیرد. شاخه های عزت و سربلندی به اهتزاز در می آیند و بانیان این عزت در جایگاه خودشان قرار می گیرند.

تَتُوبُ شَوَارِدُ الدِّينِ إِلَى أَوْكَارِهَا؛

دشمنان دین به لانه های خود می خزند.

يَتَهَاطَلُ عَلَيْكَ سَحَابُ الطَّفْرِ فَتَخُنُقُ كُلَّ عَدُوٍّ وَتَنْصُرُ كُلَّ وَلِيٍّ؛

ابرهای پیروزی به سوی تو می آیند پس عرصه را بر دشمنانت تنگ می کنی و دوستانت را یاری می نمایی.

فَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ جَبَّارٌ قَاسِطٌ وَلَا جَاحِدٌ غَامِطٌ وَلَا شَانِيٌّ مُبْغِضٌ وَلَا مُعَانِدٌ كَاشِحٌ؛

در نتیجه هیچ متکبر ظالم، منکر خوار، عیب جوی کینه توز و لجوج کینه ورز بر روی زمین نخواهد ماند.

کودکان و شوق دیدار

يَوَدُّ الطُّفْلُ فِي الْمَهْدِ لَوْ اسْتَطَاعَ إِلَيْكَ نُهُوضاً؛

کودکان در گهواره های خود آروزی آمدن به سوی تو را می کنند.

حیوانات وحشی در جستجوی راه

نواشِطُ [نواشِطُ] الْوَحْشِ لَوْ تَجِدُ نَحْوَكَ مَجَازًا؛

وحوش بیابان اگر راهی برای دیدارت می یافتند، درنگ نمی کردند.

إِنَّ اللَّهَ بِالْعِزِّ قَدْرًا قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛

زیرا خداوند اراده خودش را محقق می کند و برای هر چیز حدود و ضوابطی قرار داده است. (۱)

به نامحرمان نگو!

يَا أَبَا إِسْحَاقَ! لِيَكُنْ مَجْلِسِي هَذَا عِنْدَكَ مَكْتُومًا إِلَّا عَنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْأُخُوَّةِ الصَّادِقَةِ فِي الدِّينِ؛

ای ابا اسحاق! ماجرای این دیدار را از دیگران مخفی کن. مگر از اهل صدق و برادرانی که در دینشان صادقند.

وظایف شیعیان در هنگام ظهور

إِذَا بَدَتْ لَكَ أَمَارَاتُ الظُّهُورِ وَالتَّمَكِينِ فَلَا تُبْطِئِ بِإِخْوَانِكَ عَنَّا وَبِأَهْلِ الْمُسَارَعَةِ إِلَى مَنَارِ الْيَقِينِ وَضِيَاءِ مَصَابِيحِ الدِّينِ تَلَقَّ رُشْدًا
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

زمانی که نشانه های ظهور پیدا شد، از دوستانت که به سوی ما می آیند، عقب نمان، کسانی که به سوی نور یقین و روشنایی چراغ های دین می شتابند. در این صورت هدایت خواهی شد. ان شاء الله

۱- یعنی خداوند متعال با قوانینی که در عالم قرار داده است، همه مسائل را رهبری می کند و طبق اراده خودش کارها را پیش می برد.

امام به فکر همه چیز است!

يَا أَبَا إِسْحَاقَ! اسْتَعِنُ بِهٖ عَلَى مُنْصَرَفِكَ فَإِنَّ الشُّقَّةَ قُدْفَةٌ وَفَلَوَاتِ الْأَرْضِ أَمَامَكَ جُمَّةٌ وَلَا تَحْزَنْ لِإِعْرَاضِنَا عَنْهُ فَإِنَّا قَدْ أَحَدْنَا لَكَ شُكْرَهُ وَنَشَرَهُ وَأَرْبَضْنَا عِنْدَنَا بِالتَّذْكَرِهِ وَقَبُولِ الْمِنَّةِ؛

ای ابا اسحاق! آن‌ها را خرج راحت کن، چون سختی‌ها و بیابان‌ها در پیش است.

از این که هدیه‌های شما را نپذیرفتم ناراحت نشو! زیرا ما پول نگرفته از تو قدردانی کردیم و از این لطف تو یاد خواهیم کرد. (۱)

امام و دعای ابراهیم بن مهزیار

فَتَبَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِيمَا حَوَّلَكَ وَأَدَامَ لَكَ مَا تَوَلَّكَ وَكَتَبَ لَكَ أَحْسَنَ ثَوَابِ الْمُحْسِنِينَ وَأَكْرَمَ آثَارِ الطَّائِعِينَ فَإِنَّ الْفَضْلَ لَهُ وَمِنَّةً؛

خداوند به دارایی‌ات برکت دهد و برایت حفظ کند و بهترین ثواب نیکوکاران را به تو ارزانی دارد و کریمانه‌ترین اعمال فرمانبرداران را برایت بنویسد، چون تمام عنایات متعلق به او و از اوست.

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرَدِّكَ إِلَى أَصْحَابِكَ بِأَوْفَرِ الْحِظِّ مِنْ سَلَامَةِ الْأُوبَةِ وَأَكْنَفِ الْغِبْطَةِ بِلَيْنِ الْمُنْصَرَفِ؛

از خدا می‌خواهم تا تو را با سلامتی کامل به دوستانت ملحق کند و بازگشتت را آسان نماید.

۱- ابو اسحاق نقل می‌کند که قبل از وداع با امام دیدار کردم و خواستم پنج هزار دیناری که به همراه داشتم خدمت ایشان تقدیم کنم، امام نپذیرفتند و برای این که من ناراحت نشوم این کلمات را بیان کردند.

لَا أَوْعَتْ اللَّهَ لَكَ سَبِيلًا وَلَا حَيْرَ لَكَ دَلِيلًا وَاسْتَوْدَعَهُ نَفْسَكَ وَدِيَعَهُ لَا تَضِيعُ وَلَا تَزُولُ بِمَنِّهِ وَلُطْفِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

راحت را سخت و نشانه های راه را مبهم نکند. خودت را به امانت نزد خدا بسپار تا از فضل خدا تلف نشوی. ان شاء الله

امام و قناعت پیشگی

يَا أَبَا إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ قَنَّعَنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَفَوَائِدِ امْتِنَانِهِ؛

ای ابا اسحاق! خدا ما را به عنایات خودش قانع کرده است.

محبت و نصیحت خالصانه

صَانَ أَنْفُسَنَا عَنْ مُعَاوَنَةِ الْأَوْلِيَاءِ إِلَّا عَنِ الْإِخْلَاصِ فِي النَّبِيِّهِ وَإِمْحَاضِ النَّصِيحَةِ وَالْمُحَافَظَةِ عَلَى مَا هُوَ أَتَقَى وَأَبْتَقَى وَأَرْفَعُ ذِكْرًا؛

روح و جانمان را مصونیت بخشید تا دوستانمان را نه از سر طمع که از سر اخلاص و خیرخواهی و به قصد رسیدن به ثواب الهی که ماندگارتر و رفیع تر است، یاری کنیم.

فرمایشات امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله

اشاره

فرمایشات امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله (۱)

۱- محمّد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید در سال ۳۳۶ هجری در حوالی بغداد دیده به جهان گشود. شخصیت علمی شیخ مفید از چهره های بسیار درخشان شیعه در جهان اسلام می باشد. او هم متکلم است و هم فقیه. ابن ندیم در فن دوم از مقاله پنجم «الفهرست» که درباره متکلمان شیعه بحث می کند، از او به عنوان «ابن المعلم» یاد کرده و او را ستایش می نماید. کتاب معروف او در فقه نیز «المقنعه» است. ابو یعلی جعفری که داماد مفید بوده است، می گوید: «مفید شب ها مختصری می خوابید و بقیه شب را به نماز یا مطالعه یا تدریس یا تلاوت قرآن مجید می گذرانید.» آغاز تحصیلات شیخ مفید از شاگردان ابن ابی عقیل است. و در حومه بغداد دیده به جهان گشود و دانش های ابتدایی را در خانواده و زادگاه خویش به پایان برد. او در یک خانواده پر سابقه و اصیل در تشیع و از سلاله نیکان و پاکان به دنیا آمد. سراسر وجود خاندان او مالا مال از عشق به اهل بیت رسالت علیهم السلام بود. وی راهی بغداد گردید و در آنجا از محضر اساتید و دانشمندان کسب علم و دانش نمود تا در علم کلام، فقه و اصول سرآمد دانشمندان گردید. شیخ مفید و بزرگان شیخ مفید از دیدگاه دانشمندان شیعه و سنی دارای جایگاهی رفیع است که به کلماتی از بزرگان اشاره می کنیم: شیخ طوسی، شاگرد ارزنده مکتب او، درباره استاد در «فهرست» می نویسد: «محمد بن محمد بن نعمان، معروف به ابن المعلم، از متکلمان امامیه است. در عصر خویش ریاست و مرجعیت شیعه به او منتهی گردید. در فقه و کلام بر هر کس دیگر مقدم بود. حافظه خوب و ذهنی دقیق داشت و در پاسخ به سؤالات، حاضر جواب بود و بیش از ۲۰۰ جلد کتاب کوچک و بزرگ دارد.» عماد حنبلی، یکی از دانشمندان اهل سنت درباره او می گوید: «او بزرگی از بزرگان امامیه و رئیس بخش فقه و کلام و مباحثه می باشد. او با پیروان هر عقیده به مباحثه و مناظره می پرداخت. موقعیت شایان توجهی در تشکیلات دولت آل بویه داشت. او صدقه فراوان می داد. بسیار اهل خشوع و تهجد و اهل نماز و روزه و خوش لباس بود. او مورد زیارت و ملاقات عضد الدوله قرار می گرفت. نزدیک ۷۶ سال عمر کرد و بیش از ۲۰۰ جلد تألیف دارد. تشیع جنازه او شهرت دارد. در تشیع او بیش از ۸۰ هزار نفر از شیعیان شرکت جستند و درگذشت او در ماه رمضان بود. رحمت خدا بر او باد...». اساتید از جمله اساتید اویند: ۱ - ابن قولویه قمی ۲ - شیخ صدوق ۳ - ابن ولید قمی - و ... شاگردان ۱ - سید مرتضی علم الهدی ۲ - سید رضی ۳ - شیخ طوسی ۴ - نجاشی - و ... وفات شیخ مفید در سال ۴۱۳ هجری، در بغداد و پس از ۷۵ سال تلاش و خدمت ارزنده درگذشت و مورد تجلیل فراوان مردم و قدردانی علما و فضلاء قرار گرفت. به نقل از برنامه نرم افزاری جامع الاحادیث نور.

نامه امام به برادرش!

نامه امام به برادرش! (۱)

لِلَّأَخِ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْزَاؤَهُ مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُودِ عَلَى الْعِبَادِ؛

نامه ای به برادر مستحکم در ایمان و دوست کامل شیخ مفید ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان که خداوند عزت او را به خاطر عهدی که بر بندگانش گرفته است، پایدار گرداند.

سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمُخْصُوصُ فِيْنَا بِالْيَقِينِ فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؛

سلام بر تو ای دوستی که در دین خود خالص شده ای و در یقین به ولایت ما مورد توجه خاص بوده ای. ما به خاطر داشتن دوستی مثل تو، خدای یکتا را سپاس می گوئیم.

أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ لِنُصْرِهِ الْحَقِّ وَأَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ عَلَيَّ نُطْقِكَ عَنَّا بِالصِّدْقِ؛

خداوند توفیق تو را در یاری دین خود، بیشتر کند و اجر و پاداشت را به خاطر سخنان صادقانه ات، درباره ما افزایش دهد.

خدا اجازه داد تا نامه بنویسم

أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمَكَاتِبِ وَتَكْلِيفِكَ مَا تُؤَدِّيهِ عَنَّا إِلَى مَوَالِينَا قَبْلَكَ أَعَزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَكَفَاهُمُ الْمُهَمَّ بِرِعَايَتِهِ لَهُمْ وَحِرَاسَتِهِ؛

لازم است به اطلاعاتن برسانم که به من اجازه داده شده است تا شما را با

۱- الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۹۵، «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...»

نوشتن نامه تکریم کنم و طی آن شما را مکلف به ابلاغ پیام ما به شیعیانی که نزدتان هستند، بکنم. خداوند آن ها را با فرمانبرداری از خویش عزت بخشد و مشکلات ایشان را برطرف کند.

نامه را به دیگران هم بده

فَقِفْ أَمْدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَرْتَهُ وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيَتِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ بِمَا نَزَّسِمُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

خداوند متعال شما را با نصرت و یاری خود بر دشمنانش مسلط گرداند. چیزی را که برایتان می نویسم مطالعه کنید و آن را به دوستان مورد اعتمادتان برسانید. ان شاء الله.

محل زندگی امام زمان علیه السلام

كُنَّا تَآوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِيَّيَعْتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ؛

محل زندگی ما تا زمانی که حکومت های ظلم پابرجا هستند، به خاطر مصلحت ما و شیعیانمان از ظالمان دور است.

امام و آگاهی از حوادث

فَإِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَبَائِكُمْ وَلَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛

ما از اخبار شما اطلاع کاملی داریم و هیچ یک از اتفاقاتی که برای شما می افتد از ما مخفی نمی ماند.

امام و لغزش امت

مَعْرِفَتَنَا بِالزَّلَلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُذْ جَنَحَ كَثِيرٌ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا؛

از لغزش های شما باخبریم. از زمانی که بسیاری از شما از روش گذشتگان صالحتان دور شدید.

کلیه از پیمان شکنی شیعیان

تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُوذَ مِنْهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛

عهد خدا را در تبعیت از ما به دست فراموشی سپردید! گویا نمی دانید

امام همیشه بیدار

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛

ما در رسیدگی به مسائل شما کوتاهی نمی کنیم و همیشه به یاد شما هستیم اگر چنین نبود حوادث و بلاها شما را احاطه می کردند و دشمنان، شما را نابود می کردند.

وظایف شیعیان در کمک به خودشان

فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى انْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاثَتْ عَلَيْكُمْ؛

بنابراین از خدا بترسید و ما را در نجات دادن خودتان از فتنه های آینده، یاری کنید.

هِيَ أَمَارَةٌ لِلزُّوْفِ حَرَكَتِنَا وَمُبَائِثَتِكُمْ بِأَمْرِنَا وَنَهْيِنَا وَاللَّهُ مِثْمُ نُورِهِ... وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛

فتنه ها، نشانه های شروع حرکت ما(۱) و اقدامات انقلابی شما به امر و نهی ما

۱- این مطلب نشانگر آن است که قرار نبود، غیبت امام علیه السلام تا فراتر از مرز هزار و صد و شصت سال ادامه پیدا کند. بلکه از برخی از فرمایشاتی که در ادامه خواهیم آورد معلوم می شود که قرار بر آن بوده است که قیام آن حضرت در دوره غیبت صغری اتفاق بیفتد. بعد از شروع دوره جدیدی از غیبت نیز تقدیر الهی بر آن نبوده است که غیبت آن حضرت الزاماً تا هزار سال به تأخیر افتد؛ زیرا همان طور که گذشت، امام علیه السلام مژده نزدیک شدن زمان ظهور و دیده شدن نشانه های آن را به شیخ مفید می دهد. این مطلب نشانگر آن است که ظهور آن حضرت چیزی نیست که تنها با دعا حاصل شود. بلکه مسأله ای است که کاملاً در اختیار خود ما است. یعنی اگر ما بخواهیم و آستین همت را بالا بزنیم و در مسیر سازندگی قرار بگیریم. ظهور آن حضرت در یک چشم به هم زدن محقق می شود. اما اگر در زندگی به یاد همه چیز غیر از ظهور باشیم. در این صورت معلوم نیست که دعاهای ناچاریمان موثر باشد! باید کار کنیم. برنامه بریزیم. جای تعجب است که ما برای برنامه بیست ساله کشورمان برنامه ریزی می کنیم. برای مدارس، دانشگاه ها و حوزه ها برنامه ریزی می کنیم و می دانیم که کارهای بزرگ بدون برنامه پیش نمی رود. اما آیا برای ظهور مهدی امت که در واقع ظهور بخت و اقبال خودمان است، برنامه ای می ریزیم؟! راستی قیام جهانی آن حضرت کمتر از برنامه یک کشور و یا یک نهاد است؟ راستی چرا ما عادت کرده ایم که مهم ترین کارهای خود را به دست تقدیرات بسپاریم و برای کارهای درجه دو و سه برنامه ریزی کنیم؟! چه می شد که در برنامه زندگی خودمان تجدید نظر کنیم و آن حضرت را در سرلوحه تمام برنامه های خودمان قرار دهیم؟ راستی تا به حال چند بار برنامه زندگیمان را برای آن حضرت ریخته ایم؟ چند بار حرکتی را انتخاب کرده ایم که اگر دیگران هم آن طور حرکت می کردند، امام ظهور می کرد و ما را مهمان آغوش امامت می نمود. بعد از سال های سال یتیمی دیدن و بی دست نوازش پدر سر بر بالش غم نهادن، دست نوازشش را بر روی سرمان احساس می کردیم. راستی چه لحظه های خاطره انگیزی است. اما با بروز انقلاب اسلامی در ایران اسلامی که با مجاهدت شهدا و حضرت امام رحمه الله رخ داد، عامل مهمی در زمینه سازی ظهور ایشان می باشد. ما نصف راه را رفته ایم؛ انقلاب ما پایگاه خوبی برای تکیه امام زمان خواهد بود. انقلاب ما باعث بیداری عجیبی در میان ملت ها شده است. انقلاب ما [تنها انقلابی است که پرچم آن به مهدی تقدیم خواهد شد. انقلاب ما تنها انقلابی است که بهترین های امت رسول خدا بر عریکه حکومتش تکیه زده اند. والیان صالحی که تاریخ اسلام کمتر شاهد امثال آن ها بوده است. ما باید آن ها را قدر بدانیم و دقیقاً آن طور که می فرمایند عمل کنیم. بارها با خود اندیشیده ام اگر عده قابل توجهی از ما طبق دستورات رهبری معظم انقلاب عمل می کردیم، قطعاً ظهور محقق می شد. البته ما خیلی وقت ها مدّعی تبعیت می شویم. اما در رفتارمان کوچک ترین تغییری دیده نمی شود. بنابراین باید نصفه دیگر راه را ما که وارث انقلاب هستیم بپیماییم. تا زمینه های ظهور آن حضرت را به طور کامل فراهم نماییم.

است. خداوند نور هدایتش را بر سرتاسر گیتی کامل خواهد کرد. اگر چه مشرکین از به آن راضی نباشند. (۱)

وظایف شیعیان و تقیه

اعْتَصِمُوا بِالتَّقِيَّةِ مِنْ شَبِّ نَارِ الْجَاهِلِيَّةِ يَخْشَشَهَا عَصَبُ أُمَوِيَّةٍ تَهْوُلُ بِهَا فِرْقَةٌ مَهْدِيَّةٌ؛

در برابر شعله های آتش جاهلیت که توسط جریانات اموی (۲) برافروخته خواهد شد، به تقیه پناه ببرید؛ (۳) زیرا هدف آن ها آسیب زدن به فرقه هدایت

۱- صف/ ۸؛ البته آخر آیه و لو کره الکافرون است.

۲- البته ممکن است که خود جریان از نسل امویان نباشد. اما از آنجا که روح حرکت و تفکر حاکم بر آن اموی است، امام آن ها را به امویان نسبت می دهد.

۳- تقیه در لغت به معنای برحذر بودن است و در اصطلاح به معنای پنهان کردن عقاید خود از دشمن به کار می رود. حضرات معصومین علیهم السلام تقیه را به عنوان سلاحی کارا در مقابل دشمنان تشیع به کار می بردند تا جان خود و شیعیان شان را در دوره های ملامال از خطر و خفقان حفظ نمایند. تقیه از ضروریات مذهب شیعه است و ادله فراوانی در مشروعیت آن وارد شده است. «رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ» (غافر / ۲۸). مرد مؤمنی از خاندان فرعون که دین خودش را مخفی می کرد... این آیه دلالت بر وجود حکم تقیه در امت های سابق می کند. يَا مُعَلَّى! إِنَّ التَّقِيَّةَ مِنْ دِينِي وَدِينِ آيَاتِي وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ. يَا مُعَلَّى! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْتَدَ فِي السِّرِّ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْتَدَ فِي الْعَلَانِيَةِ. يَا مُعَلَّى! إِنَّ الْمُدْبِعَ لِأَمْرِنَا كَالْبَاجِدِ لَهُ. [الكافی، ج ۲، ص ۲۲۳، باب الکتمان]. ای معلی! تقیه از دین من و پدران من است. کسی که تقیه ندارد، در واقع دین ندارد. ای معلی خدا همان طور که عبادت آشکار را دوست دارد، عبادت سری را هم دوست دارد. ای معلی! کسی که تشیع را آشکار کند، مانند کسی است که با آن می جنگد. این روایت در عصری صادر شده است که افراد را به جرم تشیع از هستی ساقط می کردند؛ برخی را می کشتند. برخی را روانه سیاه چال ها می کردند. برخی دیگر را نیز جریمه می کردند. در این شرایط ترویج تشیع باعث افزایش حساسیت حکومت نسبت به آن می شد و همین امر بارها و بارها باعث بر زمین ریخته شدن خون های پاک و بی خانمانی کودکان و زنان فراوانی گردید.

یافته شیعه است.

من ضامن نجات عاقل ها هستم!

أَنَا زَعِيمٌ بِنَجَاةِ مَنْ لَمْ يَرْمُ مِنْهَا الْمَوَاطِنَ الْخَفِيَّةَ وَسَلَكَ فِي الطَّغْنِ مِنْهَا السُّبُلَ الرَّضِيَّةَ؛

من نجات کسانی را ضمانت می کنم که در این جریانات مخفیگاه های خود را ترک نکنند و در تبلیغات علیه آنان روش های ملایم تری را اتخاذ نمایند.

وظایف شیعیان و دستورالعمل امام علیه السلام

فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا؛

به دنبال کارهایی بروید که شما را به محبت و دوستی ما نزدیک کند و از کارهایی که باعث دوری و خشم و غضب ما می شوند، کناره گیری کنید. (۱)

۱- همین مطلب، سر ظهور است؛ یعنی هر انسانی در هر جایگاهی که هست، کاری کند که او را به ولایت ایشان نزدیک کند و سنخیت و همرنگی میان او و اهل بیت علیهم السلام افزایش یابد؛ به گونه ای که اهل بیت از نسبت دادن او به خودشان احساس شرم نکنند.

دعای برادر

وَاللَّهُ يُلْهِمُكَ الرُّشْدَ وَيَلْطِفُ لَكُمْ بِالتَّوْفِيقِ بِرَحْمَتِهِ؛

خداوند متعال تو را هدایت کند و توفیقات را افزون گرداند.

نامه امام به برادر

هَذَا كِتَابُنَا عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَخُ الْوَلِيُّ وَالْمُخْلِصُ فِي وُدِّنَا الصَّفِيُّ وَالنَّاصِرُ لَنَا الْوَفِيُّ حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ فَاحْتَفِظْ بِهِ؛

این نوشته ما به شماست، ای برادر عزیزی که در محبت ما خالص شده ای و با تهذیب نفس خود ما را یاری می کنی. خداوند تو را با علم همیشه تابانش حفظ کند.

کسی که مایه مباهات امام است!

کسی که مایه مباهات امام است! (۱)

سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ الدَّاعِي إِلَى كَلِمَةِ الصِّدْقِ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ إِلَيْكَ؛

سلام بر تو ای یاور حق و منادی اسلام! ما همیشه خدا را به خاطر داشتن دوستانی چون تو سپاس می گوئیم.

فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُكَ مَنَاجَاتِكَ؛

ما به مناجات تو توجه کردیم. (۲)

۱- الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۹۸، ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان؛ بحار الأنوار، ج ۵۳ ص ۱۷۶، باب ۳۱ «ما خرج من توقعاته.....».

۲- ظاهراً مقصود امام آن است که دعاهای تو را در تعجیل فرج شنیدم. زیرا امام علیه السلام در ادامه از نزدیک شدن زمان ظهور خبر می دهد.

حفظ اسرار از نامحرمان

لَا تُظْهِرْ عَلَيَّ حَظَّنَا الَّذِي سَطَرْنَا بِمَا لَهُ ضَمْنَاهُ أَحَدًا وَأَدِّ مَا فِيهِ إِلَيَّ مَنْ تَشْكُنُ إِلَيْهِ وَأَوْصِ جَمَاعَتَهُمْ بِالْعَمَلِ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

مراقب نامه باش و آن را به کسی نشان نده. مگر این که از افراد کاملاً مطمئن بوده باشند. در ضمن به آن ها بگو که به مطالب آن عمل کنند. ان شاء الله

امام خانه به دوش

شَفَعْنَا ذِيكَ الْآنَ مِنْ مُسِيئَتِكَ لَنَا يُنْصَبُ فِي شَمْرَاخٍ مِنْ بَهْمَاءَ [بُهَمِي] صَرَرْنَا إِلَيْهِ أَنْفًا مِنْ غَمَالِيلَ أَلَجَّا إِلَيْهِ السَّبَارِيْتُ مِنَ الْإِيمَانِ وَيُوشِكُ أَنْ يَكُونَ هُبُوطُنَا مِنْهُ إِلَى صَحْصَحٍ مِنْ غَيْرِ بُعْدٍ مِنَ الدَّهْرِ وَلَا تَطَاوُلٍ مِنَ الزَّمَانِ؛

من این نامه را از بلندای کوهی که برای سکونت انتخاب کرده ایم، برایت می نویسم. ما تازه به اینجا آمده ایم. قبلاً در منطقه خوش آب و هوا و خرامانی زندگی می کردیم. اما مردمانی بی تقوا بدانجا آمدند. از این رو ما آنجا را ترک کردیم. البته به زودی به دشتی که نزدیک آبادی است خواهیم رفت.

امام و خبر دادن از آینده

يَأْتِيكَ نَبَأٌ مِنَّا بِمَا يَتَجَدَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنَ الزُّلْفَةِ إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ وَاللَّهُ مُوَفِّقُكَ لِذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ

فَلْتَكُنْ حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ أَنْ تُقَابِلَ بِذَلِكَ فِيهِ تُبْسَلُ نُفُوسُ قَوْمٍ حَرَثَتْ بَاطِلًا لِاسْتِزْهَابِ الْمُبْطِلِينَ وَتَبْتَهِجُ لِإِمَارَتِهَا الْمُؤْمِنُونَ وَيَحْزَنُ لِدَلِكِ الْمُجْرِمُونَ؛

از اتفاقات آینده، (۱) به تو خبر می دهم. تا اولاً بدانی که به واسطه اعمال صالحی که خداوند توفیق داده، جزو مقربان ما شده ای؛ و از سوی دیگر خودت را برای آن ها آماده کنی. حوادثی که دشمنان را در هم می شکنند و رنجور می کند و دوستان را خوشحال و مسرور می سازد.

نشانه های قیام

آيَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَيْدِهِ اللّٰوِيَّةُ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسِ مُنَافِقٍ مُدَمِّمٍ مُسْتَجِلٍّ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ يَعْمِدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَلَا يَبْلُغُ بِمَذَلِكِ عَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَالْعُدْوَانَ لِأَنَّا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنِ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلْيُطْمَئِنِّ بِمَذَلِكِ مِنْ أَوْلِيَانَا الْقُلُوبُ وَلْيَثِقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ؛

نشانه شروع حرکت ما حادثه ای است که در مکه مکرمه رخ می دهد و منافقی پست که ریختن خون مسلمانان را حلال می داند، بر اهل ایمان غلبه پیدا می کند. اما به آرزوی خودش در قتل و غارت ایشان نمی رسد؛ زیرا دعای مستجاب و قطعی ما از پشت سر آن ها را پشتیبانی می کند. بنابراین دل هایشان به این پیروزی قرص و محکم باشد و بدانند که خدا آن ها را کفایت و یاری می کند. البته مشکلاتی خواهند داشت.

وظایف شیعیان و سرنوشت آن ها

الْعَاقِبَةُ لِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَبَبُوا الْمُنْهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ؛

اگر شیعیان ما از معصیت دوری کنند، پایان کار طبق حکمت خداوند

۱- همان طور که گذشت، فرج امام زمان علیه السلام بارها و بارها تا مرز وقوع پیش رفته بود.

متعال به نفع آنان خواهد بود.

وظایف شیعیان و ضمانت امام

نَحْنُ نَعْتَهْدُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ الْمَجَاهِدُ فِينَا الظَّالِمِينَ أَيَّدَكَ اللَّهُ بِنَصِيرِهِ الَّذِي أَيْدَى بِهِ السَّلَفَ مِنْ أَوْلِيَانَا الصَّالِحِينَ أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَخَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَمَةِ وَمِحْنَةِ الْمُظْلَمِ الْمُضْتَلَمِ وَمَنْ بَخَلَ مِنْهُمْ بِمَا أَعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصِلَتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ وَآخِرَتِهِ؛

ای دوست مخلص و مجاهد در راه ما در برابر ظالمان - خداوند شما را با همان نیرویی که گذشتگان از دوستان صالحان را یاری کرد، تقویت کند - من تعهد می کنم اگر برادران دینی ات تقوا پیشه کنند و حقوق واجبی که به گردن دارند به مستحقان آن ها بدهند، از این فتنه های سیاه و گرفتاری های گمراه کننده با آسایش نجات پیدا کنند. اما کسی که نعمت های خدا را که در دست او به عاریت سپرده است، از مستحقان بخل بورزد، در این صورت در دنیا و آخرت زیان خواهد کرد.

وظایف شیعیان و دلیل تأخیر ظهور

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا؛

اگر شیعیان ما - که خداوند آن ها را به اطاعت خود موفق کند. - با دل های همراه و بهم پیوسته به عهد ما وفا می کردند، برکت دیدار ما به تأخیر

نمی افتاد و سعادت مشاهده ما همراه با معرفت و شناخت و صداقت در اعمال به زودی نصیبشان می شد.

مَا يَحِبُّسْنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛

آری خبر اعمال زشت و ناپسندی که از آن ها به ما می رسد، باعث کنارگیری ما از آن ها می شود.

امام و نامه به برادر

هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُهَلَّمُ لِلْحَقِّ الْعَلِيِّ يَا مَلَانِيَا وَخَطُّ ثِقَتِنَا فَأَخْفِهِ عَنْ كُلِّ أَحَدٍ وَأَطْوِهِ وَاجْعَلْ لَهُ نُسِيخَةً يَطَّلِعُ عَلَيْهَا مَنْ تَشْكُنُ إِلَى أَمَانَتِهِ مِنْ أَوْلِيَانِنَا شِمْلَهُمُ اللَّهُ بِبِرِّكُنَا وَدُعَائِنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛

ای دوست هدایت یافته به نور حقیقت، این نوشته نامه ای است که با بیان من و خط یکی از نزدیکانم نوشته شده است. بنابراین آن را از دیگران مخفی کن و از آن رونویسی کن و در اختیار دوستان مورد اطمینانت قرار بده. ان شاء الله که خداوند متعال آن هارا مشمول برکات و عنایات ما قرار دهد.

امام زمان علیه السلام در رثای شیخ مفید رحمه الله

امام زمان علیه السلام در رثای شیخ مفید رحمه الله (۱)

لا صوت الناعی بفقدک

انه یوم علی آل الرسول عظیم

ان کنت قد غیبت فی جدث الثری

فالعلم والتوحید فیکم مقیم

والقائم المهدی یفرح کلما

تلیت علیکم من الدروس علوم

ای کاش صدای مرثیه خوانان در مرگ تو بلند نمی شد؛ زیرا این روز،

روزی است که بر خاندان رسول خدا بسیار سنگین و دشوار است.

اگر تو در میان خاک ها پنهان شدی، در واقع علم و توحید نیز با تو مدفون شد. (۱) مهدی قائم هرگاه که صدای طلبه هایت را می شنید که علوم الهی را در نزد تو می خواندند، خوشحال می شد. (۲)

دستور امام زمان علیه السلام به مرجع تقلید حضرت آیت الله اصفهانی

دستور امام زمان علیه السلام به مرجع تقلید حضرت آیت الله اصفهانی (۳)

قُلْ لَهُ رَخِصٌ نَفْسُكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدِّهْلِيْزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ، نَحْنُ نَنْصُرُكَ؛

به او بگو: خودت را در دسترس همه قرار بده و دهلیز خانه ات را محل نشستنت قرار بده و حاجت های مردم را بر آور. نگران نباش ما یاری ات می کنیم. (۴)

۱- یعنی چنین نیست که با مرگ تو، تنها تنت از دیدگان پنهان شده باشد. بلکه علم دین و توحید آسیب فراوانی از این مرگ دیدند. این بیت دلالت بر عظمت علمی و میزان تأثیرگذاری ایشان داشته است.

۲- قبول این حکایت از جهاتی مشکل است؛ زیرا کسی حضرت صاحب الامر را ندیده است. بلکه دیده اند که این ابیات بر روی قبر ایشان نوشته شده است. از این رو معلوم نیست خود حضرت آن را نوشته است یا این که یکی از آشنایان و شاگردان شیخ این کار را کرده است. کسانی که گمان کرده اند این ابیات منسوب به حضرت است، به بیت آخر آن توجه کرده اند که مهدی قائم وقتی که صدای درس و بحث تو را می شنید، خوشحال می شد. در حالی که این بیت هیچ نوع دلالتی بر صدور سخن از امام علیه السلام ندارد؛ زیرا ممکن است که کس دیگری همین مطلب را بیان کرده باشد؛ مانند این که ما بگوییم. امام زمان علیه السلام در مرگ امام خمینی رحمه الله گریست. یا بگوییم: زمانی که امام زمان علیه السلام سخنرانی های انقلابی امام رحمه الله را می شنید خوشحال می شد.

۳- ترجمه کتاب کلمه الامام المهدی.

۴- اگر چه مخاطب نامه مرحوم آیت الله اصفهانی است، اما این دستور العمل شامل تمام مراجع تقلید می شود.

توقیعات فقهی

امام و انکار نسبت فامیلی با خدا

امام و انکار نسبت فامیلی با خدا (۱).

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَسَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ؛

میان خدا و هیچ یک از مخلوقاتش نسبت فامیلی وجود ندارد. از این رو کسانی که از نزدیکانم، وصیت مرا انکار می کنند، مثلش مثل پسر نوح است. (۲).

امام و مثل جعفر

وَأَمَّا سَبِيلُ عَمِّي جَعْفَرٍ وَوَلَدِهِ فَسَبِيلُ إِخْوَةٍ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

اما (۳) راه عمویم جعفر و فرزندان او همان راه برادران یوسف است. (۴).

حکم آبجو

وَأَمَّا الْفُقَّاعُ فَشُرْبُهُ حَرَامٌ؛

اما خوردن آب جو حرام است.

شرایط و جوهات مورد قبول امام

وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَمَا نَقَبْتُمْهَا إِلَّا لِتَطَهَّرُوا فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا

۱- الاحتجاج؛ ج ۲، ص ۴۶۹ گک احتجاج الحجه القائم المنتظر المهدي بحار الأنوار؛ ج ۵۳، ص ۱۸۰ باب ۳۱- ما خرج من توقیعاته علیه السلام... إعلام الوری ص ۴۵۲ الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات.

۲- یعنی این طور نیست که انتساب به خاندان عصمت نوعی قرابت و فامیلی با خدا ایجاد کند و در نتیجه باعث مصونیت از خطا و یا دوزخ شود. بلکه هر انسانی طبق عملکرد خود رشد می کند. از این رو نیز حتی اگر کسی از خاندان ما منحرف شود به عذاب الهی مبتلا خواهد شد.

۳- هر یک از «اما»هایی که می آید، پاسخ از سؤالی است که اسحاق بن یعقوب از امام سؤال کرده است.

۴- یعنی همان طور که برادران یوسف به او حسادت ورزیدند و تصمیم به از میان برداشتن او گرفتند، عمویم جعفر نیز به من حسادت برده و قصد از بین بردن مرا دارد.

آتَانَا اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ؛

اما وجوهات شرعیه؛ اگر ما آن ها را می پذیریم به خاطر آن است که اموال شما پاک شود. با این حساب هر کسی که می خواهد بدهد و هر کسی که نمی خواهد ندهد. (۱) چون آنچه که خداوند متعال به ما می دهد، بهتر از آن چیزی است که شما می دهید.

زمان ظهور

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَّاتُونَ؛

اما زمان ظهور من به دست خداست و کسانی که برای آن تعیین وقت کنند، دروغ می گویند.

تحریف عاشورا

وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَمْ يُقْتَلْ فَكُفْرٌ وَتَكْذِيبٌ وَضَلَالٌ؛

اما کسی که گفته است حسین علیه السلام کشته نشده است، سخن کفرآمیز و دروغ و گمراه کننده ای را به زبان آورده است.

جانشینان امام زمان در دوره غیبت

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ

۱- این سخن بدان معنا نیست که می توان وجوهات شرعیه را نداد. بلکه بدان معناست که وجوهات شرعی منتهی برای ما نیست. بلکه ما در حق شما لطف می کنیم و اموالتان را پاک می کنیم. نقل می کنند که قبل از انقلاب یکی از تجار خدمت حضرت امام رحمه الله وجوهات آورده بود و با حالتی متکبرانه آن ها را پرداخت کرده بود. حضرت امام پول ها را با بی اعتنائی به خودش پس داده بود و فرموده بود: شما در حق من لطف نمی کنید. بلکه من در حق شما لطف می کنم و خیال شما را از جهت وجوهات آسوده می کنم و خودم مسؤولیت خرج و مخارج آن را به عهده می گیرم.

وَأَنَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛

اما در حوادثی که پیش خواهد آمد، به روایان احادیث ما مراجعه کنید. زیرا آن ها از سوی من مردم را راهنمایی می کنند و من نیز از سوی خدا آن ها را راهنمایی می کنم. (۱)

شرط پذیرش وجوهات شرعی

وَأَمَّا مَا وَصَلْتَنَا بِهِ فَلَا قَبُولَ عِنْدَنَا إِلَّا لِمَا طَابَ وَطَهَّرَ؛

اما آنچه که از وجوهات برایم فرستاده بودی، تنها در صورت پاک بودن از مال حرام، مورد قبول خواهد بود. (۲)

درآمد ترانه خوانی

وَتَمَنُّ الْمُغَنِّيهِ (۳) حَرَامٌ؛

مزدی که زنان ترانه خوان می گیرند، حرام است.

امام و لعن ابوالخطاب غالی

وَأَمَّا أَبُو الْخَطَّابِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي زَيْنَبِ الْأَخْبَدِيِّ فَإِنَّهُ مَلْعُونٌ وَأَصْحَابُهُ مَلْعُونُونَ فَلَمَّا تَحَرَّيْنَا أَهْلَ مَقَالَتِهِمْ فَأِنِّي مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَأَبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْهُمْ بُرَاءً؛

۱- نکته جالب آن است که امام علیه السلام در این روایت نفرموده اند: در مسائلی که برایتان پیش می آید، بلکه فرموده اند: در حوادثی که برایتان اتفاق می افتد به فقها مراجعه کنید. این مسأله نشانگر آن است که فقها از سوی آن حضرت به عنوان ولی اجتماعی نصب شده اند. به همین جهت این روایت یکی از ادله ثنوی ولایت فقیه و حکومت اسلامی می باشد.

۲- این روایت بیانگر آن است که حتی نذر و احسان و سفره هایی که به نام ایشان و خاندانشان برپا می باشد و ای بسا پول های هنگفتی در آن ها صرف می شود، تنها در صورتی مهر قبولشان به پای این مخارج خواهد خورد که از مال حلال تهیه شده باشد و همراه با حرام نباشد.

۳- غناء در اصطلاح فقهی به صدایی گفته می شود که منجر به تحریک شهوت شده و زمینه فحشاء را فراهم می آورد. معیار تشخیص غناء، مناسبت با مجالس رقص و پایکوبی می باشد.

اما ابو الخطاب محمد بن ابی زینب (۱) او و اصحابش ملعون هستند. در مجالس آن ها شرکت نکن. زیرا من و پدرانم از آن ها بیزاریم.

دست بردن در مال امام

وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَّ شَيْئًا مِنْهَا فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ النَّيِّرَانَ؛

اما کسانی که دستشان به اموال ما آلوده شده است، اگر از آن ها بخورند، در واقع آتش می خورند.

کسانی که از پرداخت وجوهاتشان پشیمانند!

وَأَمَّا نَدَامَةُ قَوْمٍ شَكُّوا فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى مَا وَصَلُونَا بِهِ فَقَدْ أَقْلَنَّا مِنْ اسْتِقَالَ وَلَا حَاجَةَ لَنَا إِلَى صِلَةِ الشَّاكِّينَ؛

اما عده ای که در دین خود دچار شک شدند و از این که وجوهاتشان را برای ما فرستاده بودند، پشیمانند، اگر آن ها بخواهند که وجوهاتشان را پس بگیرند، ما پس می دهیم. ما نیازی به وجوهات تردیدکنندگان نداریم.

دلیل غیبت امام

وَأَمَّا عَلَيْهِ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

۱- او یکی از کسانی بود که در مورد امام صادق علیه السلام غلو کرد و مورد لعن و نفرین ایشان قرار گرفت. نام اصلی او محمد بن مقلاس الأسدی و کنیه او ابا اسماعیل و ابا خطاب است. در روایات فراوانی مورد لعن قرار گرفته است که در ادامه یکی از آن ها آورده می شود. حمدویه و ابراهیم ابنا نصیر قالا حدثنا الحسين بن موسى عن ابراهیم بن عبد الحمید عن عیسی بن اَبی منصور قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام وذكر ابا الخطاب فقال: اللهم العن ابا الخطاب فإنه خوفني قائماً وقاعداً وعلى فراشي اللهم أذقه حر الحديد. خدایا ابوالخطاب را از رحمت خویش دور کن. زیرا او مرا در همه احوال اعم از ایستاده و نشسته و خوابیده، ترسانیده است. خدایا طعم شمشیر را به او بچشان. رجال الکشی، ص ۲۹۰؛ رجال الطوسی، ص ۲۹۶.

تَسْمَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبِيدَ لَكُمْ تَسِيرُوكُمْ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آيَاتِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَهُ لَطَاغِيهِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا يَبْعَهُ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَتِ فِي عُنُقِي؛

اما از علّت غیبت من پرسیده بودی. مگر خدا نفرموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید! از مسائلی که اگر بدانید به زیانتان تمام می شود، سؤال نکنید! (۱) هر یک از پدرانم مجبور بودند که با ظالمان زمان خودشان مدارا کرده و با آن ها بیعت کنند. اما من زمانی که خروج می کنم و قیام خودم را شروع می کنم، بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نخواهد بود.

کیفیت بهرمندی از امام غایب

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِئْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِئْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛

اما نحوه بهرمندی از من در زمان غیبت، مانند بهرمندی از خورشید پشت ابر است.

فواید وجود امام

وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛

همانا من موجبات امنیت اهل زمین هستم. همان طور که وجود ستارگان باعث امنیت اهل آسمان می شود.

۱- مائده/۱۰۱؛ مقصود امام آن است که شما نباید درباره مسائلی که اهمیت زیادی ندارند، سؤالات زیادی کنید. زیرا آنچه که مهم است، این است که با اطاعت از ما و فراهم سازی زمینه ظهور به وظیفه خودتان عمل کنید. اما اگر قرار باشد، این مسائل را رها کنید و مدام پی گیر مسائل کم فایده باشید، مصداق آیه قرآن خواهید بود.

وظایف شیعیان و سؤالات ممنوع

فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كُفِيْتُمْ؛

درهای سؤالات بی فایده را بر روی خودتان ببندید و خودتان را به زحمت فراگیری مسائلی که از آن ها بی نیاز شده اید، نیندازید.

وظایف شیعیان و دعای تعجیل فرج

وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛

برای تعجیل فرج من خیلی دعا کنید؛ زیرا فرج من باعث گشایش مشکلات و گرفتاری های شماست.

فضیلت دعای بعد از نمازهای واجب

فضیلت دعای بعد از نمازهای واجب (۱)

فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ التَّوَائِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى التَّوَائِلِ؛

همان اندازه که واجبات بر مستحبات فضیلت دارند، دعا و ذکر بعد از واجبات نیز بر دعا و ذکر بعد از مستحبات فضیلت دارد.

فضیلت سوره های توحید و قدر در نماز

فضیلت سوره های توحید و قدر در نماز (۲)

إِذَا تَرَكَ سُورَةَ مِمَّا فِيهَا التَّوَابُ وَقَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ لِفَضْلِهِمَا أُعْطِيَ تَوَابَ مَا قَرَأَ وَتَوَابَ السُّورَةِ الَّتِي تَرَكَ؛

اگر سوره ای را با وجود ثوابی که دارد، ترک کند و به جای آن ها قل هو الله

۱- الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۸۵، ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۹، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...».

۲- الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۸۱ «ذكر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۵۱ باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...»؛ الغيبة للطوسي، ص ۳۷۴ «ذكر إقامة أبي جعفر محمد بن عثمان»

احد و انا انزلناه را به خاطر فضیلتشان بخواند، در این صورت ثواب سوره خوانده شده و سوره ای که ترک کرده را یکجا خواهد داشت.

امام و دعا برای شیعیان

جَمَعَ اللَّهُ لَكَ وَلِإِخْوَانِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۱)

خداوند متعال خیر دنیا و آخرت را برای تو و برادرانت یکجا عنایت کند.

زایمان در بهشت

زایمان در بهشت (۲)

إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمِيلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا- وَلَايَدَهُ وَلَا طَمَثَ وَلَا نَفَاسَ وَلَا شَقَاءَ بِالطُّفُولِيهِ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلْمِذُ الْأَعْيُنِ كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ فَإِذَا اشْتَهَى الْمُؤْمِنُ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلَا وِلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبْرَةً؛

زن ها در بهشت نه حامله می شوند و نه می زایند و نه حیض می بینند و نه نفاس می شوند و نه گرفتاری های تربیت بچه را خواهند داشت. بلکه همان طور که خداوند متعال فرموده است: هر آنچه که دوست داشته باشند و چشمانشان از آن لذت ببرد، برایشان مهیا خواهد بود. (۳) حتی اگر اهل بهشت، بچه بخواهند، خداوند بدون حمل و ولادت کودکی را با همان خصوصیات که دوست دارند، برایشان می آفریند. (۴) همان طور که آدم علیه السلام را آفرید.

۱- دعای امام به حمیری و دوستانش.

۲- الاحتجاج ص ۴۸۷ ج ۲ «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۶۲؛ باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...».

۳- زخرف/۷۱.

۴- البته روشن است که کودک خلق شده اگر چه به صورت انسان باشد، اما انسان نخواهد بود. [همان طور که حور العین و خدمتکاران بهشتی در صورت انسان و مورد پسند انسان هستند. اما انسان نیستند. از نظر عقلی نیز انسان موجودی است که باید از خاک خلق شود و همین سیر متعارف را طی نماید. این تعبیرات نشانگر اوج توجه و محبت امام علیه السلام نسبت به شیعیان حقیقی شان می باشد.

تسبیحی از جنس تربت حسینی

يُسَبِّحُ بِهِ فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنْ التَّسْبِيحِ أَفْضَلَ مِنْهُ وَمَنْ فَضَّلَهُ أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسِي التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ السُّبْحَةَ فَيَكْتُبُ لَهُ التَّسْبِيحُ؛

ذکری بهتر از ذکری که با تسبیح ساخته شده از تربت باشد، وجود ندارد. حتی اگر صاحب تسبیح ذکر گفتن را فراموش کند و دانه های تسبیح را با انگشتانش بچرخاند، ثواب ذکر را خواهد داشت.

کیفیت نماز خواندن در حرم های مطهر

أَمَّا السُّجُودُ عَلَى الْقَبْرِ فَلَا يَجُوزُ فِي نَافِلِهِ وَلَا فَرِيضِهِ وَلَا زِيَارَتِهِ وَالَّذِي عَلَيْهِ الْعَمَلُ أَنْ يَضَعَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَأَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ وَيَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ عَلَيْهِ السَّلَامَ لَا يُتَقَدَّمُ عَلَيْهِ وَلَا يُسَاوَى؛

سجده بر روی قبر در هیچ حالی جایز نیست. آنچه باید بدان عمل کرد، آن است که گونه راستش را روی قبر بگذارد. در نماز می توان قبر معصوم را در سمت قبله قرار داد. اما نمی توان در سه جهت دیگر نماز خواند؛ زیرا کسی حق ندارد جلوتر و یا مساوی با امام بایستد.

امام و لعن دست اندازی کنندگان در اموال ایشان

امام و لعن دست اندازی کنندگان در اموال ایشان(۱)

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ اسْتَحْلَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا دِرْهَمًا؛

لعنت خدا و ملائکه و بندگان صالح بر کسانی که از اموال ما درهمی را حلال بدانند.

لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا؛

لعنت خدا و ملائکه و تمامی انسان ها بر کسی است که از مال ما ولو یک درهم بخورد.

مَنْ يَسْتَحِلُّ مِثْلَ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا أَوْ يَتَصَيَّرُ فِيهِ تَصَيَّرُهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مَلْعُونٌ وَنَحْنُ خُصِمَ مَأْوُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عَثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ مَلْعُونٌ عَلَى لِسَانِي وَلِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ مُجَابٍ فَمَنْ ظَلَمَنَا كَانَ فِي جُحْمِهِ الظَّالِمِينَ لَنَا وَكَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۲)

کسانی که بدون اجازه، در اموال ما مانند اموال خودشان دخل و تصرف می کنند، چنین افرادی ملعون هستند و ما در روز قیامت دشمن آنها خواهیم بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که اموال عترتم را حلال بداند، توسط من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای لعن شده است. کسی که در حق ما ظلم

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴۱ باب ۹ «وجوب إيصال حصه الإمام من الخ»؛ بحار الأنوار، ج ۵۳ ص ۱۸۳، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...».

۲- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹ «ذكر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ الغيبة للطوسي ص ۲۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰ «الدعاء في غيبه القائم عليه السلام...» .

کند، در زمره ظالمین به ما خواهد بود و طبق صریح آیه قرآن، لعنت خدا بر او خواهد بود. «آگاه باشید ظالمان مورد لعن خدا هستند.»

خاک مالی بینی شیطان

فَمَا أَرْغَمَ أَنْفُ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِّثْلَ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَأَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؛

چیزی بهتر از نماز، بینی شیطان را بر زمین نمی مالد. پس نماز هنگام طلوع و غروب را بخوان و بینی شیطان را بر زمین بمال.

شکایت زمین

إِنَّ الْأَرْضَ تَصْحُجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَعْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛

زمین از بول کسی که ختنه نکرده است، چهل روز ناله می کند.

تأخیر نماز صبح و عشاء

تأخیر نماز صبح و عشاء (۱)

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ وَدَخَلَ الدَّارَ؛

ملعون است ملعون است، کسی که نماز عشاء را تا زیاد شدن ستارگان به تأخیر بیندازد. ملعون است، ملعون است، کسی که نماز صبح را تا ناپدید شدن ستارگان به تأخیر اندازد.

سرزنش صمیمانه

سرزنش صمیمانه (۲)

مَتَّعَنِي اللَّهُ بِكَ قَرَأْتُ رُقْعَةَ فُلَانٍ فَأَصَابَنِي وَاللَّهِ مَا أَخْرَجَنِي إِلَيْكَ بِغَضٍ لِأَيْمَتِكَ؛

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۹ «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۶۰ باب ۸ «وقت العشاءین...».

۲- فرج المهموم ص ۱۱۴ الباب الرابع؛ بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۲۵۵، باب ۱۰ «علم النجوم والعمل به وحال».

خدا تو را برای من نگه دارد. نامه فلانی را خواندم. به قدری ناراحت شدم که می خواهم کمی تو را سرزنش کنم.

توجه کامل به مشکلات شیعیان

سُبْحَانَ اللَّهِ أَنْتَ تَعْلَمُ حَيْثُ مَا جَاءَهُ مِنَّا حَقًّا وَمِنْ طَاعَتِنَا وَأُمُورِنَا فَمَا مَنَعَكَ مِنْ نَقْلِ الْخَبْرِ إِلَيْنَا لِنَسْتَقْبِلَ الْأَمْرَ بِبَعْضِ السُّهُولَةِ أَوْ جَعَلْتَهُ أَنَّهُ رَأَى رُؤْيَا فِي مَنَامِهِ أَوْ بَلَغَ سِنُّ إِلَيْهِ أَوْ أَنْكَرَ شَيْئًا مِنْ نَفْسِهِ كَانَ يُدْرِكُ بِهَا حَاجَتَهُ وَكَانَ الْأَمْرُ يَخْفُ وَوُقُوعُهُ وَيَسْهُلُ خَطْبُهُ وَيَحْتَسِبُ هَيْدَهُ الْأُمُورَ عِنْدَ اللَّهِ بِالْأَمْسِ نَذْكُرُهُ فِي اللَّفْظِ بِأَنْ لَيْسَ أَحَدٌ يَضِلُّ لَهَا غَيْرُهُ وَاعْتِمَادُنَا عَلَيْهِ عَلَى مَا تَعْلَمُ نَحْمَدُ اللَّهَ كَثِيرًا وَنَسْأَلُهُ الْإِسْتِمْتَاعَ بِنِعْمَتِهِ وَبِأَصْلَحِ الْمَوَالِي وَأَحْسَنِ الْأَعْوَانِ عَوْنًا وَبِرَحْمَتِهِ وَمَغْفِرَتِهِ؛

سبحان الله تو از تشیع و ولایت مداری و اطاعت پذیری او خبر داشتی و مرا در جریان مشکل او نگذاشتی؟! تا خیلی زودتر از این ها به راحتی مشکلت را حل کنیم! یا این که او را رها کرده بودی تا خوابی ببیند و یا مصیبتی به او برسد و یا از خودش چیزی را که می توانست با آن مشکلت را حل کند، انکار نماید. (۱) برخی از مشکلات به آسانی اتفاق می افتند و به راحتی قابل برطرف کردن هستند. اما این امور در روز قیامت و نزد خدا محاسبه خواهند شد.

۱- این تعبیرات نشانگر اوج توجه و محبت امام علیه السلام نسبت به شیعیان حقیقی شان می باشد.

راه حل را می نویسم به گونه ای که کسی غیر از او صلاحیت آن را نداشته باشد و تو می دانی که ما چقدر به او اعتماد داریم. ثنای بی کران مخصوص خداست. از او درخواست می کنم تا با رحمت و مغفرتش، ما را از نعمت ها و دوستان صالح و یاران خوب بهرمنند سازد. (۱)

دستور العمل امام زمان برای کسانی که خود را

برای مرگ آماده می کنند (۲)

مُرْ فَلَانًا لَا فَجَعَنَا اللَّهُ بِهِ بِمَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنَ الصِّيَامِ عَلَى مَا أَصِفُ؛

إِمَّا كُلَّ يَوْمٍ أَوْ يَوْمًا وَيَوْمًا لَا أَوْ ثَلَاثَةَ فِي الشَّهْرِ

وَلَا يَخْلُو كُلَّ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ مِنْ صَدَقَةٍ عَلَى سِتِّينَ مِسْكِينًا أَوْ مَا يُحَرِّكُهُ عَلَيْهِ النَّيُّهُ وَمَا جَرَى وَتَمَّ

وَيَسْتَعْمِلُ نَفْسَهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اسْتِعْمَالًا شَدِيدًا

وَكَذَلِكَ فِي الاسْتِغْفَارِ

وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ

وَذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى

وَالِاغْتِرَافِ فِي الْقُنُوتِ بِذُنُوبِهِ وَيَسْتَعْفِرُ اللَّهَ مِنْهَا

۱- این مطالب در سرزنش یکی از وکلای امام که در یاری یکی از شیعیان به نام معلقه بن اسحاق کوتاهی کرده بود و امام را به موقع در جریان مشکل او نگذاشته بود، صادر شده است.

۲- این دستور العمل متعلق به معلقه بن اسحاق از اصحاب شایسته امام علیه السلام می باشد. طبق خبر منجمی ایشان احساس کرده بودند که زمان مرگشان نزدیک شده است. از این رو به یکی از وکلای امام علیه السلام نامه می نویسد و از او درخواست می کند که از امام دستور العملی برای ایام پایانی زندگی اش بگیرد.

وَيَجْعَلُ أَبْوَابًا فِي الصَّدَقَةِ وَالْعِنَقِ عَنْ أَشْيَاءَ يَسْمُهَا مِنْ ذُنُوبِهِ
وَيُخْلِصُ نَيْتَهُ فِي اعْتِقَادِ الْحَقِّ وَبِصَلِّ رَحِمَهُ وَيُنْشُرُ الْخَيْرَ فِيهَا؛

به فلانی که خداوند ما را به مصیبت او مبتلا نکند، برسان که تا می تواند، طبق دستور العملی که خواهم گفت، روزه بگیرد.

یا هر روز یا یک روز در میان و یا سه روز در ماه

هر روز یا هر دو روز یکبار به شصت فقیر یا همان مقداری که نیتش به آن تعلق یابد، صدقه بدهد.

به شدت خود را به نماز شب و روز مشغول کند.

همین طور استغفار کند.

و قرآن بخواند.

خدا را یاد کند.

در قنوت ها به گناهانش اقرار کند و از آن ها استغفار نماید.

برای گناهایی که به خاطر دارد، صدقه بدهد و بنده آزاد کند.

نیتش را در اعتقاد به امامت خالص کند و صله رحم کرده و به آن ها نیکی نماید.

امام و ستایش دوستان واقعی

وَنَزَجُو أَنْ يَنْفَعَهُ مَكَانُهُ مِنَّا وَمَا وَهَبَ اللَّهُ مِنْ رِضَانَا عَنْهُ وَحَمْدِنَا إِيَّاهُ (۱)

امیدوارم که ارتباط و علاقه او نسبت به ما و رضایت و ستایش ما از او، برایش سودمند باشد.

۱- امام این مطلب را در مورد معلقه بن اسحاق فرموده اند.

غم امام در مصایب شیعیان

فَلَقَدْ وَاللَّهِ سَاءَ نِيَّ أَمْرُهُ فَوْقَ مَا أَصِفُ عَلَى أَنَّهُ أَرْجُو أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ وَيُبْطِلَ قَوْلَ الْمُنْجِمِ فَمَا أَطَّلَعَهُ اللَّهُ عَلَى الْعَيْبِ؛

به خدا قسم که وقتی گرفتاری او را شنیدم، به قدری ناراحت شدم که قابل توصیف نیست. گذشته از همه این ها از خدا می خواهم که بر طول عمرش بیفزاید و نظر مُنْجِم را باطل کند؛ زیرا خداوند او را بر غیب خود آگاه نکرده است.

گفتن نام امام زمان

گفتن نام امام زمان (۱)

مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛

لعنت خدا بر کسی که نام مرا در اجتماعات عمومی ببرد.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ (۲)

کسی که نام مرا در محافل عمومی مردم ببرد، ملعون است، ملعون است.

إِنْ دَلَلْتَهُمْ عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَإِنْ عَرَفُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ (۳)

اگر نامم را بدانند، فاش می کنند و اگر از مکان زندگی ام باخبر شوند، (۴)

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱ «الفصل الثالث في ذكر بعض التوقيعات»؛ کمال الدین ج ۲، ص ۴۸۳ باب ۴۵ «ذكر التوقيعات الواردة».

۲- وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۴۲ باب ۳۳ «تحريم تسميه المهدي عليه السلام»؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲ باب ۴۵ «ذكر التوقيعات الواردة».

۳- الکافی ج ۱ ص ۳۳۳ «باب في النهي عن الاسم...»؛ وسائل الشیعه ج ۳۳ ص ۲۴۰ باب ۱۶ «تحريم تسميه المهدي عليه السلام».

۴- البته فاش کردن و یا راهنمایی سربازان همیشه به خاطر دشمنی و جاسوسی نیست. بلکه از سر شوق همه روانه دیدار خواهند شد و نام ایشان را در مجالس خود به جهت تبرک خواهند برد، در نتیجه در اثر محبت و علاقه فراوان آن حضرت را گرفتار خواهند کرد.

۱- یکی از سؤالاتی که در ذهن هر خواننده ای ایجاد می شود و از سوی دیگر محل ابتلا است، این است که آیا اکنون نیز آوردن نام ایشان حرمت دارد، یا این که این حرمت مخصوص عصر غیبت صغری بوده است؟ آیا مقصود از حرمت نام بردن از آن حضرت منحصرأ کلمه «محمد» است یا این که هر اسمی که به نحوی دلالت بر ایشان کند، شامل این روایات می شود؟ به عبارتی آیا کلمات مهدی، ابا القاسم، ابا صالح و اموری از این قبیل نیز داخل در این روایات هستند، یا از محدود آن ها خارج می باشند؟ برای این که جواب این سؤال ها به وضوح روشن شود، مقدمه ای را ذکر می کنیم: عصر امام حسن عسکری علیه السلام از سویی مردم از ظلم و جور خاندان عباسی خسته شده بودند و از سوی دیگر یاد و خاطره حکومت عدل علوی همچون رؤیایی دلنشین در اذهان مردمان، یادآور مدینه فاضله ای بود که همه به دنبال آن بودند. این دو عامل باعث توجه روز افزون مردم به خاندان عصمت و سلاله پاک علوی شده بود. با وجود تبلیغات شکننده ای که در مورد ایشان صورت می گرفت، عملکرد روشن و پر جذبه ایشان باعث گرایش همگان می شد. همین عامل نیز باعث شد تا حساسیت حکومت های وقت نسبت به ایشان افزایش یابد. توجه به کاهش عمر ائمه بعد از امام رضاعلیه السلام گواه این مطلب می باشد. امام محمد تقی تنها بیست و پنج سال امام علی النقی تنها چهل سال امام حسن عسکری بیست و هشت سال با وجود موارد ذکر شده، امام حسن عسکری علیه السلام از یک ویژگی ممتازی برخوردار بود که باعث افزایش مراقبت ها نسبت به ایشان شده بود. آری ایشان پدر امامی بودند که پیامبر اسلام در اخبار متواتری بشارت تولدش را داده بود. همان طور که با آشکار شدن علایم تولد حضرت موسی علیه السلام فرعون مراقبت های خود را افزایش دادند. عباسیان نیز با نزدیک شدن زمان تولد یگانه منجی عالم، مراقبت های خود را به شدت افزایش دادند. مانند این که امام را در داخل پادگانی محصور کردند و در یک محیط بسته ایشان را تحت نظر گرفتند. در حالی که چنین حساسیتی در مورد هیچ یک از ائمه قبل از ایشان نظیر نداشت. یا این که به صورت مداوم قابله هایی را به خانه حضرت می فرستادند تا وضعیت همسر ایشان را از نظر حاملگی بررسی کنند. حساسیت حکومت نسبت به ایشان به حدی بود که برخی از نزدیکان و اصحاب خاص امام برای دیدار ایشان، مجبور به شغل دست فروشی می شدند و به بهانه روغن فروشی و غیره خود را به خدمت امام می رساندند! زندگی امام زمان در عصر غیبت صغری امام زمان علیه السلام در دوره غیبت صغری مأمور بودند تا در میان مردم زندگی کنند و ارتباط نسبتاً ملموسی با ایشان داشته باشند. از این رو مجبور بودند که در اختفای کامل بسر ببرند. از سوی دیگر ایشان دارای نوابی بودند که واسطه میان ایشان و سایر مردمان بودند. از این رو در صورت بی احتیاطی ممکن بود که دستگیر شده و به قتل برسند. لذا دوره غیبت صغری دوره ای ملامال از خطر برای ایشان و نواب ایشان بود. از این رو باید در نهایت اختفای زندگی می کردند و از هر کاری که منجر به ایجاد حساسیت در مورد ایشان می شد، پرهیز می کردند. تحریم نام بردن از ایشان با بیان مقدمه مذکور دلیل حرمت نام بردن از ایشان روشن می شود. زیرا در صورتی که اصحاب و شیعیان نام ایشان را ذکر می کردند، باعث ایجاد حساسیت می شد و توجه عمال حکومت را نسبت به ایشان و نواب ایشان افزایش می داد. همان طور که در برخی از موارد حکومت موفق به یافتن محل اختفای امام زمان شده بود. چنان که در بخش معجزات آمده است، باری که ایشان در سرداب مشغول مناجات بودند، مأموران حکومت موفق به شناسایی ایشان می شوند و منطقه را به محاصره خود در می آورند. البته امام به طرز معجزه آسایی

نجات پیدا می کنند. مؤید این مطلب نوع بیان روایاتی است که از خود ایشان نقل شده است. در روایت اول ایشان می فرمایند کسی که نام مرا در اجتماعات عمومی مردم ببرد، ملعون است. این بدان معناست که صرف نام بردن از ایشان در محافل خصوصی که خطر ایجاد حساسیت نباشد، حرام نیست. در روایت دوم نیز فرموده اند که اگر نام مرا بدانند، (در میان مردمی که اکثراً سنی بوده اند) فاش می کنند و اگر محل زندگی مرا بدانند، به همدیگر نشان می دهند. نکته جالب آن است که در روایتی از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی آمده است که نام ایشان را کسی غیر از کافر نمی برد! حال سؤال آن است که نام بردن از ایشان چه جرمی است که منجر به کفر شود؟ آیا کسی که نام ایشان را مثلاً در زمان ما از روی محبت و ارادت ببرد، کافر می شود؟ یا کسی که در عصر غیبت صغری با ذکر نام ایشان باعث به خطر افتادن ایشان و نوابشان شود، دچار کفر می شود. نکته بعدی آن است که وقتی حضرات معصومین علیهم السلام می فرمودند که نباید اسم ایشان را ببرید، کسی تعجب نمی کرد. زیرا آن ها در همان اوضاع خطرناک زندگی می کردند، از این رو این حرمت و تحریم با همه تأکیدهایی که داشت، برایشان قابل درک بود. با توجه به همه این مسائل به صورت قطع و یقین روشن می شود که این حرمت به زمان غیبت صغری منحصر می شود و در زمان ما نه تنها حرمتی ندارد، بلکه مانند نام های سایر حضرات معصومین علیهم السلام جزو مستحبات است. پاسخ از سؤال دوم: مقصود از نام چیست؟ آیا کلمه محمد است یا هر اسمی که به نحوی بر ایشان دلالت کند، حتی اگر لقب و یا کنیه باشد؟ با توجه به مطلب قبلی روشن می شود که کلمه محمد خصوصیتی ندارد. بلکه مقصود حضرات از تحریم ذکر نام ایشان، حفظ و مصونیت خود آن حضرت و واسطه های ایشان بوده است. از این نظر تفاوتی میان این که محمد گفته شود یا مهدی و یا هر نام دیگری، وجود ندارد. زیرا خطر ایجاد حساسیت و توجه دادن افراد به ایشان در همه این موارد به یک اندازه وجود داشته است. بنابراین در عصر غیبت صغری چه نام مهدی و چه نام محمد و هر نام دیگری که علم بر آن حضرت بوده باشد، حرام بوده است و در زمان ما هر نامی ولو کلمه شریف محمد جایز و مستحب است. مؤید قطعی این مطلب روایتی است از امام حسن عسکری علیه السلام که در طی آن به یکی از اصحاب می فرمایند: بر شما حلال نیست که نام او را ببرید. راوی سؤال می کند که پس او را چگونه خطاب کنیم؟ امام فرمودند کنیه او را بگویید و یا از القابی چون مهدی که مخصوص به ایشان است استفاده کنید. بلکه فرمودند: بگویید: حجتی که از آل محمد است. دلیل این فرمایش امام آن است که حجتی که از آل محمد است، لقبی است که بر تمام ائمه صدق می کند. بنابراین مردم گمان می کنند که منظور ائمه قبلی هستند. از این رو ایجاد حساسیت نمی کند و ابداً معلوم نمی کند که ایشان مقصود هستند.

تعیین زمان ظهور

تعیین زمان ظهور (۱)

كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ؛

کسانی که تعیین وقت می کنند، دروغ می گویند.

دعاهای امام زمان علیه السلام

دعا برای ظهور فرج

دعاهای امام زمان علیه السلام (۲)

دعا برای ظهور فرج

إِنَّا لِنُغْضِبُكَ غَاظِ بُؤْنٍ وَإِنَّا عَلَى نَصِيرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِمُونَ وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَأِقُونَ وَإِلَيْنِجَازِ وَعِيدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحَوْلِ وَعِيدِكَ
بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ؛

ما با غضب تو به غضب می آییم. ما بر یاری حق پافشاری می کنیم و به

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱، الفصل الثالث فی ذکر بعض التوقیعات؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳ - باب ۴۵ ذکر التوقیعات الوارده.

۲- مهج الدعوات، ص ۶۷ قنوت مولانا الحجه محمد بن الحسن علیه السلام؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳ - باب ۳۳ - فی القنوتات الطويله المرويه.

ورود امر تو در جنگ با آنان، مشتاقیم و منتظر تحقق وعده تو هستیم و توقع آن را داریم تا دشمنان را در احاطه وعیدت قرار دهی. (۱)

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ وَأَنْصِرْ نِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعِدَاءِ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ؛

ای کسی که در وعده هایت تخلف نمی کنی، وعده ای را که به من داده ای محقق کن، اصحابم را جمع کن و صبرشان را بیشتر نما و مرا بر دشمنانم و دشمنان پیامبرت یاری کن و دعایم را برنگردان؛ زیرا من بنده و فرزند بنده و کنیز تو، در برابر اراده ات اسیر هستم. سرورم! تو بودی که مرا به این مقام مخصوص کردی و بر اکثر مخلوقات فضیلت دادی.

امام زمان و گلایه از شیعیان

امام زمان و گلایه از شیعیان (۲)

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَهُ بِالْغَهِّ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامَ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ؛

نه درباره اراده خدا اندیشه می کنید و نه مطیع اولیای او هستید! «حکمتی است که ابلاغ شده است. اما انذارها و ترساندن ها - برای کسانی که اهل

۱- وعده زمانی به کار برده می شود که چیزی خوبی در انتظار باشد. اما اگر اتفاق بدی در انتظار باشد، به آن وعید گفته می شود.

۲- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲ «ذکر طرف مما خرج أيضا عن صاحب الزمان»؛ بحار الأنوار ج ۵۳، ص ۱۷۱، باب ۳۱ «ما خرج من توقيعاته...».

ایمان آوردن نیستند - سودی ندارد. (۱) سلام خدا بر ما و تمام بندگان صالح خدا.

دعای مختصر و کامل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النَّيِّاتِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصِيرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالِمِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتَ بَعْهْدِكَ وَمِيثَاقَكَ فَتَسَّ عَنِّي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّيَا حَمِيدُ؛

خدایا با پافشاری درخواست می کنم که بر محمد که پیامبر رحمت و مجموعه نورت درود فرست و قلبم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیت های خیر و اراده ام را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور شناخت هایی که از توست و چشمانم را از نور بینایی و گوش هایم را از نور حکمت و دوستی و علائقم را از نور محبت محمد و خاندانش علیهم السلام لبریز و مالا مال گردانی. مرا به گونه ای کن که وقتی تو را ملاقات می کنم، به عهد خود وفا کرده باشم و در رحمت گسترده ات وارد شوم. ای سرپرست و ای ستوده.

دعای فرج

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً؛

خدایا بر جانشین و فرزند جانشینت، کسانی که اطاعتشان را واجب کردی و حقشان را لازم دانستی و پلیدی را از آن ها دور کردی و آن ها را پاک شان گرداندی، درود فرست.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَاَنْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ؛

خدایا او را یاری کن و به واسطه او از دین خود حمایت کن و به یاری اولیاء و شیعیانش بفرست و ما را از آن ها قرار بده.

اللَّهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاَحْرُسْهُ وَاَمْنَعُهُ مِنْ اَنْ يُوْصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاَحْفَظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَاَلَّ رَسُوْلَكَ وَاَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَاَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاَقْسِمِ [اَقْسِمُ بِهٖ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَاَقْتُلْ بِهٖ الْكُفَّارَ وَاَلْمُنَافِقِيْنَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِيْنَ حَيْثُ كَانُوْا مِنْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَحْرِيهَا وَاَمْلَأْ بِهٖ الْاَرْضَ عَدْلًا وَاَظْهَرْ بِهٖ دِيْنَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

خدایا او را از شرّ ظالمان و سرکشان و تمام مخلوقات، پناه بده، و از تمام جوانب او را حفظ کن. مراقبت کن تا هیچ نوع بدی به او نرسد و در وجود او، فرستاده خود و خاندانش را حفظ کن. و عدل را با او آشکار کن و با امدادهای خود یاری اش کن و یارانش را پیروز گردان و دشمنانش را خوار

ساز. خدایا به دست او طغیانگران کفر را در هم بکوب و کفار و منافقین و تمام منکرین را هلاک کن. چه در بخش های شرقی زمین باشند و چه در بخش های غربی آن، چه در خشکی و چه در دریا باشند و زمین را از برکت او از عدل و داد پر کن و دین پیامبرت را غالب گردان.

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ؛

خدایا مرا از یاران و شیعیان و پیروی کنندگان او قرار بده و خاندان محمد را به تمام آرزوهایشان برسان و دشمنانشان را به آنچه از آن می ترسند، مبتلا کن.

سلام به امام زمان علیه السلام

سلام به امام زمان علیه السلام (۱)

السَّلَامُ عَلَيْكَ صَاحِبَ الْمَرْأَى وَالْمَسِيحَ الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ مَوَاقِفَهُ وَيَبْدِ اللَّهُ عُهُودَهُ وَيُقَدِّرُهُ اللَّهُ سُلْطَانَهُ أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصِيَّةَ بِيَهُ وَالْكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبْخُلُهُ الْحَفِيظَةَ وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةَ مُجَاهِدَتَكَ فِي اللَّهِ ذَاتَ مَشِيئِهِ اللَّهُ وَمُقَارَعَتَكَ فِي اللَّهِ ذَاتَ انْتِقَامِ اللَّهِ وَصَبْرَكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنَاةِ اللَّهِ وَشُكْرَكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ؛

سلام بر تو ای بینا و شنوایی که پیمان هایت در برابر دیدگان خدا و عهدهایت در دستان خداست و سلطنتت با قدرت خدا محقق می شود. تو آن بردباری

۱- بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶ باب ۲۸ «الاستشفاع بمحمد وآل محمد».

هستی که تعصبات، او را به عجله نمی اندازد و بزرگواری هستی که ثبت و ضبط مسائل او را به بخل و انمی دارد، تو آن عالمی هستی که تعصبات کور او را به حماقت نمی اندازد. تلاش تو در راه خدا همان خواسته خداست. قلع و قمع کردن در راه خدا، عین انتقام خداست و صبر تو در راه خدا عین فرصت دادن خداست. شکر تو همان زیاد کردن رحمت خداست.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ وَيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ يَا مَحْرُوزًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ نُورٌ سَمِعَهُ وَبَصَرَهُ وَيَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ؛

سلام بر تو ای آن که نور مقابل، پشت و راست و چپ و پایین و بالایش با اراده خدا، محفوظ است. ای کسی که نور گوش و چشمش در قلعه قدرت خدا، مصون است. ای وعده ای که خدا ضمانت کرده است و ای پیمانی که خدا آن را محکم کرده است.

امام و اختیارات

أَنْ رَجَعْتُكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا؛

شهادت می دهم که رجعت شما حق است و شکی در آن نیست. روزی که ایمان آوردن در آن، سودی ندارد اگر قبلاً ایمان نیاورده باشد و عمل صالحی مطابق ایمانش انجام ندهد.

أَنْتُمْ لِلشَّفَاعَةِ حَقٌّ لَا تُرَدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ مَشِيئَةَ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ؛

شهادت می دهم که شما حق شفاعت دارید و شفاعتتان رد نمی شود. البته شما نیز از خواسته خدا سبقت نمی گیرید و بر طبق آن عمل می کنید.

راز آفرینش

خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ قَدْ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ؛

او که جن و انس را برای عبادتش آفرید و از بندگانش چیزی غیر از عبادت نخواسته است. پس عده ای بدبخت و برخی سعادت‌مند شدند؛ بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادت‌مند کسی است که اطاعت نماید.

تولی و تبری

وَلِيًّا لَكَ بَرِيئًا مِنْ عَدُوِّكَ مَا قَاتَا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ وَادًّا لِمَنْ أَحَبَّكُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ؛

معامله با خدا

من شما را دوست دارم و از دشمنانتان بیزارم. دشمن دشمنانتان و دوست دوستانتان هستم. حق آن است که از آن راضی باشید و باطل آن است که بر آن غضب کنید. خوب آن است که به آن امر کنید و بد آن است که از آن نهی کنید.

أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبِشِّرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطِهِ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ وَنُصِرْتُمْ لَكُمْ مُعَدَّةً وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ وَبِرَاءَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَهْلِ الْحَرَدَةِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَةٌ

لِتَأْتِرَكُمْ أَنَا وَلِيُّ وَحِيدٌ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ آمِينَ آمِينَ؛

مولایم؛ من از معامله ای که خدا با مجاهدان راه خود انجام داده و در آن جان های مؤمنین را خریداری کرده است، خوشحالم. زیرا جان من به خدای واحدی که شریکی ندارد، و به رسول خدا و امیرالمؤمنین و به همه شما ایمان دارد، مولایم، من به همه شما، از اول تا آخرتان ایمان دارم و یاری ام را برایتان مهیا و دوستی ام را خالص و بیزاری از دشمنانتان را برای قیامتتان، آماده کرده ام و دوست یگانه تان هستم بی تردید خداوند معبود حقیقی است و مرا همان طور قرار بدهد. خدایا! اجابت فرما، اجابت فرما.

مصونیت از شر دشمنان

مصونیت از شر دشمنان (۱)

اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَى أَنْ تَأْتِنِي لِي فِي ظُهُورِي وَأَخِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسَيِّئِكَ وَعَجَّلْ فَرْجِي وَسَهِّلْ مَخْرَجِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَقِنِي جَمِيعَ مَا أَحَازِرُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَاحْجُبْنِي عَنْ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ النَّاصِبِينَ العَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ.

فَإِذَا أَذْنَتْ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَ أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ

۱- المصباح للكفعمي ص ۲۱۹، الفصل السادس والعشرون في الحجب؛ بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۳۷۸ باب ۵۲ «الاحتجابات المرويه»؛ مهج الدعوات ص ۳۰۲ «حجاب مولانا صاحب الزمان عليه السلام...».

مَنْصُورِينَ وَوَفَّقَنِي لِإِقَامِهِ حُدُودِكَ وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ وَأَنْصُرِ الْحَقَّ وَارْزُقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا
وَأُورِدُ عَلَى مَنْ شِيعَتِي وَأَنْصِيَارِي [وَأَمِنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ وَيُشَدُّ بِهِمُ الْأُزُرُ وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَأَمِّتْكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ؛

خدایا مرا از چشم دشمنانم مخفی کن و مرا با دوستانم جمع کن و وعده ای را که به من داده ای، عملی نما. و مرا در دوره
غیبت تا زمانی که اجازه ظهور بدهی، حفظ کن. فرائض و سنن (۱) پایمال شده ات را به دست من زنده کن.

ظهورم را سریع و خروجم را آسان نما و با سلطنت و نصرت خود مرا یاری کن و مرا به پیروزی قطعی برسان و به راه راست
هدایت فرما و از تمام خطرات ظالمان حفظم کن و از چشمان دشمنانی که پایه های عداوت باخاندان رسالت را محکم
کردند، مخفی نما تا از هیچ یک از آن ها، بدی به من نرسد.

زمانی که اجازه ظهور دادی، مرا به سربازان خود یاری کن و کسانی را که مرا در یاری دینت کمک خواهند کرد، تقویت نما
و از مجاهدین در راه خودت قرار بده. همه ما را بر کسانی که قصد جنگ با ما را دارند، پیروز کن و مرا در بر پاداشتن احکام
و حدودت، موفق نما و مرا در غلبه بر کسی که به حدود و احکامت تعدی کند، یاری کن. خدایا حق را یاری و باطل را از بین
ببر، چرا که باطل از بین رفتنی است.

شیعیان و یاران و کسانی را که دیدارشان مرا شاد و مستحکم می کند، به من

۱- در اصطلاح روایات، فرایض به احکام قرآنی، و سنت به آنچه پیامبر اسلام و یا حضرات معصومین علیهم السلام فرموده
اند، اطلاق می شود.

برسان و آن‌ها را در قلعه حمایت خود حفظ کن. با رحمت و کرمیت خودت ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان

دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان (۱)

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْعَبْرِ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالشَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْيَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ؛

الهی به احترام کسانی که در خشکی و دریا، با تو مناجات کردند و دعا خواندند، با ثروت بر فقراى مؤمنین، با شفا بر بیماران،
با لطف و بزرگواری بر زنده‌ها و مرده‌های ایشان، با مغفرت و رحمت بر مرده‌هایشان، با برگشتن همراه با سلامتی و موفقیت
بر مسافران ایشان، تفضل کن به حق محمد و آل آن حضرت.

حرز امام زمان علیه السلام

حرز (۲) امام زمان علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَيَا هَازِمَ الْأَخْرَابِ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَشْبَابِ

۱- مهج الدعوات ص ۲۹۴؛ بحار الأنوار ج ۹۲، ص ۴۵۰ باب ۱۳۰ «فی ذکر بعض الأدعیه».

۲- حرز در لغت به معنای قلعه ای است که جهت ایجاد فضای امن ساخته می شود. از این رو به ادعیه ای که جهت ایجاد
مصونیت در برابر مسائلی چون، بلایا، بیماری‌ها، حیوانات درنده، ساحران و اجنه و امثال آن‌ها، صادر شده است، حرز گفته
می شود. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶۵، باب ۵۰ «بعض أدعیه القائم علیه السلام و احرازه»؛ مهج الدعوات ص ۴۵ «حرز لمولانا
القائم علیه السلام...».

سَبَّبَ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلْبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ؛

بنام خدای بخشنده مهربان

ای خدای مسلط بر انسان ها و ای در هم کوبنده حزب ها، ای گشاینده درها، ای سبب ساز عالم، سببی را برایمان درست کن که ما قادر بر آن نیستیم. به حق لا اله الا الله و محمد رسول الله که سلام و درودت بر او و خاندانش باد.

دعای در زمان غیبت

دعای در زمان غیبت (۱)

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي

اللَّهُمَّ لَا تُمِئِنِّي مِئْتَهُ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي؛

خدایا خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، فرستاده ات را نخواهم شناخت.

خدایا فرستاده ات را به من بشناسان؛ زیرا اگر او را به من نشناسانی، حجت بعد از او را نخواهم شناخت.

خدایا حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد.

۱- کمال الدین ج ۲، ص ۵۱۲ «الدعاء في غيبه القائم عليه السلام...»؛ بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۸۷ باب ۳۱ «ما خرج من توقعاته عليه السلام...».

خدایا مرا به مرگ جاهلیت مبتلا نکن (۱) و دلم را بعد از توفیق هدایت، گمراه نکن.

دعای فرج

اللَّهُمَّ فَجِّبْنِي عَلَى دِينِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَلِيْن قَلْبِي لِتَوَلِّي أَمْرِكَ وَعَيِّفْنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَبَيِّنْ عَلَي طَاعَةَ وَتَوَلِّي أَمْرِكَ الَّذِي سَيَتَزَوُّهُ عَيْنُ خَلْقِكَ فَيَاذُكَ غَابَ عَنِّي بَرِّيَّتُكَ وَأَمْرُكَ يَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَيِّحُ أَمْرٍ وَلِيَّتِكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ يَظْهَرُ أَمْرُهُ وَكَشِفِ سِرَّهُ وَصَبِّرْ عَلَي ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أُبْحَثَ عَمَّا كَنَّمْتَهُ وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَتَوَلَّى أَمْرَ اللَّهِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأَفْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ؛

خدایا؛ مرا در دینت ثابت قدم کن و مرا به اطاعت خود مشغول کن و دلم را برای ولایت ولی امرت، نرم کن و مرا از امتحانات خلقت، عافیت بخش. و در اطاعت ولی امری که او را پوشانده ای، ثابت قدم کن. او که با اراده تو از مخلوقات، غایب شده و منتظر امر توست و تو بهتر از همه

۱- روایات زیادی از رسول گرامی اسلام و سایر معصومین علیهم السلام صادر شده است که اگر کسی امام خود را نشناسد و بمیرد، با کفر دوران جاهلیت از دنیا رفته است. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْفَضِيلِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. قَالَ نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِيَّةً جَهْلَاءَ أَوْ جَاهِلِيَّةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ قَالَ جَاهِلِيَّةً كُفْرًا وَنِفَاقًا وَضَلَالًا. الكافي ج ۱، ص ۳۷۷ «باب من مات و ليس له إمام من أئمة».

می دانی که مناسب ترین وقت برای ظهور او چه وقت است، تا امامتش را آشکار و سرش را آشکار کنی. در این انتظار به من صبر بده تا مقدم شدن آنچه به تأخیر انداختی و تأخیر آنچه را که مقدم داشتی را نخواهم. آنچه را که پوشاندی باز نکنم و درباره آنچه که کتمان کردی، جستجو نکنم و در تدبیرت مخالفت نکنم و از چرا و چگونگی آن ها و این که چرا ولایت ظهور نمی کند با این که زمین پر از ظلم شده است، سؤال نکنم و تدبیر تمام امورم را به تو می سپارم.

دعا برای مصونیت از شر آخرالزمان

اَللّٰهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِيْنَ لِطَوْلِ الْاَمَدِ فِيْ غَيْبَتِهِ وَاَنْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تُنَسِّبْنَا ذِكْرَهُ وَاَنْتِظَارَهُ وَاَلِ اِيْمَانَ بِهٖ وَقُوَّةَ الْيَقِيْنَ فِيْ ظُهْرِهِ وَاَلدُّعَاءَ لَهٗ وَاَلصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتّٰى لَا يُقْنَطْنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهْرِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُوْنُ يَقِيْنُنَا فِيْ ذٰلِكَ كَيَقِيْنُنَا فِيْ قِيَامِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَمَا حَيَّاءَ بِهٖ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيْلِكَ قَوْلُ قُلُوْبِنَا عَلٰى الْاِيْمَانِ بِهٖ حَتّٰى تَسْلُبَكَ بِنَا عَلٰى يَدِهِ مِنْهَاجِ الْهُدٰى وَاَلْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰى وَاَلطَّرِيْقَةَ الْوَسِيْطٰى وَقَوْلَنَا عَلٰى طَاعَتِهِ وَبُتْنَانَا عَلٰى مُشَايَعَتِهِ وَاَجْعَلْنَا فِيْ حِزْبِهِ وَاَعْوَانِهِ وَاَنْصَارِهِ وَاَلرَّاضِيْنَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسْلُبْنَا ذٰلِكَ فِيْ حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وِفَاتِنَا حَتّٰى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلٰى ذٰلِكَ غَيْرُ شَاكِيْنَ وَلَا نَاكِيْتِيْنَ وَلَا مُرْتَابِيْنَ وَلَا مُكْذِبِيْنَ؛

خدایا یقین ما را به خاطر طولانی شدن مدّت غیبت و بریده شدن اخبار او از ما، سلب نکن. یاد و انتظار و ایمان و شدّت یقین در ظهور و دعا و صلوات بر او را از یاد ما نبر. تا طولانی شدن غیبتش ما را از ظهورش

مأیوس نکند و یقین ما در قیام او مانند یقین ما در قیام رسول خدا و نزول قرآن باشد. دل هایمان را در ایمان به او قوی کن تا ما را به دست او در راه روشن هدایت و راه وسط و اعتدال (صراط مستقیم)، به حرکت بیاوری و ما را در اطاعتش تقویت و در همراهی اش ثابت قدم کن و ما را از گروه و یاران و راضیان به کارهایش قرار بده.

و این توفیق را چه در زمان حیات و هنگام وفات از ما نگیر تا در نتیجه ما، در هنگامه مرگ، در آن تردید و تکذیب نکنیم و عهد نشکنیم.

شکایت از یتیمی

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَغَيَّبَهُ وَلَيْنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا؛

خدایا ما در پیشگاه تو از نبودن پیامبران از یک سو و غیبت ولی مان از سوی دیگر و سخت گیری زمانه با ما و بروز و ظهور فتنه های گوناگون و تسلط و فراوانی دشمنان و کمی تعدادمان شکایت می کنیم.

اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِصَبْرٍ مِنْكَ تُيسِّرُهُ وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

خدایا همه این گرفتاری ها را با پیروزی سریعی از جانب خودت و صبری از تو که آن را برایمان آسان کنی و امام عادل کنی که آشکار کنی، برطرف کن. ای معبود حق پروردگار جهانیان!

پیروزی در دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةَ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در دنیا و آخرت به برکت آن ها از نجات یافتگان و مقربان قرار بده.

دعای فرج

دعای فرج (۱)

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي؛

خدایا وعده ای را که به من داده ای، عملی کن.

در خواست انتقام

اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ؛

خدا به دست من از دشمنانت انتقام بگیر.

دعای فرج

دعای فرج (۲)

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُدْعُونَ

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي

وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَتَكْفِينِي وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

از تو درخواست می کنم به حرمت اسمی که موجودات را آفریدی و همه به آن اقرار می کنند.

از تو درخواست می کنم که به محمد و خاندان او درود فرستی و کار مرا

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰ «باب نوادر الحج...».

۲- بحار الأنوار ج ۹۱، ص ۳۶۵، باب ۵۰، «بعض أدعيه القائم عليه السلام و احرازه» العدد القويه ص ۷۴ «نبذه من أحوال الإمام الحجج عليه السلام...».

محقق کنی و در فرجم تعجیل نمایی و مرا کفایت کنی و از شر دشمنان، عافیت بخشی و نیازهایم را برآورده سازی.
همین الآن همین الآن، همین امشب همین امشب؛ زیرا تو توانایی هرکاری را داری.

امام زمان روضه خوانی می کند

ارادت امام زمان علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام

ارادت امام زمان علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام (۱)

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ الْمُخْلِصِ فِي وَلَايَتِكَ الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ الْبَرِيءِ مِنْ أَعْدَائِكَ

سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكِ مَفْرُوحٍ وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ

سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ؛

سلام بر تو، سلام کسی که حرمت تو را می شناسد و در وصیتت خالص شده است و با محبت تو به خدا تقرب می جوید و از دشمنانت بیزار است.

سلام کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح و اشکش به هنگام یاد تو جاری است.

سلام داغداری که محزون و دلداه و برجای مانده است.

آرزوهای امام زمان علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام

سَلَامَ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ

۱- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۱۷، باب ۲۴ «کیفیه زیارتہ صلوات اللہ علیہ».

وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ

وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ

وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ

وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ

وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً

وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً؛

سلام کسی که اگر در میدان جنگ با تو بود، تو را با سپر کردن خود در برابر شمشیرها محافظت می کرد؛

و جانش را برای تو فدا می کرد؛

و در مقابلهت مجاهدت می نمود؛

و در برابر متجاوزان، تو را یاری می کرد؛

و جان و جسم و مال و فرزند را فدای تو می کرد.

آری روحش را فدای روحت،

و خانواده اش را فدای خانواده ات می نمود.

حسرت امام زمان علیه السلام درباره شهدای کربلاء

فَلَيْنَ أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ وَعَاقَبَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا

فَلَا تَدُبُّنَكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَلَا بُكَيْنَ لَكَ يَدَلُ الدَّمُوعِ دَمًا حَسِيرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسُفًا عَلَيَّ مَا دَهَاكَ وَتَلَهُّفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعِهِ الْمُصَابِ
وَعُصْبِهِ الْاِكْتِيَابِ؛

اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاری در حد مقدور، محروم کرد.

در نتیجه نتوانستم با دشمنان، دشمنی و با کسانی که پایه گذاران خصومت با تو بودند، خصومت نمایم، در مقابل، صبح و شام برای ندبه و مرثیه می خوانم و به جای اشک خون حسرت می گیرم. حسرت و تاسف بر فاجعه ای که برایت رخ داد و غم و غصه تا زمانی که از شدت مصیبت تو بسوزم و بمیرم.

سیمای امام حسین علیه السلام در کلام امام زمان علیه السلام

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانَ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَحَشَيْتَهُ وَرَاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ وَسَنَّتَ السُّنَنَ وَأَطَقْتَ الْفِتْنَ وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ

وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا وَلِجِدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا وَإِلَى وَصِيَّتِهِ أَخِيكَ مُسَارِعًا وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا وَلِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحًا وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا وَلِلْفَسَاقِ مُكَافِحًا وَبِحُجَّجِ اللَّهِ قَائِمًا وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا وَعِنْدَ الْبُلَاءِ صَابِرًا وَلِلدِّينِ كَالِئًا وَعَنْ حَوْرَتِهِ مُرَامِيًا

تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصِيرُهُ وَتَبْسُطُ الْعَدْلِ وَتَنْشُرُهُ وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ وَتَكْفُ الْعَابِثَ وَتَرْجُرُهُ وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ وَتُسَاوِي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتَامِ وَعِضْمَةَ الْأَنَامِ وَعِزَّ الْإِسْلَامِ وَمَعِيدِنَ الْأَحْكَامِ وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ سَالِكًا طَرَاتِقَ جِدِّكَ وَأَبِيكَ مُسْتَبَهَا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ وَفِي الدَّمِ رِضَى الشِّيمِ ظَاهِرَ الْكِرَمِ مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلَمِ قَوِيَمَ الطَّرَاتِقِ كَرِيمَ

الْخَلَائِقِ عَظِيمِ السَّوَابِقِ شَرِيفِ النَّسَبِ مُنِيفِ الْحَسَبِ رَفِيعِ الرَّتَبِ كَثِيرِ الْمَنَاقِبِ مَحْمُودِ الضَّرَائِبِ جَزِيلِ الْمَوَاهِبِ حَلِيمِ رَشِيدِ مُنِيبِ
جَوَادِ عَلِيمِ شَدِيدِ إِمَامِ شَهِيدِ أَوَاهِ مُنِيبِ حَيْبِ مَهِيْبِ

كُنْتُ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدِهِ وَسَلَّمَ قَرْنًا مُنْقِداً وَوَلِئَامَةً عَضُداً وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِداً حَافِظاً لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ نَاكِباً عَنِ سُبُلِ
الْفَسَاقِ وَبَازِلاً لِلْمَجْهُودِ طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ زَاهِداً فِي الدُّنْيَا زُهْداً الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاطِراً إِلَيْهَا بَعِينِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا آمَالِكُ عَنْهَا
مَكْمُوفَةٌ وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَضْرُوفَةٌ وَإِلْحَاطُكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ

حَيْتَى إِذَا النِّجُورُ مَيِّدَ بِيَاعِهِ وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ وَدَعَا النُّغَى أَتْبَاعَهُ وَأَنْتَ فِي حَرَمِ حَيْدِكَ قَاطِنٌ وَلِلظَّالِمِينَ مَيَابِنُ جَلِيسُ الْعَبِيْتِ
وَالْمَحْرَابِ مُعْتَرِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلإِنْكَارِ
وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفَجَّارَ

فَسَبَرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهَالِيكَ وَشَبِيعَتِكَ وَمَوَالِيكَ وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَمَرْتَ
بِإِقَامَةِ الْخِدْمَةِ وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْحَيَاثِ وَالطُّغْيَانِ وَوَاجْهُوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعِدْوَانِ فَجَاهِدْتَهُمْ بَعِيدَ الإِعْزَازِ لَهُمْ وَتَأَكِيدُ
الْحُبَّجَةَ عَلَيْهِمْ؛

شهادت می دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و مطیع خدا بودی و
معصیتش را نکردی و به او و دستاویزش چسبیدی. در نتیجه او را از خود راضی کردی و ترسیدی و مراقب اطاعتش بودی و
اوامرش را اجابت کردی

و سنت هایش را سنت کردی و فتنه ها را خاموش نمودی و به سوی رشد و بالندگی هدایت کرده و راه های پایداری را روشن و در مسیر او جهاد نمودی.

مطیع خدا و پیرو جدت و گوش به حرف پدرت و عمل کننده به وصیت برادرت و بلند کننده ستون های دین و قلع و قمع کننده طاغیان و درهم کوبنده سرکشان و خیرخواه امت و شناور در تنگنای مرگ و مجازات کننده فاسقان و قیام کننده با ادله الهی و دلسوز برای اسلام و مسلمانان و یاریگر حق و صبور در بلا و یاور دین و محافظت کننده از محدوده آن بودی.

و یاریگر هدایت و گسترش دهنده عدالت و پشتیبان دین و نهی کننده از بیهودگی ها و بازدارنده از تعرض افراد پست به انسان های شریف و عدالت پیشه در حکم میان قوی و ضعیف.

تو پناه یتیمان و نگهدار انسان ها و عزت اسلام و معدن احکام و مهمان نواز، رونده راه جد و پدرت، عمل کننده به وصیت برادرت، خوش عهد، خوش رفتار، بزرگوار، شب زنده دار، سالک راه های مطمئن، بخشنده به بندگان خدا، سابقه دار بزرگ، با نسب شریف، بلند مرتبه، صاحب فضایل فراوان، نیک سرشت، بسیار بخشنده، بردبار جوانمرد، نیک رفتار، بخشنده، دانای مستحکم، امام شهید، متضرع، انابه کننده، دوست با هیبت بودی.

تو برای رسول خدا، فرزند و برای قرآن، تابع و برای امت، بازو بودی. در اطاعت خدا تلاشگر، حافظ عهد و وفا کننده پیمان بودی، تو اهل رکوع

و سجده های طولانی بودی، در دنیا مانند کسی که به زودی عبور می کند، زهد می ورزیدی و از آن وحشت داشتی، برای آن آرزویی نداشتی و برای تزئین آن تلاش نمی کردی و چشمانت از خوشی های آن بسته شده و علاقه ات برای آخرت معروف است. حتی زمانی که ظلم دستش را گشود و نیزه اش را برهنه کرد و یارانش را جمع کرد، تو در حرم جدت نشسته بودی و از آن ها فاصله گرفته بودی. همنشین خانه و محراب شدی از لذت ها و شهوات دنیا کناره گرفته بودی. منکر را با قلب و زبانت، در حد توانت، نهی می کردی. بعد از آن علم تو باعث انکار شد و واجب شد که با ظالمان جهاد کنی. در نزد خانواده و شیعیان و دوستان رفتی و ظالمان را با حکمت و موعظه نیکو، به سوی خدا دعوت کردی و از آن ها خواستی تا احکامت را عملی کنند و از معبودشان تبعیت نمایند و از بدی ها و طغیانگری نهی کردی. آن ها در مقابل با ظلم و دشمنی با تو روبه رو شدند. در نهایت نیز بعد از موعظه و اتمام حجت با آن ها جنگیدی.

روضه روز عاشورا

فَنَكُتُوا ذِمَامَكَ وَيَبْعَتِكَ وَأَسِيحُوا رَبِّكَ وَيَدَّكَ وَيَدَّوْكَ بِالْحَرْبِ فَثَبْتَ لِلطَّغْنِ وَالضَّرْبِ وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفَجَارِ وَأَفْتَحْتَمَتَ قَسِيظَ الْعُغْيَارِ مُجَالِدًا بِبِدَى الْفَقَارِ كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابَتَ الْجَاشِ غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ نَصِيحُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ الْمِيَاءَ وَوَرُودَهُ وَنَاجَزُوكَ الْفُتَالُ وَعَيَّاجَلُوكَ النَّزَالُ وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ الْإِصْطِلَامِ وَلَمْ يَزْعُوا لَكَ ذِمَامًا وَلَا

رَأَقَبُوا فِيكَ أَثَامًا فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ وَنَهَبِهِمْ رِحَالَكَ وَأَنْتَ مُتَقَدِّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ وَمُحْتَمِلٌ لِلذَّيَّاتِ قَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ
السَّمَاوَاتِ فَأَخْرَجُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَأَنْخَنُوكَ بِالْجِرَاحِ وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرِّوَاكِ وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ
تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحًا تَطْثُوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَعْلُوكَ الطُّغَاهُ
بِبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِيَاضِ وَالْإِنْسِيَاطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ وَقَدْ
شُعِلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهْلِيكَ وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا إِلَى خِيَامِكَ قَاصِدًا مُحْمِحًا بَاكِيًا فَلَمَّا رَأَيْنَ النِّسَاءَ جَوَادَكَ مَحْزِيًا
وَنَظَرْنَ سِرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًا بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُودِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لِاطْمَاتٍ لِلوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ وَبَعْدَ الْعِزِّ
مُيَذَّلَاتٍ وَإِلَى مَضِرِّعِكَ مَبَادِرَاتٍ وَالشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صِدْرِكَ وَمَوْلُغٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ
بِمَهْنَدِهِ قَدْ سَيَّكَنْتُ حَوَاسِكَ وَخَفَيْتُ أَنْفَاسِكَ وَرَفَعْتُ عَلَى الْقَنَاهِ رَأْسُكَ وَسَبَى أَهْلَكَ كَالْعَبِيدِ وَصِفُّدُوا فِي الْحَدِيدِ فَوْقَ أَقْتَابِ
الْمَطِيَّاتِ تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ أَيْدِيَهُمْ مَعْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ فَالْوَيْلُ
لِلْعَصَاةِ الْفَسَاقِ؛

در عهدی که بسته بودند، پیمان شکنی کردند، و پروردگار و جدت را غضبناک و جنگ با تو را آغاز کردند. تو نیز ضربات خود را آغاز کردی و سربازان فاسق را در هم کوبیدی و در میان گرد و غبار فرو رفتی و با ذوالفقار جنگیدی. گویا که تو علی هستی.

زمانی که آن‌ها متوجه ثبات قدم و نترسی تو شدند، از در مکر وارد شدند و با حيله‌هایی که در سر داشتند با تو جنگیدند. آن لعین امر کرد تا لشکریانش راه تو به آب را بستند و با تو قتال نمودند، و به جنگ و مبارزه با تو شتافتند، و تیرها و خدنگ‌ها به سوی تو پرتاب نمودند، و برای زمین گیر کردن اقدام کردند، و حرمتی برای تو مراعات نکردند، و از هیچ گناهی در مورد تو خودداری ننمودند، چه در کشتن دوستانت، و چه در غارت اثاثیه خیمه‌ها. آری تو در گرد و غبار جنگ پیش تاختی، و آزار و اذیت‌های فراوانی تحمل نمودی، آن چنان که فرشتگان آسمان‌ها از صبر و شکیبایی تو به شگفت آمدند، پس دشمنان از همه طرف به تو هجوم آوردند، و تو را به سبب زخم‌ها و جراحت‌ها ناتوان نمودند، و راه خلاص و رفتن را بر تو بستند، تا آن که هیچ یآوری برایت نماند، ولی تو حسابگر (عمل خویش برای خدا) و صبور بودی، از زنان و فرزندان دفاع و حمایت می نمودی، تا این که تو را از مرکب انداختند، پس با تنی مجروح بر روی زمین افتادی. اسب‌ها با سم‌هایشان تو را زیر دست و پا له کردند و طاغیان و فاسقان بی ارزش بالای سر تو ایستادند. پیشانی ات برای مرگ عرق کرده بود و راست و چپ تنت - از شدت درد - منقبض و منبسط می شدند. چشمانت را به آرامی چرخاندی و به سوی خیمه گاه نگاه کردی، در حالی که فکر تو از جانب آن‌ها پریشان شده بود. اسب با سرعت به سوی خیمه‌ها فرار کرد در حالی که شیهه می کشید و گریه می کرد.

زمانی که زن‌ها اسب تو را در آن حال پریشانی یافتند و زینش را خالی از تو دیدند، از خیمه‌ها بیرون ریختند. در حالی که موهای خود را پریشان ساخته بودند. با دست بر صورتشان می‌زدند. رو بندهایشان افتاده بود و صدایشان به او ایلا بلند شده بود. بعد از عزت به ذلت افتادند و به سوی مقتل تو می‌دویدند. در همان حال شمر بر روی سینه تو نشست بود، و شمشیر خویش با خون گلویت سیراب می‌کرد، با دستی محاسن شریف‌ت را در مشت می‌فشرد، (و با دست دیگر) با تیغ آخته‌اش، سر از بدنت جدا می‌کرد، تمام اعضا و حواس‌ت از حرکت ایستاد، نفس‌های مبارکت در سینه پنهان شد، و سر مقدست بر نیزه بالا رفت، اهل و عیالت چون بردگان به اسیری رفتند، و در غل و زنجیر آهنین بر فراز جهاز شتران در بند شدند، گرمای (آفتاب) نیمروز چهره‌هایشان را می‌سوزاند، در صحراها و بیابان‌ها کشیده می‌شدند، دستانشان را به گردن‌هایشان زنجیر کرده و در بازارها می‌گرداندند. ای وای بر این سرکشان گناهکار!

حسین تجسم اسلام

لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَعَطَلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَهَمَلُوا فِي الْبُعْيِ وَالْعُدْوَانِ لَقَدْ أَضْيَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا وَعِيَادَ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا وَعُودَ الْحَقِّ إِذْ قَهَرَتْ مَقْهُورًا وَقَفِدَ بِقَمْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ وَظَهَرَ بِعَيْدِكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّيْدِيلُ وَالْإِلْحَادُ وَالتَّغْطِيلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالْأَضَالِيلُ وَالْفِتْنُ وَالْأَبَاطِيلُ؛

به تحقیق که با گشتن تو اسلام را گشتند، و نماز و روزه (خدا) را بدون یاور رها نمودند، و سنت ها و احکام (دین) را از بین بردند، و پایه های ایمان را منهدم نمودند، و آیات قرآن را تحریف کرده، در (وادئ) جنایت و عداوت پیش تاختند.

به راستی رسول خدا «که درود خدا بر او و آل او باد» (با شهادت تو) تنها ماند! (یا مظلوم واقع شد)، و کتاب خداوند عزوجل مَیْتْرُوكِ گردید، و آن گاه که تو مقهور و مغلوب گشتی، حق و حقیقت مورد خیانت واقع شد، و به فقدان تو تکبیر خدا و کلمه توحید، حرام و حلال دین، و تنزیل و تأویل قرآن جملگی از بین رفت، و پس از تو تغییر و تبدیل (احکام)، کفر و الحاد و بی سرپرستی دین، هوی و هوس ها و گمراهی ها، فتنه ها و باطل ها جملگی (بر صفحه روزگار) ظاهر شد.

عزای کل هستی برای امام حسین علیه السلام

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ حَيْدِكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ قَائِلًا: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ
وَاسْتَبِيحَ أَهْلَكَ وَحَمَاكَ وَسَبَّكَ بِعِدَاكَ ذَرَارِيكَ وَوَقَعَ الْمَحِيدُورُ بِعَثْرَتِكَ وَذَوِيكَ فَانزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَعَزَّاهُ
بِسُكِّ الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ وَاخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ تُعَزِّي أَيْيَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَقِيَمَتْ لَكَ
الْمَأْتَمَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعِينُ وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسَيَّكَانَهَا وَالْجِنَانُ وَخَزَائِنُهَا وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا وَالْبِحَارُ وَحِيَتَانُهَا
وَالْجِنَانُ وَوَلَدَانُهَا وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ وَالْحِلُّ وَالْإِحْرَامُ؛

پس پیکِ مرگ نزد قبرِ جدّت رسول خدا «که رحمتِ بی پایانِ خداوندی بر او و آلِ او باد» ایستاد، و با اشکِ ریزانِ خبرِ مرگِ تو را به وی داد، و این گونه گفت: ای رسول خدا! دخترزاده جوانمردت شهید شد، خاندان و حریمتِ مُباح گردید، پس از تو فرزندانِت به اسیری رفتند، و وقایعِ ناگواری به عترت و خانواده ات وارد شد. پس (از شنیدنِ این خبر) رسولِ خدا صلی الله علیه و آله مضطرب و پریشان گردید، و قلبِ هراسناکش بگریست، و فرشتگان و انبیاء (به خاطر مصیبتِ تو) او را تسلیت و تعزیت گفتند، و مادرت زهرا (از اندوهِ مصیبتِ تو) دردناک شد، و دسته هایِ ملائکه مقربین درآمد و شد بودند، پدرت امیرمؤمنان را تعزیت می گفتند، مجالسِ ماتم و سوگواری برایِ تو در اعلا، علین برپا شد، و حورالعین به جهت تو به سر و صورت زدند، (در عزایِ تو) آسمان و ساکنانش، بهشت ها و نگهبانانش، کوه ها و کوهپایه ها، دریاها و ماهیان، [شهر مکه و پایه هایش فردوس ها و جوانانش، خانه کعبه و مقام ابراهیم، و مشعرالحرام، و حلّ و حرمِ جملگی گریستند.

توسل به خاک کربلاء

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُتَّيِّفِ صَلِّ [عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ؛

بار خدایا! به حرمتِ این مکانِ رفیع، بر محمد و آلِ او رحمت فرست و مرا در زمره آنان محشور فرما، و به شفاعت و وساطتِ آن ها مرا داخلِ بهشت گردان.

توسل به معصومین علیهم السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْمَأْنُوعِ الْبَطِينِ الْعَالِمِ الْمَكِينِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِالْحَسَنِ الرَّكِيِّ عَضِيْمِهِ الْمُتَّقِينَ وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ بْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ وَبِأَوْلَادِهِ الْمُقْتُولِينَ وَبِعِزَّتِهِ الْمَظْلُومِينَ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَبْلَهُ الْأَوَّابِينَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ مُظْهِرِ الْبُرَاهِينَ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدِينَ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسَى تَخْلِفِينَ وَالْحُجَّهَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تَصِلُنِي إِلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ آلِ طَهٍ وَيَسْ وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمَسْلُومِينَ وَالْحَقِيئِينَ بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ وَاكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ وَاصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَيَّاكِرِينَ وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَّامِينَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

بار خدایا! من به تو توسل می رجویم ای سریع ترین حسابگران، و ای بخشنده ترین کریمان، و ای فرمانروای حاکمان، به حق محمد آخرین پیامبران، و فرستاده تو به سوی تمام جهان ها، و به حق برادرش و پسر

عمویش، آن بلند پیشانی میان پُر، آن دانشمند عالی مرتبه، یعنی علی فرمانروای مؤمنان، و به حق فاطمه سرور بانوان جهانیان، و به حق حسن مجتبی که پاک و مبرّأ و پناهگاه متّقیان است، و به حقّ اَبی عبدالله الحسین گرامی ترین شهدا، و به حقّ فرزندان مقتولش، و خانواده مظلومش، و به حقّ علی بن الحسین زیورِ عابدان، و به محمّد بن علی قبله توبه کنندگان، و جعفر بن محمّد راستگوترین صادقان، و موسی بن جعفر آشکار کننده دلایل و براهین، و علی بن موسی یاورِ دین، و محمّد بن علی اُسوه و الگوی هدایت شوندگان، و علی بن محمّد زاهدترین پارسایان، و حسن بن علی وارثِ جانشینان، و حُجّتِ خدا بر تمام آفریدگان، این که درود فرستی بر محمّد و آل او، آن راستگویانِ نیکوکار، همان آلِ طه و یاسین، و این که مرا در قیامت از کسانی قرار دهی که (از عذابِ تو) ایمن و با آرامشِ خاطر و رستگار و مسرور و بشارت یافته اند.

بار خدایا! نامِ مرا در زُمره مسلمین نوشته، و مرا به صالحین ملحق فرما، و نامِ مرا بر زبان اُمت های آتیه نیکو قرار ده، و مرا بر علیه ظالمین یاری ده، و از مکرِ حسودان حفظ فرما، و نیز حيله حيله گران را از من برگردان، و دست ستمکاران را از من دور نگه دار، و بین من و آن سرورانِ با میمنت در اعلا، علّین جمع بفرما، همراه با کسانی که بر آن ها انعام فرمودی، یعنی پیامبران، راستگویانِ در عمل و گفتار، و شهدا و نیکان، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

توسل به پیامبر و قبر امام حسین علیه السلام

اَللّهُمَّ اِنِّی اُقْسِمُ عَلَیْكَ بِبَنِّیْكَ الْمَعْصُومِ وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُمِ وَنَهْیِكَ الْمَكْتُومِ

وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلُومِ الْمَوْسَدِ فِي كَفِّهِ الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْعُجُومِ وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ
الْمَحْتُومِ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ اللَّهُمَّ جَلِّئِي بِنِعْمَتِكَ وَرَضِّنِي بِقِسْمِكَ وَتَعَمَّدِنِي بِجُودِكَ وَكَرِّمِكَ وَبَاعِدْنِي مِنْ
مَكْرِكَ وَنَقِمَتِكَ

اللَّهُمَّ اغْصَبْ عَنِّي مِنَ الزَّلَمِ وَسَيِّدْ دُنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ وَافْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ وَبَلِّغْنِي بِمَوْلَى
وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ؛

بار خدایا! تو را سوگند می دهم به حق پیامبر معصوم، و به حق حکم حتمی و قطعی ات، و به حق نهی پنهانی ات، و به حق
این آرامگاهی که مردم از هر طرف به جهت زیارت بر او گرد می آیند، و این امام معصوم مقتول مظلوم که در جانب آن تکیه
زده، این که غم و غصه ها را از من برطرف فرمایی، و شرور قضا و قدر حتمی را از من برگردانی، و مرا از آتش عذابت که
دارای بادهای سوزان است پناه دهی و نگه داری.

بار خدایا! مرا با نعمت خود احاطه کن، و به عطایای خود راضی و خوشحال فرما، و به جود و کرمت مرا بپوشان، و از مکر و
انتقام خود دورم ساز

خواسته های روز عاشورا

اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَارْحَمْ عَيْبَتِي وَأَقْلِبْ عَثْرَتِي وَنَفْسِ كُذْبَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَصْلِحْ لِي فِي
دُرِّيَّتِي اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا رِزْقًا إِلَّا
بَسَطْتَهُ وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمَرْتَهُ وَلَا

فَسِيءًا إِلَّا أَضِلَّحْتَهُ وَلَا - أَمَلًا - إِلَّا بَلَّغْتَهُ وَلَا - دُعَاءًا إِلَّا أَجَبْتَهُ وَلَا مُضَيِّقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا شَمَلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَرْتَهُ وَلَا - حُلُقًا إِلَّا حَسَنْتَهُ وَلَا - اِنْفَاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ وَلَا - حَالًا إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَلَا - حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ وَلَا - عِدْوًا إِلَّا أَرَدَيْتَهُ وَلَا - شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا - مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا - بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ وَلَا - شِعْنًا إِلَّا لَمَمْتَهُ وَلَا - سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلِهِ وَتَوَابَ الْآجِلِهِ.

اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ عَنِ جَمِيعِ الْأَنْامِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًا وَعَمَلًا زَاكِيًا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَأَجْرًا جَزِيلًا

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَثْبُوعًا وَعَدْوِي مَقْمُوعًا؛

بارخدایا! بر محمد و آل او رحمت فرست و توبه مرا قبول فرما، و بر اشک چشمم ترحم نما، و لغزش مرا چشم پوشی فرما، و حزن و اندوه مرا زایل کن، و گناهم را بر من ببخشای، و خاندان و نسل مرا برایم اصلاح فرما.

بارخدایا! در این مشهد والامقام و در این محل گرامی، برایم مگذار گناهی را مگر آن که ببخشی، و نه عیبی را مگر آن که مستور نمایی، و نه غم و غصه ای را مگر برطرف فرمایی، و نه رزقی را مگر گسترش دهی، و نه قدر و منزلتی را مگر باقی بداری، و نه فسادی را مگر اصلاح فرمایی، و نه آرزویی را مگر نایل کنی، و نه دعایی را مگر اجابت فرمایی، و نه تنگنایی

را مگر بگشایی، و نه امور پراکنده ای را مگر جمع و برقرار نمایی، و نه امری را مگر تمام فرمایی، و نه مالی را مگر فراوانی بخشی، و نه خُلق و زشتی را مگر نیکو گردانی، و نه انفاقی را مگر جایگزین فرمایی، و نه حالی را مگر آباد فرمایی، و نه حسودی را مگر ذلیل نمایی، و نه دشمنی را مگر هلا-ک گردانی، و نه شَرّی را مگر منع فرمایی، و نه بیماری را مگر شفا بخشی، و نه دوری را مگر نزدیک فرمایی، و نه اختلافی را مگر جمع و اصلاح نمایی، و نه خواهشی [خواسته ای را مگر عطا فرمایی.

بار خدایا! من از تو درخواست می کنم خیر دنیا و ثوابِ آخرت را.

بار خدایا! مرا به سبب حلالیت از حرام مستغنی کن، و به فضل و احسانت از جمیع خلق بی نیاز فرما.

بار خدایا! از تو درخواست می کنم دانشی مفید، قلبی خاشع، یقینی سلامت بخش، عملی صالح و پاک، صبری زیبا، و اجری عظیم را.

بارالها! شکر نعمت را بر من روزی ام کن، و احسان و کَرَمَت را بر من زیاد فرما، و گفته مرا در میان مردم شنوده نما، و عمل مرا به نزد خویش بالا بَر، و سنّت باقیمانده مرا در امور خیر مورد پیروی قرار ده، و دشمنم را خوار و ذلیل گردان.

توسل به امام حسین علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْاِمَامِ فَزَجًّا قَرِيْبًا وَصَبْرًا جَمِيْلًا- وَنَصِيْرًا عَزِيْزًا وَغِنًى عَنِ الْخَلْقِ وَثَبَاتًا فِى الْهُدٰى وَالتَّوْفِيْقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى وَرِزْقًا

وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا مَرِيئًا دَارًا سَائِعًا فَاضِحًا مُفْضِحًا صَبًا صَبًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا مِنْهُ مِنْ أَحَدٍ وَعَافِيَهُ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ
وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالنَّعْمَاءِ وَإِذَا حَيَاءَ الْمَوْتِ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً عَلَى مَا أَمَرْنَا مُحَافِظِينَ حَتَّى تُؤَدِّينَا إِلَى
جَنَّاتِ النَّعِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

بارخدايا! از تو درخواست می‌کنم به حق این امام بزرگوار، گشایشی نزدیک را، و صبری نیکو را، و پیروزی ای توأم با عزت
را، و بی‌نیازی از خلائق را، و دوام و استمرار در طریق هدایت را، و توفیق را بر آنچه تو دوست داری و رضایت تو در آن
است، و روزی ای که واسع، و حلال، پاک، و گوارا و ریزان و خوش گوار، فراوان و برتر و پی در پی باشد، بدون هیچ
زحمت و مشقتی، و خالی از هرگونه ممتی از احدی. و (نیز درخواست می‌کنم) تندرستی از هر بلاء و ناخوشی و بیماری را. و
شکرگزاری بر هر عافیت و نعمتی را. و هنگامی که مرگ ما فرا رسید بر نیکوترین حال طاعت، ما را قبض روح فرمایی، و در
حالتی که نگاهبان دستورات تو باشیم، تا آن که ما را به بهشت های پر نعمت برسانی، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان!

رابطه با دنیا و آخرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَآنِسْنِي بِالْآخِرَةِ فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا
رَجَاؤُكَ؛

بارخدايا! بر محمد و آل او رحمت فرست، و مرا از دنیا در وحشت

و هراس قرار ده و به آخرت انیس فرما، چرا که فقط خوف از تو دنیا را وحشت زامی کند، و فقط امید و دلبندی به تو آخرت را انس بخش می کند.

فقیر و غنی

اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مِمَّنِ اسْتَتَعْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ وَالْفَقِيرُ مِمَّنِ اسْتَتَعْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ؛

بارالها! غنی آن کسی است که به سبب تو بی نیازی جوید و به سوی تو محتاج باشد، و فقیر و درمانده کسی است که از تو (روگردان شده) به جانب مخلوق بی نیازی طلبد، پس رحمت نما بر محمد و آل او، و مرا از خلق خودت به سبب خودت بی نیاز فرما، و مرا چنان قرار ده که هیچگاه دستی جز بسوی تو دراز نکنم،

بیچاره و بدبخت واقعی

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنِطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَبَانِي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي؛

بارالها! بدبخت کسی است که با این که راه توبه و بازگشت جلوی او و رحمت تو پشتیبان اوست ناامید شود، اگرچه عمل من ضعیف و سُست است، لکن امید رحمت تو در من قوی است، پس ضعف عمل مرا در قبال قوت امیدم، بر من بیخشای.

بدترین بنده و بهترین خدا

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي وَأَعْظَمُ مِنِّي

ذُنْبًا فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَىٰ أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْوًا فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ اغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ؛

بارخدایا! اگر تو چنان دانی که در میان بندگانت از من سنگدل تر و پرگناه تر نیست، (در عوض) من هم به یقین می دانم که هیچ مولا و سرپرستی فضل و عطایش از تو بیشتر نیست، و رحمت و عفویش از تو وسیع تر نیست، پس ای کسی که در رحمت و مهربانی یگانه ای، ببخشای کسی را که در جرم و گناهش تنها و یگانه نیست.

بی حیایی!

اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِيَّاكَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَىٰ مَا نَهَيْتُ قَلْبَهُ حَيَاءٌ وَتَزَكِيَّ اسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ؛

بارخدایا! این کم حیایی من است که (از طرفی) در خانه تو استغفار می کنم و (از طرف دیگر) بر مناهی تو پافشاری می ورزم، چنانچه اگر استغفار نکنم با این که وسعت حلم تو را آگاهم، این تباه نمودن حق امیدواری است.

توسل به امام حسین علیه السلام

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْإِمَامِ وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِيَّ دِينِهِ رَسُولِكَ وَلَا بُؤْيُوهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ إِذْ رَارَ الرِّزْقُ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا وَصَلَامُ أَحْوَالِ عِيَالِنَا فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مَنْ سَعَهُ وَتَمْنَعُ مَنْ قُدْرَهُ وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُونُ صَلَاحًا لِلدُّنْيَا وَبَلَاغًا لِلْآخِرَةِ؛

خدایا ما به واسطه این بنده خالص و امام به تو متوسل می شویم و به خاطر حقی که برای او و جدش رسول خدا و والدینش علی و فاطمه که اهل بیت رحمت هستند، در خواست می کنم که روزی لازم برای ادامه زندگی و رسیدگی به معاش خانواده مان را پیوسته عنایت کنی؛ زیرا تو آن کریمی هستی که از وسعت نعمتش می بخشد و از با قدرتت مرا عذاب نمی کنی. آری ما آن قدر روزی می خواهیم که صلاح دنیا و آخرتمان در آن است.

دعای عمومی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به همراه والدین و همه مردان و زنان مؤمن و مسلمان، چه زنده باشند و چه مرده، ببخش و در دنیا و آخرت حسنت خود را عنایت کن و ما را از عذاب آتش ننگه دار.

دعای امام برای شیعیان

دعای امام برای شیعیان (۱)

وَأَبْتِهِمْ أَوْ قَالَ وَأَحِبِّهِمْ فِي عِزِّنَا وَمُلْكِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَدَوْلَتِنَا

خدایا آن ها را در دوران عزت و حکومت ما، ننگه دار، یافرمودند: زنده کن.

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه مبارک رمضان

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه مبارک رمضان (۲)

اللَّهُمَّ بَرِّحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي عَلِيِّينَ فَارْزُقْنَا وَبِكَأْسٍ مِنْ

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۱ باب ۱۸ «ذكر من رآه صلوات الله عليه»؛ مهج الدعوات ص ۲۹۶.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶؛ باب ۴۸ «أنهم خلفاء الله»؛ تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۱۱۰ «دعاء أول يوم من شهر رمضان...»؛ إقبال الأعمال، ص ۶۰ «فصل فيما نذكره من دعاء الافتتاح».

مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَيْلَسِيلٍ فَاسْتَقِيمْنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَرَوَّجْنَا وَمِنَ الْوَلَدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلُوهُ مَكُونُونَ فَأَخْرَجْنَا مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعَمْنَا وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبَسْنَا

وَلَيْلَهُ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَفَتَلْنَا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَئِيكَ فَوْقَ لَنَا

وَ صَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجَبْ لَنَا

يَا خَالِقَنَا اسْمِعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا

وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا

وَبِرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ وَأَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ فَارْحَمْنَا

وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تُفَرِّقْنَا

وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تَقْلِبْنَا

وَمِنَ الزُّقُومِ وَالصَّرْبِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا

وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبِنْنَا

وَمِنَ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَائِيلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا

وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَجَنِّبْنَا؛

خدایا به واسطه رحمت، ما را در زمزمه صالحان وارد کن و به مقام علین بالا ببر و با کاسه ای از آب زلال از چشمه سلسبیل سیراب و با حورالعین تزویج و از پسران مانند گار بهشتی که مانند لؤلؤ می درخشند، برایمان خادم و از میوه های بهشت و گوشت های پرندگان آن، غذا و از لباس های زخیم و نازک حریر برایمان لباس قرار بده.

است کسی که نعمت می دهد و تشکر می کند. (۱) پاک و منزّه است کسی که مقدر می کند و می بخشد. (۲)

معصیت و انواع آن

قَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُرُودِ بِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَيَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجْبَةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ؛

خدایا از سر لجبازی و با قصد خروج از عبودیت و انکار به ربوبیت تو، گناه نکرده ام. بلکه فریب هوای نفسم را خوردم و شیطان مرا به لغزش انداخت. با این حال تو می توانی مرا محکوم کنی.

اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهانم خواهد بود. اما اگر ببخشی به خاطر آقایی و کرم و جود توست.

امام زمان علیه السلام و سلام بر حضرت امیر علیه السلام

امام زمان علیه السلام و سلام بر حضرت امیر علیه السلام (۳)

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالِدَوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضَمَّةِ يَنَّهُ الْمُتَمَرَّةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُؤَنَعَةِ بِالْإِمَامَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحِ السَّلَامِ عَلَيْكَ

۱- مقصود آن است که خداوند متعال انسان را از نعمت عبادت و صحبت و اطاعت خودش بهرمنند می کند. اما به جای این که انسان از او به خاطر این نعمت شکر کند، خداوند دوباره از انسان تشکر می کند و برای عبادتی که نعمت خودش بوده است، دوباره تشکر کرده و پاداش می دهد. این مطلب با تفصیل بیشتر در دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام آمده است.

۲- به این معنا که خداوند متعال خود حدودی را برای انسان تعیین می کند. اما زمانی که انسان این حدود را می شکند، می بخشد.

۳- بحار الأنوار، ص ۲۱۲ ج ۹۹؛ زیاره امیرالمؤمنین علیه السلام جمال الأسبوع ۳۱ زیاره امیرالمؤمنین علیه السلام.

وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ؛

سلام بر درخت نبوت و عظمت هاشمی تابان که ثمره اش از نبوت و رسیدگی آن از امامت است. (۱)

سلام بر تو و بر دو پیامبری که در کنارت خوابیده اند؛ یعنی آدم و نوح علیهما السلام.

سلام بر تو و اهل بیت پاکت.

سلام بر تو و بر ملائکه گرداگرد و زائر تو.

عظمت امام

عظمت امام (۲)

لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتَقْتُلُهَا وَرَتَّقُهَا بِيَدِكَ يَدُوهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمَنَاةٌ وَأَزْوَادٌ وَحَفَظَةٌ وَرُؤَادٌ فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

میان تو و آن ها هیچ فرقی نیست. مگر این که آن ها بنده و مخلوق تو هستند. رتق و فتق و آغاز و بازگشت آن ها به سوی توست. آن ها یاوران و شاهدان و هادیان و ذخایر و حافظان و رهبران هستند. تو زمین و آسمان را از آن ها پر کردی تا روشن شود که خدایی جز تو نیست. (۳)

۱- به این معنا که میوه درخت از نبوت ریشه می گیرد و کمال و رسیدگی آن میوه از امامت است و بدون امامت نارس خواهد بود.

۲- إقبال الأعمال، ص ۶۴۶ «فصل فیما نذکره من الدعوات»؛ البلد الأمين، ص ۱۷۹ «شهر رجب ...». المصباح للكفعمی، ص ۵۲۹ «الفصل الثالث و الأربعون»؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۹۲، باب ۲۳ «أعمال مطلق أيام شهر رجب».

۳- مقصود آن است که اهل بیت علیهم السلام در اثر عبادت و استعدادهای ذاتی تجسم صفات خدا شده اند. از این رو توحید مجسم هستند. یعنی توحید خدا با وجود آن ها آشکار شده است. معنای این سخن که میان شما و خدا تفاوتی غیر از این نیست که شما بندگان او و مخلوق او هستید، آن است که شما هیچ چیزتان از خودتان نیست. همه چیزتان از خداست. اما به جهت عبادت و بندگی، تبلور صفات او شده اید. خدا با چشمان شما می بیند و با دستانتان کار می کند و با پاهایتان قدم بر می دارد. همان جمله معروف که عمر درباره علی علیه السلام به آن جوان گناهکار گفته بود: چشم خدا تو را دید و دست خدا تو را زد!

معجزات امام زمان علیه السلام

وظایف شیعیان و کسب حلال

وظایف شیعیان و کسب حلال (۱)

أُخْرِجْ وَكُذِّ عَلَى عِيَالِكَ؛ (۲)

برو و برای خانواده ات کسب و کار کن.

امام و یاری یاران

امام و یاری یاران (۳)

أَنْتَ نَصْرَتَنَا فَنَصْرَتَاكَ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ نَصَرَهُ؛ (۴)

تو ما را یاری کردی، ما هم تو را یاری کردیم، «و خداوند یاوران خود را، یاری می کند.» (۵)

دیدار با امام زمان علیه السلام

منم مهدی

منم مهدی (۶)

أَنَا الْمَهْدِيُّ أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ أَنَا الَّذِي أَمَلُوها عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجْبِهِ؛

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۰، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله عليه».

۲- امام علیه السلام این جمله را خطاب به ابو راحج حمای فرمودند.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۵، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله عليه».

۴- خطاب به یکی از شیعیان وفادارشان فرمودند.

۵- حج / ۴۰.

۶- الغیبه للطوسی، ص ۲۵۳ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۴، باب ۴۳ «ذکر من شاهد القائم علیه السلام و رآه»؛ بحار الأنوار، ج ۵۲،

ص ۱، باب ۱۸ «ذکر من رآه صلوات الله عليه».

من مهدی هستم، همان کسی که قیام می کند و زمین را بعد از پر شدن از ظلم، مملو از عدل می کند. زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نمی ماند.

مدت واقعی غیبت

لا- يَبْقَى النَّاسُ فِي فِتْرِهِ أَكْثَرَ مِنْ تِيهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَقَدْ ظَهَرَ أَيَّامُ خُرُوجِي فَهَيْدِهِ أَمَانَةٌ فِي رَقَبَتِكَ فَخِدَّتْ بِهَا إِخْوَانَكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ؛ (۱)

مردم بیش از ایام سرگردانی قوم بنی اسرائیل، (۲) از امامت محروم نخواهند ماند و من ظهور خواهم کرد. این دیدار امانتی است که باید آن را حفظ کنی. آن را به برادران شیعه خود، برسان.

غصب زمین مسجد جمکران

غصب زمین مسجد جمکران (۳)

قُلْ لَهُ إِنَّكَ تَعْمُرُ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْذُ سِنِينَ وَتَزْرَعُهَا وَنَحْنُ نَحْرُبُهَا؛

تو سال هاست که این زمین را می کاری و ما آن را خراب می کنیم. (۴)

جمکران، مکانی جدا شده و استثنایی

إِنَّ هَذِهِ أَرْضٌ شَرِيفَةٌ قَدْ اخْتَارَهَا اللَّهُ تَعَالَى مِنْ غَيْرِهَا مِنَ الْأَرْضِ وَشَرَّفَهَا؛

این زمین شرافت خاصی دارد و خداوند آن را برای عبادت خودش انتخاب کرده است.

۱- البته به خاطر سستی شیعیان و مهیا نشدن شرایط این مدت تا بیش از هزار و صد و پنجاه سال، افزایش یافته و ممکن است که باز هم افزایش بیابد.

۲- طبق تصریح قرآن، سرگردانی قوم بنی اسرائیل چهل سال طول کشیده است. «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده/۲۶).

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۴۴۷ باب ۵۴ «نوادری»؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ج ۲۳۰، «الحکایه الثامنه».

۴- خطاب به حسن بن مسلم که زمین مسجد جمکران را غصب کرده بود.

امام و تشویق به عبادت در مسجد جمکران

قُلْ لِلنَّاسِ لِيَرْغَبُوا إِلَىٰ هَذَا الْمَوْضِعِ وَيَعَزُّوهُ وَيَصَلُّوا هُنَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ؛

به مردم بگو: تا به این مکان آمده و آن را گرامی بدارند و در آنجا چهار رکعت نماز بخوانند.

روش خواندن نماز تحت مسجد

رَكَعَتَانِ لِلتَّحِيهِ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ يَقْرَأُ سُورَةَ الْحَمْدِ مَرَّةً وَسُورَةَ الْإِخْلَاصِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَيَسْبِحُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سَبْعَ مَرَّاتٍ؛

دو رکعت است؛ در هر رکعت بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید و ذکر رکوع و ذکر سجود هر کدام هفت مرتبه بخواند.

روش خواندن نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران

رَكَعَتَانِ لِلْإِمَامِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَكَذَا يَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ فَإِذَا وَصَلَ إِلَىٰ إِيَّاكَ نَعِيدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ كَرَّرَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقْرؤها إِلَىٰ آخِرِهَا وَهَكَذَا يَضَعُ فِي الرُّكُوعِ الثَّانِيَةِ وَيُسَبِّحُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِذَا أَتَمَّ الصَّلَاةَ يُهَلِّلُ وَيُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَإِذَا فَرَغَ مِنَ التَّسْبِيحِ يَسْجُدُ وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَنْ صَلَّى هَا فَكَأَنَّمَا فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛

دو رکعت هم نماز صاحب الزمان است. در هر رکعت ایاک نعبد و ایاک نستعین صدبار تکرار می شود. بعد از اتمام نماز، لا اله الا الله گفته و تسبیحات حضرت زهرا را می گوید. بعد از آن در سجده صدبار صلوات می فرستد.

سپس فرمود: کسی که این نماز را در این مکان بخواند، مانند آن است که در داخل کعبه خوانده است.

ملحقات: امام زمان علیه السلام در روزهای اول ظهور

امام زمان علیه السلام و یاری خواستن از مردم

امام زمان علیه السلام و یاری خواستن از مردم (۱)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَيُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛

ای مردم ما از خدا و کسانی که ما را اجابت کنند، یاری می طلبیم. ما اهل بیت پیامبرتان محمدیم. ما نزدیک ترین افراد به خدا و محمدیم.

من عصاره تمام پیامبرانم

مَنْ حَاجَنِي فِي النَّبِيِّينَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ

أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ فَأَنَا بَقِيَّةُ مَنْ آدَمَ وَذَخِيرَةُ مَنْ نُوحٍ وَمُضْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛

اگر کسی درباره انبیاء با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن ها هستم.

آیا در گفته های من تردید دارید؟ مگر خدا در محکمت قرآن نفرموده است: «همانا خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر سایر عالمیان برتری داد، نسلی بعد از نسلی دیگر و خداوند شنوا و داناست». (۲) پس بدانید که من یادگار آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و جانشین محمدعلیهم السلام هستم.

۱- الاختصاص، ۲۵۵ «حدیث فی زیاره المؤمن لله»؛ الغیبه للنعمانی ص ۲۷۹، باب ۱۴ «ما جاء فی العلامات». بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۳۷ باب ۲۵- علامات ظهوره صلوات الله.

۲- آل عمران/ ۳۳ و ۳۴.

نزدیک ترین به قرآن

أَلَا وَمَنْ حَاجِنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ

بدانید اگر کسی درباره قرآن با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن هستم.

نزدیک ترین به سنت

أَلَا وَمَنْ حَاجِنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛

بدانید که اگر کسی درباره سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله با من استدلال کند، من نزدیک ترین افراد به آن هستم.

به حرمت خدا و رسول او و خودم

وَأَسِيءَ أَلَيْكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَىٰ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمُونَا وَمَنْعَمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُونَا فَقَدْ أَحْفَنَّا وَظَلَمْنَا
وَطَرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا وَبُعِي عَلَيْنَا وَدَفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا فَأَوْتَرَ [فَأَفْتَرَىٰ أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا

فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَأَنْصُرُونَا يَنْصُرُكُمْ اللَّهُ؛

به حق خدا و رسول او و خودم که حق ذوی القربی را بر عهده شما دارم، از شما یک چیز می خواهم و آن این است که ما را یاری کنید و جلوی ظالمان حقوقمان را بگیرید؛ زیرا ما همیشه در ترس و ظلم و تبعید و محرومیت از حقوقمان زندگی کرده ایم و ظالمان همیشه بر ما مسلط بوده اند. خدا را، خدا را نسبت به ما در نظر بگیرید، ما را خوار نکنید بلکه ما را یاری کنید تا خدا شما را یاری کند.

من محمد و علیم!

من محمد و علیم! (۱)

أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَهِيَ أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ
السلام؛

بدانید که اگر کسی بخواهد محمد و امیر مؤمنان را ببیند، این منم محمد و امیر مؤمنان.

من حسن و حسینم!

أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَهِيَ أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؛

بدانید که اگر کسی بخواهد به حسن و حسین نگاه کند، این منم حسن و حسین علیهما السلام.

من ائمه بعد از حسینم!

أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهِيَ أَنَا ذَا الْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛

بدانید که اگر کسی بخواهد به امامانی که از نسل حسین هستند، نگاه کند، این منم امامان بعد از حسین.

أَجِيبُوا إِلَيَّ مَسْأَلَتِي فَإِنِّي أُبَيِّنُكُمْ بِمَا بُيِّنْتُمْ بِهِ وَمَا لَمْ تُبَيِّنُوا بِهِ؛

درخواست مرا اجابت کنید؛ زیرا من تمام آنچه را که تا به حال به شما گفته بودند و بیش از آن را خواهم گفت.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹، باب ۲۸ «ما يكون عند ظهوره عليه السلام».

ما وعده قرآن هستیم

ما وعده قرآن هستیم (۱)

أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛

ای مردم ما همان کسانی هستیم که خداوند وعده آن‌ها را در قرآن داده است: «کسانی که اگر به آن‌ها تمکّن و قدرت بدهیم، نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و امر به معروف و منهی از منکر می‌کنند و عاقبت امور در نزد خداست». (۲)

دستور العمل کلی

دستور العمل کلی (۳)

اذکرکم أيها الناس ومقامکم بین یدی ربکم وقد اكد المحجه وبعث الانبياء وانزل الكتاب يامرکم ان لا تشركوا به شيئا وان تحافظوا على طاعته وطاعه رسوله صلى الله عليه وآله وان تحيوا ما احيا القرآن وتميتوا ما امات وتكونوا اعوانا على الهدى ووزراء على التقوى؛

فان الدنيا قد دنا فناؤها ووالها واذنت بالوداع وني ادعوكم الى الله ورسوله صلى الله عليه وآله والعمل بكتابه وماته الباطل واحياء السنه؛

ای مردم! خدا را به یادتان می‌اندازم و این که الآن در محضر خدا هستید. خداوند متعال حجت هایش را اقامه کرده و انبیاء را مبعوث و کتاب را نازل

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳ باب ۲۷ «سیره و أخلاقه و عدد أصحابه»؛ تفسیر فرات الکوفی ص ۲۷۴.

۲- حج/۴۱.

۳- عقد الدرر، ص ۱۴۵.

نموده و از شما خواسته تا چیزی را شریک او قرار ندهید و بر اطاعت او و رسولش اهمّیت دهید و هر آنچه را که قرآن آن را زنده کرده، زنده کنید و هر آنچه را که میرانده است، بمیرانید. یاور نور و هدایت و طرفدار تقوا باشید.

زیرا فنای دنیا نزدیک است و إعلام وداع کرده است و همانا من شما را به سوی خدا و رسول و عمل به کتابش و میراندن باطل و احیای سنت های الهی دعوت می کنم.

دلیل غیبت

دلیل غیبت (۱)

«فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛

از شما فرار کردم به خاطر ترسی که از شما داشتم و در مقابل، پروردگارم به من حکمت داد و مرا از مرسلین قرار داد. (۲)

۱- الغیبه للنعمانی، ص ۱۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱ باب ۲۶ «یوم خروجه».

۲- شعراء/۲۱.

فهرست منابع و مأخذ

- ١) إعلام الوری، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، دار الکتب الإسلامیه تهران.
- ٢) إقبال الأعمال، سیدعلی بن موسی بن طاوس، دارالکتب الإسلامیه تهران، ١٣٦٧ ه.ش.
- ٣) الإحتجاج، ابو منصور احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی مشهد مقدس، ١٤٠٣ ه.ق.
- ٤) الإختصاص، شیخ مفید، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ١٤١٣ ه.ق.
- ٥) البلد الأمين، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، چاپ سنگی عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر، جمال الدین یوسف بن یحیی مقدسی شافعی دمشقی.
- ٦) التهذیب، شیخ طوسی، ١٠ جلد، دار الکتب الإسلامیه تهران، ١٣٦٥ ه.ش.
- ٧) الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ٣ جلد، مؤسسه امام مهدی (عج) قم، ١٤٠٩ ه.ق.
- ٨) العدد القویه، رضی الدین علی بن یوسف حلّی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ١٤٠٨ ه.ق.
- ٩) الغیبه، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی قم، ١٤١١ ه.ق.
- ١٠) الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، مکتبه الصدوق، تهران، ١٣٩٧ ه.ق.
- ١١) الکافی ثقه الاسلام کلینی، ٨ جلدی، دارالکتب الإسلامیه تهران، ١٣٦٥ ه.ش.
- ١٢) المصباح، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، انتشارات رضی قم، ١٤٠٥ ه.ق.
- ١٣) بحار الأنوار، علامه مجلسی، ١١٠ جلدی، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، ١٤٠٤ ه.ق.

- (۱۴) ترجمه کلمه الامام المهدي، مرحوم آیت الله سيد حسن شیرازی.
- (۱۵) تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ه.ق.
- (۱۶) تفسیر قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، ۲ جلد، مؤسسه دارالکتاب قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- (۱۷) جمال الأسبوع، سید علی بن موسی بن طاوس، انتشارات رضی قم.
- (۱۸) رجال الشيخ الطوسي، شیخ طوسی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ ه.ق.
- (۱۹) رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه.ش.
- (۲۰) فرج المهموم، سید علی بن موسی بن طاوس، دار الذخائر قم.
- (۲۱) کمال الدین، شیخ صدوق، ۲ جلد در یک مجلد، دار الکتب الإسلامیه قم، ۱۳۹۵ ه.ق.
- (۲۲) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۱۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ ه.ق.
- (۲۳) منتخب الأنوار المضيئه، علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، چاپخانه خیام قم، ۱۴۰۱ ه.ق.
- (۲۴) من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ۴ جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- (۲۵) مهج الدعوات، سید علی بن موسی بن طاوس، انتشارات دار الذخائر قم، ۱۴۱۱ ه.ق.
- (۲۶) وسائل الشيعه، شیخ حر عاملی، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۹ ه.ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

